



مجلس شورای اسلامی ایران
کتابخانه مجلس شورای اسلامی



اجلاس
«تبیین اندیشه‌های
امام خمینی (ره)
در حوزه فرهنگ و هنر»

هو الرفيح



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

اجلاس
«تبیین اندیشه‌های
امام خمینی (ره) در
حوزه فرهنگ و هنر»

با حضور

معاونان، رؤسای سازمان‌ها، مدیران ستادی و استانی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
بهمن ۱۳۹۹



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

عنوان: اجلاس «تبیین اندیشه‌های امام خمینی (ره) در حوزه فرهنگ و هنر»
با حضور: معاونان، رؤسای سازمان‌ها، مدیران ستادی و استانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تدوین و تنظیم: کتابیون قهرمانی

ویراستار: محمدرضا زاهدی قاضی

صفحه‌آرا: حسین آذری

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۴۰۰

شمارگان: برای مخاطبان خاص

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ricac.ac.ir

رئیس اجلاس: دکتر سیدعباس صالحی

نایب رئیس اجلاس: دکتر محمد سلگی

دبیر علمی اجلاس: حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی خسروی

دبیر اجرایی اجلاس: دکتر داریوش مطلبی

مسئول پشتیبانی اجلاس: دکتر هامون شریفی

مسئول دبیرخانه اجلاس: کتایون قهرمانی

دبیر علمی کارگروه فضای مجازی: دکتر محمدرضا بهمنی

دبیر علمی کارگروه رسانه و مطبوعات: محمد خدادی

دبیر علمی کارگروه هنر و سینما: مهندس محمدمهدی حیدریان

دبیر علمی کارگروه فرهنگ عمومی: دکتر سیدمحمدرضا موالی زاده

همکاران دبیرخانه اجلاس: سمیه زمانی، سیدیونس سیدمیرزایی، زینب قاضی زاده هاشمی،

رقیه مهری

همکاران پشتیبانی، فناوری و سمعی بصری: حسین بهروز، علی فیضی، عباس محمدی،

علیرضارجبی، پدرام ملایری

فهرست مطالب

مختصری درباره اجلاس «تبیین اندیشه‌های امام خمینی (ره) در حوزه فرهنگ و هنر».....	۱
مقدمه	۳
افتتاحیه اجلاس	۷
اختتامیه اجلاس	۱۵
گزارش دبیران از فعالیت کارگروه‌ها	۲۱
گزارش تفصیلی پنل‌ها	۴۷
پنل اول: دیدگاه‌های امام خمینی (ره) درباره سینما	۴۹
پنل دوم: نقش مردم در سلامت حکومت از منظر امام خمینی (ره) و ظرفیت فضای مجازی برای تحقق آن	۷۱
پنل سوم: فرهنگ عمومی در اندیشه امام خمینی (ره)	۸۵
پنل چهارم: منظومه فکری امام خمینی (ره) در حوزه رسانه و مطبوعات.....	۱۰۱

مختصری دربارهٔ اجلاس «تبیین اندیشه‌های امام خمینی (ره) در حوزه فرهنگ و هنر»

اجلاس «تبیین اندیشه امام خمینی (ره) در حوزه فرهنگ و هنر» در سطح کشور به صورت حضوری و مجازی، روز چهارشنبه ۱۳۹۹/۱۱/۲۹ از ساعت ۹ تا ۱۸ با حضور آیت‌الله سیدحسن خمینی، دکتر عباس صالحی، معاونان، رؤسای سازمان‌ها تابعه و مدیران ستادی و استانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. این همایش کشوری که به‌همت و تلاش پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (دبیرخانه همایش) و همکاری تولید حرم امام خمینی (ره) برگزار شد، دو هدف عمده را دنبال می‌کرد:

نخست، اجرایی‌شدن خط‌مشی امام خمینی (ره) در حوزه فرهنگ و هنر؛
دوم، تجدیدمیثاق معاونان، مدیران و رؤسای سازمان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

در این همایش:

- آقایان دکتر داریوش مطلبی، دکتر محمد سلگی، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدعلی خسروی در بخش افتتاحیه به اهداف برگزاری اجلاس «تبیین اندیشه‌های امام خمینی (ره) در حوزه فرهنگ و هنر» پرداختند.
- آقایان دکتر مهندس محمد مهدی حیدریان و محمد مجتبی حسینی و قادر آشنا پنل تخصصی هنر و سینما را ارائه کردند.
- آقایان دکتر محمدرضا بهمنی و دکتر رضا عیسی‌نیا پنل تخصصی فضای مجازی را ارائه کردند.
- آقایان محمد خدادی و دکتر کواکبیان پنل تخصصی رسانه و مطبوعات را ارائه کردند.
- آقایان دکتر سیدمحمدرضا موالی‌زاده و حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدرضا حشمتی پنل فرهنگ عمومی را ارائه کردند.
- آیت‌الله سیدحسن خمینی، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدعلی خسروی و دکتر سیدعباس صالحی همچنین در بخش اختتامیه در تبیین اندیشه‌های بنیان‌گذار انقلاب اسلامی در حوزه فرهنگ و هنر سخن گفتند.

مقدمه

امام خمینی (ره)، طراح اصلی نظام دینی در عصر حاضر است که اجرای احکام اسلام را در متن زندگی فردی و اجتماعی براساس کارآیی دین در مدیریت جامعه، طرح و ارائه و خود عملاً یک دهه بر اجرای آن نظارت کرد. مسلماً در این شکی نیست که نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه اندیشه‌های امام خمینی (ره) شکل گرفته است. اما آیا اندیشه‌های امام تنها در اندیشه سیاسی ایشان خلاصه می‌شود؟ یا شامل ابعاد فرهنگی، حقوقی، اخلاقی و مدیریتی نیز خواهد بود؟

البته، نوآوری‌های امام در علم اصول، فقه، اخلاق و کلام، کم‌وبیش بر اهل تحقیق روشن است، اما متأسفانه اندیشه‌های فرهنگی و اجتماعی ایشان در فضای عمومی جامعه آن‌چنان‌که باید مطرح نمی‌شود. غفلت از پیش‌زمینه‌ها و پشتوانه‌های علمی‌ای که امام از آنها بهره‌مند بود، آغاز انحرافی است که جامعه انقلابی را در تشخیص اصول و راهبردهای حاکمیتی به‌شدت تهدید می‌کند. زیرا تحلیل مواضع امامی که تنها دارای صفت شجاعت و هوش بالای سیاسی است با تحلیل عملکرد امامی که علاوه بر شجاعت، به صفت حکمت، عفت،

ورع، قرآن‌پژوهی، تفکر اجتماعی، آگاهی‌های عمیق فرهنگی و جامعه‌شناختی متصف است، طبیعتاً متفاوت خواهد بود. نسل جوان ما اگر نداند که امام خمینی قبل از آن‌که انقلابی و مبارز باشد، بهترین سال‌های جوانی و بیشترین ایام عمر خود را صرف مطالعه و تحقیق در شیوه‌های خودسازی و مبارزه با نفس و تحمل ریاضت‌های شرعی برای وصول به درجات عالی اخلاقی و فتح قله‌های کمالات معنوی کرده؛ و اگر نسل امروز نداند که امام قبل از آن‌که قدرت شاه و آمریکا را درهم بشکند، سلطه نفس خود را سرکوب و مطیع عقل و ایمان کرده؛ در این صورت، چه بسا یک جوان انقلابی و عاشق امام در اثر برداشت سطحی و شعارگونه از شخصیت امام، مسیر خطرناکی را پیماید و ارزش‌های عالی انسانی و اخلاقی را که بالاترین هدف امام بود، قربانی شور و هیجان و اقدامات غلط و نسنجیده خویش سازد.

این که مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله) در تمام سخنرانی‌های سالگرد ارتحال امام بر زنده‌نگه‌داشتن اندیشه و آرمان امام خمینی تکیه و تأکید می‌کنند و از همگان به‌ویژه دستگاه‌های فرهنگی می‌خواهند که وصیت‌نامه امام را دستورالعمل فعالیت‌های خود قرار دهند، به‌همین منظور بوده است؛ تا نسل جوان که دوران امام را درک نکرده، تحت تأثیر تبلیغات بیگانگان، از آرمان بلند آن پیر فرزانه غافل نماند. به‌هرحال، بازشناسی شخصیت والای امام و آشنایی با ابعاد اندیشه‌ای ایشان در زمینه‌های مختلف دین‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی از ضروری‌ترین اموری است که مراکز علمی و فرهنگی کشور به‌ویژه دستگاه‌های متولی امور فرهنگی باید بدان اهتمام ورزند. در این راستا، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌منظور ارتقای سطح فکری و آشنایی هرچه بیشتر مردم با آفاق فکری و فرهنگی امام خمینی (ره)، نشست یک‌روزه‌ای را پیش‌بینی و طراحی کرد تا با حضور و مشارکت مدیران کل ستادی و اجرایی این وزارتخانه برگزار شود. همچنین مقرر شد تا در این نشست چگونگی تحقق اندیشه‌های امام خمینی در حوزه فرهنگ و هنر و یافتن راهکارهای عملی‌سازی ارزش‌های فرهنگی و اخلاق اجتماعی مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

به این منظور، طی احکام جداگانه‌ای از سوی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، جناب آقای دکتر سیدعباس صالحی مسئولیت اجرا به پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات و ریاست محترم آن جناب آقای دکتر محمد سلگی و دبیری علمی به عهده اینجانب نهاده شد. از آن پس، طی جلسات متعدد با کارشناسان حوزه فرهنگ و هنر و نیز شخصیت‌هایی که در زمینه آشنایی با اندیشه امام خمینی دارای سوابق و مطالعاتی بودند از جمله حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا حشمتی و سایر عزیزان به این جمع‌بندی رسیدیم که تمام بخش‌های مختلف و متعدد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان‌های تابعه را در قالب چهار کارگروه به شرح زیر در نظر بگیریم:

۱. کارگروه رسانه و مطبوعات به دبیری محمد خدای؛

۲. کارگروه هنر و سینما به دبیری مهندس محمدمهدی حیدریان؛

۳. کارگروه فرهنگ عمومی به دبیری دکتر سید محمدرضا موالی زاده؛

۴. کارگروه فضای مجازی به دبیری دکتر محمدرضا بهمنی.

پس از آنکه احکام دبیران کارگروه‌ها توسط وزیر محترم صادر شد، هر کارگروه در یک کار پژوهشی ابتدا سیاست‌های کلان حوزه مربوطه را با لحاظ کردن دیدگاه‌ها و نظرات امام خمینی از منابع مورد اعتماد استخراج و تدوین و سپس اقدامات و روش‌های اجرایی شدن آنها را تبیین و پیشنهاد کرد. این اجلاس یک‌روزه در سطح علمی و ترویجی و با حضور و مشارکت مدیران و کارشناسان ارشاد از سراسر کشور به صورت وبیناری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۹ تشکیل شد و اختتامیه آن در بعدازظهر همان روز در حرم مطهر امام خمینی با حضور تولیت محترم، آیت‌الله سیدحسن خمینی و وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی دکتر صالحی، معاونان ایشان و جمعی از اساتید خبره در حوزه فرهنگ و هنر و امام‌شناسی برگزار شد. چکیده‌ای از مباحث مطرح‌شده در این اجلاس که نتیجه ساعت‌ها پژوهش محققان و تلاش همکاران محترم پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات است، به حضور شما علاقه‌مندان تقدیم می‌شود.

در این اجلاس، آیت‌الله سیدحسین خمینی با ابراز خرسندی از این ابتکار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار امیدواری کرد که سایر نهادها و دستگاه‌های کشور نیز به‌جای حضور تشریفاتی همه‌ساله در دهه فجر در حرم امام، با برنامه‌ریزی و بحث‌های علمی در حوزه کار خود و با رویکرد دیدگاه‌های امام خمینی (ره) عملاً نام و یاد امام را زنده نگاه‌دارند.

امید است این اقدام، فتح‌بابی برای بررسی، پژوهش و بازاندیشی افکار بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی و روزآمد کردن این اندیشه‌های متعالی با عنایت به سرعت تحولات جهانی، در همه بخش‌های علمی و اجرایی کشور شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی خسروی

دبیر علمی اجلاس

افتتاحیه اجلاس

(روز چهارشنبه ۲۹/۱۱/۱۳۹۹ از ساعت ۹ تا ۱۲ و به صورت مجازی برگزار شد)

دکتر داریوش مطلبی: معاون پژوهشی پژوهشگاه و دبیر اجرایی اجلاس این اجلاس، پیرو تفاهم‌نامه همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تولیت حرم امام خمینی (ره) برگزار شده است؛ مسئولیت برگزاری این اجلاس از سوی دکتر عباس صالحی (وزیر محترم وزارت ارشاد) به پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات واگذار شده است. بر این اساس، پژوهشگاه به‌عنوان دبیرخانه اجلاس، تلاش کرده با برگزاری جلسات متعدد با دبیر علمی اجلاس (حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی خسروی)، معاون فرهنگی تولیت حرم امام (غلامعلی اصغریان) و دیگر صاحب‌نظران این حوزه، در خصوص نحوه تبیین اندیشه‌های حضرت امام برنامه‌ریزی‌هایی صورت دهد. نظر به این که طرح اندیشه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در هر مقوله بدون توجه به مبانی، معانی، شأن و منزلت تاریخی و تجارب سیاسی ایشان مقدور نبود، تصمیم بر آن شد تا با تشکیل چهار کارگروه علمی در حوزه‌های فرهنگ

عمومی، فضای مجازی، هنر و سینما، رسانه و مطبوعات و با انجام مطالعات عمیق تا حد امکان در فهم و تبیین اندیشه‌های امام در حوزه‌های موضوعی مزبور تلاش شود. به‌منظور فراهم‌آوردن بستری مناسب برای دستیابی مدیران و فعالان فرهنگی و هنری به اندیشه‌های امام و با حکم دکتر عباس صالحی، هدایت علمی هریک از کارگروه‌ها به یکی از معاونان و مشاوران وزارت متبوع واگذار شد. براین اساس، هر کارگروه، عهده‌دار تدوین گزارشی از اندیشه‌های حضرت امام راحل در حوزه موضوعی مربوطه شد تا بتواند با مطالعات وثیق و مستند، گزارشی در تبیین اندیشه‌های امام در ارتباط با موضوع و محور حوزه فعالیت‌های وزارت ارشاد تدوین کند که دستنامه‌ای باشد در دست مدیران فرهنگی - هنری این حوزه. همچنین، پژوهشگاه ضمن مکاتبه با تمام معاونت‌ها، سازمان‌ها و ادارات کل ستادی و استانی تابعه از آنان به‌منظور مشارکت در هریک از کارگروه‌ها دعوت کرد. بدین‌منظور، ترتیبی داده شده است تا در بخش دوم اجلاس، طی چهار پنل در حوزه‌های موضوعی مزبور، با حضور دبیران علمی مربوطه و سخنران مکمل و مدیران فرهنگی، در تبیین اندیشه‌های امام بحث و تبادل نظر صورت گیرد.





دکتر محمد سلگی، رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و نایب رئیس اجلاس هدف این اجلاس، مرور و بازخوانی اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) در خصوص فرهنگ و هنر است. نظر به مسبوق بودن بعد دینی و فرهنگی امام بر بعد سیاسی او در امر رهبری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مناسب دانسته تا اندیشه‌های معظم‌له را در پرتو زمان، مکان و تحولات عصری و نسلی مورد مطالعه مجدد قرار دهد. طی یک‌سال اخیر، بین پژوهشگاه به‌عنوان نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تولید حرم حضرت امام، برای تعیین محورهای این اجلاس بحث‌هایی طولانی صورت گرفته که مبتنی بر آن، چهار محور فکری برای این اجلاس انتخاب شد که عبارت‌اند از: مروری بر دیدگاه‌های امام خمینی درباره سینما؛ نقش مردم در سلامت حکومت از منظر امام و ظرفیت فضای مجازی برای تحقق آن؛ منظومه فکری امام در حوزه رسانه و مطبوعات؛ و فرهنگ عمومی در اندیشه امام.

برای استفاده بهتر و بیشتر از این اجلاس، تمهیداتی اندیشیده شده است. از جمله این که در برنامه صبح اجلاس، پس از برنامه افتتاحیه، ۴ کارگروه در موضوعات گفته شده هم‌زمان و البته در پنل‌های جداگانه برنامه خود را آغاز می‌کنند. برای آشنایی بیشتر اعضای حاضر در هر کارگروه، گزارشی پژوهشی حاوی توصیف و تحلیل محورهای چهارگانه تدوین و ارائه شده است. همچنین برای هر کارگروه، دبیری انتخاب شده که ضمن تسلط بر موضوع،

هدایت کارگروه را نیز برعهده دارد. به‌منظور استغنای بیشتر مذاکرات و مباحث در هر کارگروه از یک فرد خبره و صاحب‌نظر در موضوع کارگروه دعوت شده که به توضیح و تحلیل درخصوص موضوع جلسه بپردازد. نتایج مذاکرات و تصمیمات هر کارگروه، توسط دبیر جمع‌بندی می‌شود.

بخش دوم این اجلاس بعدازظهر برگزار می‌شود. در این بخش، از سخنان وزیر محترم (دکتر عباس صالحی) و تولیت آستان امام (حضرت حجت‌الاسلام سیدحسین خمینی) استفاده خواهیم کرد. همچنین در این قسمت، دبیر علمی اجلاس (حجت‌الاسلام محمدعلی خسروی) سخنرانی خواهند داشت و دبیران محترم کارگروه‌های چهارگانه، نتایج کارگروه ذی‌ربط را به استحضار افراد حاضر در اجلاس خواهند رساند.

امیدوارم این همایش اثربخش و برای فهم بهتر و الگوگیری درخصوص مسائل روز یاری‌رسان باشد. از همه عزیزانی که امروز وقت خود را به این اجلاس اختصاص دادند، سپاسگزار هستیم. با این امید که ثمرات این اجلاس به‌صورت مکتوب نیز آماده شود و در خدمت عزیزان قرار گیرد و به بهبود و ارتقای محتوا در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کمک کند.



حجت‌الاسلام و المسلمین محمدعلی خسروی، دبیر علمی اجلاس
عنوان اجلاس، تبیین اندیشه‌های حضرت امام در حوزه فرهنگ و هنر است.

ابتدا ببینیم اندیشه‌های امام چیست که ما می‌خواهیم آن را تبیین کنیم. آیا بعد از گذشت چهل سال هنوز این اندیشه‌ها تبیین نشده است که نیاز به چنین اجلاسی باشد؟ اگر اندیشه‌ی امام را صرفاً نگاه‌داشتن یک نظام سیاسی با عنوان جمهوری اسلامی ایران بدانیم، این نظام برقرار است و با همت مردم و عنایات حضرت حق همچنان برقرار خواهد ماند. اما اگر اندیشه‌ی امام را فراتر از این بدانیم، باید اقرار کنیم، به‌خصوص برای نسل امروز که امام را ندیده‌اند در این بُعد کوتاهی کرده‌ایم. اگر امام آن‌چنان که بود در ذهن و روح جوانان مطرح شود، به طور قطع در اخلاق، رفتار، بینش، و تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی آن‌ها مؤثر خواهد بود. حضرت امام قبل از اینکه مبارزه را شروع کند شصت سال با نفس خود مبارزه کرد و به‌عنوان یک پژوهشگر روش‌های مبارزه با نفس را مطالعه و بررسی نمود. امام اولین کتاب خود را در ۲۸ سالگی (قبل از اینکه کتابی در خصوص فقه و اصول و فلسفه و سیاست بنویسد)، با عنوان شرح دعای سحر در زمینه عرفان و اخلاق نوشت و پس از آن چهل حدیث و شرح جنود عقل و جهل را نوشت که همه این‌ها نشان‌دهنده دغدغه‌ی امام در خصوص خودسازی، تهذیب، زدودن اخلاق رذیله، و متخلق‌شدن به مکرمات‌های عالی انسانی است.

هدف امام از قیام و مبارزه این بود که بتواند با تشکیل حکومت جمهوری اسلامی همانا زمینه رشد و تعالی انسانی همه را فراهم نماید. اگر در جامعه می‌بینیم که در این مباحث عقب مانده‌ایم و پیش نرفته‌ایم باید بدانیم که امام را خوب نشناخته‌ایم. تبیین اندیشه‌های امام بر همه کارگزاران فرهنگی جمهوری اسلامی، از جمله مدیران ارشاد در سراسر کشور و مجموعه‌های وابسته به وزارت ارشاد، فرض است. بنابراین، اندیشه‌ی امام یعنی خودسازی و تهذیب نفس برای رسیدن به توحید که امام در تمام عمر پربرکتش این راه و هدف را گم نکردند. هدف ایشان، توحید الهی و ملاقات با حضرت حق، و راهشان تهذیب نفس بود. اگر اخلاق فاسد ریشه‌کن نشود و وارد اقتصاد گردد، موجب اختلاس می‌شود و اگر در امور اجرایی وارد شود، موجب تبعیض می‌شود و اگر در

قانون‌گذاری وارد شود، قانون را به نفع خود می‌نویسد. همهٔ مفاسد در جامعه به این برمی‌گردد که دنبال خودسازی نیستیم. چه حُسن اتفاقی که این اجلاس در ماه رجب، ماه خودسازی، برگزار می‌شود. خودسازی بدون مناجات با خدا محال است. تا یک عشق برتر نباشد انسان نمی‌تواند از عشق‌های فرومایه دست بکشد. بعد از این مقدمه، نمونه‌هایی را از سیره و رفتار حضرت امام عرض می‌کنم که این خط مستقیم را در طول زندگی ایشان نشان می‌دهد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ایشان قانون‌مداری بود. امام معتقد بودند که رعایت قانون وسیله‌ای برای خودسازی است. مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین حججی، از یاران امام و نمایندهٔ مجلس، در خاطراتش می‌نویسد وقتی حضرت امام در پاریس بودند که مصادف با ماه محرم بود، غذایی که برای مهمانان تهیه می‌شد از قبیل سیب‌زمینی و تخم‌مرغ بود و ما تصمیم گرفتیم به مناسبت روز عاشورا گوسفندی ذبح کنیم و آبگوشی برای مهمانان تهیه نماییم. امام ابتدا از این اقدام خوشحال شدند، اما بعد از آنکه فهمیدند گوسفند را در باغ پشت خانهٔ محل سکونتشان ذبح کردیم بسیار ناراحت شدند، زیرا در آن کشور ذبح حیوان در جایی غیر از کشتارگاه غیرقانونی بود. امام بر این مبانی پایبند بود که توانست دل میلیون‌ها انسان را جذب کند. وقتی امام قانون‌کشور بیگانه را رعایت می‌کرد، طبیعی است که قانون خودش را بهتر رعایت کند. رعایت حرمت قانون در منظومهٔ فکری امام یک اصل بود.

تبیین اندیشهٔ امام یعنی اینکه امام را بهتر بشناسیم. در روزگاری که رسانه و وسایل ارتباط جمعی در اختیار امام نبود پیام ایشان چگونه به مردم می‌رسید؟ مرحوم آیت‌الله حاج شیخ یوسف صانعی در خاطراتش می‌گوید شب که اطلاعیهٔ امام نوشته می‌شد من و برادرم تا صبح از روی آن سی تا چهل برگ دست‌نویس می‌کردیم و افراد از جان گذشته‌ای بودند که این نامه‌ها را به شهرستان‌ها و به دست عالمان می‌رساندند و آن‌ها نیز به مریدانشان می‌رساندند. در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ رادیویی بود به نام رادیوی روحانیت مبارز که گوینده و تهیه‌کنندهٔ آن مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین آقای دعایی بود که با رادیو عراق قرار گذاشته بودند روزی نیم‌ساعت برنامه داشته باشند. وقتی با امام در این رابطه مشورت کردند امام

فرمودند اشکالی ندارد، اما با دو شرط: اول اینکه اخبار دروغ نگوئید و دوم اینکه به دشمن دشنام ندهید. رعایت اصول اخلاقی تا این حد مدنظر امام بود.

تبیین اندیشه‌های حضرت امام، برای نسل امروز این است که بتوانیم واقعیت‌هایی را که بر اساس اسلام بوده و امام طبق آن‌ها عمل می‌کردند را زنده نگاه داریم و بیان کنیم. امروز شرایط بسیار پیچیده‌ای در جامعه وجود دارد و فضای مجازی همه جا را پر کرده است و اگر غفلت کنیم، آسیب‌های جدی به جامعه خواهد رسید که البته تا حدی هم رسیده است.

در حوزه فرهنگ عمومی بحث‌های زیادی وجود دارد که من فقط یک اشاره می‌کنم. در اوایل انقلاب برخی به سردر بیمارستان‌ها، کلینیک‌ها، و مدارس که به نام دیگران بود هجوم می‌آوردند و آن را تخریب کرده و به جای آن نام یک شهید را می‌نوشتند. وقتی این خبر به گوش امام رسید بلافاصله دستور دادند جلو این کار گرفته شود. ایشان فرمودند این خدمت به شهید نیست. اگر شخصی کاری انسانی انجام داده، هرچند در ظاهر غیردینی، و جایی را برای مصرف عام‌المنفعه ایجاد کرده تا نامش بماند ما حق نداریم آن را از بین ببریم. معنای مشارکت مردم، همانا احترام به حقوق شهروندان است، هرچند هم‌دین ما نباشند، که این نکته از دیدگاه حضرت امام بسیار مهم بود. برداشتی از اندیشه فقهی ایشان وجود دارد که معتقد هستند کافر می‌تواند وقف کند و وقف آن صحیح است و قصد قربت در صحت حقوقی وقف شرط نیست. ما در جامعه‌ای متنوع و متکثر زندگی می‌کنیم که جز با اندیشه فراگیر امام نمی‌توانیم آن را اداره کنیم. یک جامعه دینی جز این نیست که بتواند همه شهروندان را با انصاف و عدالت هدایت کند. دوستان عزیز در کارگروه‌های فرهنگ و هنر، فضای مجازی، رسانه و مطبوعات، و فرهنگ عمومی مباحث مفیدی را مطرح خواهند کرد. مباحثی که امروز باید به آن توجه شود. اسلام ناب و بدون تحریف به عبارتی اهمیت حقوق مردم در تعیین سرنوشت، تأکید بر اخلاق فردی و اجتماعی و اصلاح آن در جامعه، وحدت و انسجام، و پرهیز از مناقشه‌هاست که امیدواریم نتیجه مطلوبی داشته باشد. والسلام و علیکم ورحمت‌الله و برکاته.

اختتامیه اجلاس

اختتامیه اجلاس در ساعت ۱۴/۳۰ روز چهارشنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۹ در حرم امام خمینی (ره) و همزمان با مراسم تجدید میثاق وزیر محترم و معاونان، رؤسای سازمان‌ها و نهادهای تابعه، مدیران ستادی و استانی وزارت ارشاد با آرمان‌های بنیان‌گذار انقلاب و با حضور آیت‌الله سیدحسن خمینی، آیت‌الله محمدرضا حشمتی، امام‌پژوهان و جمعی از صاحب‌نظران به صورت نیمه‌حضوری برگزار شد. این برنامه در بستر وب امکان حضور مدیران استانی را فراهم ساخت و به صورت زنده از طریق شبکه‌های اجتماعی در دسترس عموم قرار گرفت.





حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی خسروی - دبیر علمی اجلاس

مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ

به دور لاله قدح گیر و بی‌ریا می‌باش

به بوی گل نفسی همدم صبا می‌باش

نگویمت که همه‌ساله می‌پرستی کن

سه ماه می‌خور و نه ماه پارسا می‌باش.

در سه ماه رجب، شعبان و رمضان با مناجات‌های عاشقانه‌ای که با

خدای متعال داریم، امیدوارم از خودپرستی رها شویم. بزرگان گفته‌اند کسانی می‌توانند ماه رمضان را درک کنند که از ماه رجب شروع کنند؛ تا در ماه رمضان رحمت الهی بر آنها نازل شود.

آن‌گونه که حافظ می‌فرماید:

چو پیر سالک عشقت به می حواله کند

بنوش و منتظر رحمت خدا می‌باش

یک‌سال‌ونیم پیش با همت وزیر ارجمند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جناب آقای دکتر سید عباس صالحی و تولیت محترم آستان حضرت آیت‌الله سیدحسین خمینی، یک تفاهم‌نامه همکاری به امضا رسید. از جمله بندهای آن، برگزاری نشست یک‌روزه‌ای بود که در آن با حضور مدیران ارشاد و سازمان‌های تابعه وزارت متبوع در خصوص اندیشه‌های حضرت امام همفکری شود. طی یک‌سال گذشته، مسئولیت این کار برعهده پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات قرار گرفت و در درازای این سال با جلسات متعدد و با به‌کارگیری کارشناسان، برنامه‌ریزی‌هایی انجام شد و مجموعه فعالیت‌های وزارت ارشاد در چهار گروه (رسانه و مطبوعات، فضای مجازی، فرهنگ عمومی و هنر و سینما) تعریف و برای هر گروه مسئولیتی تعیین شد. در بخش اول اجلاس امروز از ساعت ۱۰ تا ۱۲/۳۰، همزمان برنامه کارگروه‌های چهارگانه مزبور با حضور ۱۵۰ نفر برگزار شد.

مسئله اندیشه حضرت امام مسئله‌ای بسیار مهم است. اساس انقلاب اسلامی ایران بر پایه اندیشه فرهنگی ایشان بنا شده است. اندیشه امام چیزی جز تجلی معارف الهی و خودسازی نیست. امام تمام دوران جوانی و میان‌سالی خود را صرف پژوهش و بررسی راه‌های رسیدن به خدا کرد و در نهایت راهی جز خودسازی معرفی نکرده است. نخستین نوشته‌ها و کتاب‌های ایشان در حوزه اخلاق و تربیت است که از ۲۸ سالگی به بعد نوشته‌اند و تا آخر این مسیر را با سیر و سلوک طی کردند. از نظر ایشان، مقصد، رسیدن به خدا و روش آن، خودسازی است و جز این دو، چیز دیگری نیست. کسانی که

می‌خواهند امام را بشناسند، باید به کتاب‌های **چهل حدیث و شرح جنود عقل و جهل** رجوع کنند. ماهیت انقلاب اسلامی، این کتاب‌ها هستند. از نظر امام، هیچ قدرتی جز خدا وجود ندارد و راه رسیدن به او، ترک ظلم و تجاوز به حقوق دیگران، تواضع، گذشت و امید است.

ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران، همان مبانی فکری و اخلاقی امام است و همچنین اصول اساسی‌ای که بر همه‌چیز حاکم است و ما از آن غفلت کرده‌ایم. جمهوری اسلامی درخت بالنده‌ای است که ریشه در اعماق قرآن و حدیث و حقایق علمی و عقلی دارد. اگر از این‌ها غافل شویم، کارهای روبنایی تأثیری نخواهد داشت. نمونه‌های فراوانی می‌توان ذکر کرد، اما باتوجه‌به کمبود وقت، تنها به یک نمونه اشاره می‌کنم. روز ۱۲ بهمن هواپیمای حامل امام در فرودگاه نشست. مرحوم آیت‌الله پسندیده از پله‌های هواپیما بالا رفتند تا برادر را پس از سال‌ها ببینند و با هم پایین بیایند. به‌هنگام حرکت، امام گفته بودند آیت‌الله پسندیده در جلو حرکت کنند و من هم پشت سر ایشان می‌آیم. گفتند نمی‌شود، تمامی دوربین‌ها چشم‌به‌راه و منتظر شما هستند. دنیا منتظر است کسی را که این انقلاب را هدایت کرده است ببیند، بنابراین، باید شما اول از هواپیما بیرون بیایید. امام گفته بودند برادرم بر من حق پدری دارد، پس من پیش از او حرکت ن می‌کنم. اگر ما در جایگاه امام بودیم، می‌گفتیم در انقلاب این حرف‌ها مطرح نیست، این انقلاب می‌خواهد جامعه را نجات دهد و این حرف‌ها تنها سخنانی اخلاقی است. باین‌همه، امام حاضر نشد یک باور اخلاقی، یعنی احترام به بزرگان را فدای انقلاب کند. درنهایت قرار بر این شد که ابتدا آیت‌الله پسندیده از هواپیما خارج شوند و پس از لحظاتی امام تشریف بیاورند.

فرهنگ انقلاب و سبک زندگی ایرانی و اسلامی این‌گونه است. در خانواده‌ای که بزرگ‌تری وجود ندارد، جز گسست و طلاق و انواع آسیب‌ها چیز دیگری وجود ندارد و وای‌به‌حال جامعه‌ای که در آن حرمت بزرگ‌ترها رعایت نشود. انقلاب اسلامی بر مبنای فرهنگ استوار است و فرهنگ چیزی

جز تواضع، احترام، ادب، معرفت، عبودیت، شکیبایی و امید نیست. اگر امام را با این عنوان معرفی کرده‌ایم، یعنی با مجموعه‌ای از فضایل و کمالات انسانی و الهی، چنین امامی حذف‌شدنی نیست، چراکه با جوهرهٔ انسانیت ارتباط دارد؛ حال نامش باشد یا نباشد.

استاد اوستا توصیف زیبایی از امام دارند که سخنم را با این جملات تمام می‌کنم:

«امام این مرد آرمانی، چه خشنود باشی چه ناخشنود، تپش قلب ملتی است که با تکبیر به جدال با خون‌آشام‌ترین غولان دامن‌پروردهٔ قدرت ماشین و سلاح میان بریست و پیروز آمد. امام لبخند معصوم هر کودک است و نگاه نگران هر مادر و بازوان هر پدر است و غریو اراده و ایمان هر ملت. امام شیشهٔ وجدان و ناموس عالمی را در بغل دارد و امام خمینی تو چه دانی کیست. او اشک و آه ایمان و فضیلتی است که از دامان درد و رنج سرگشتگی بشر سربرافراشته است. او قامت بلند کبریایی انصاف و جوانمردی، عشق و امید سیال ابدی است که در عظمت کمال خویش گرم عرصه پیمایی است.»

امیدواریم اندیشه‌های متعالی امام که ریشهٔ انقلاب است و باید فرهنگ جامعهٔ ما را بسازد با ابزار هنر و رمان‌های بلند و کوتاه، کتاب‌ها و نوشته‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های مستند و همانند آن‌ها به جامعه عرضه شود.

گزارش دبیران از فعالیت کارگروه‌ها

۱. گزارش کارگروه هنر و سینما

ارائه‌کننده: مهندس محمدمهدی حیدریان- دبیر کارگروه

پنل هنر و سینما با حضور مدیران کل ستادی و استانی از ساعت ۱۰ تا ۱۲ روز ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۹۹ به صورت مجازی تشکیل شد. در ابتدای جلسه دبیر جلسه، مهندس محمدمهدی حیدریان، مشاور وزیر و دبیر علمی کارگروه هنر و سینما، دیدگاه‌های خود را در خصوص مبانی نظری و دیدگاه‌های حضرت امام خمینی به‌عنوان رهبر هدایت‌کننده انقلاب اسلامی (در هیأت یک فقیه، فیلسوف، عارف و همچنین سیاست‌مدار) درباره سینما بیان کردند. در ادامه، اینجانب نیز به مسائل هنر از دیدگاه رهبر فقید انقلاب پرداختم و در ادامه قادر آشنا باتوجه به مطالعات انجام‌شده درباره مبانی اندیشه‌های حضرت امام سخن گفتند. سپس، باتوجه به لزوم تعامل میان افکار در خصوص مسائل مطرح‌شده، گفت‌وگو در سه محور دستاوردها، آسیب‌ها و چالش‌های مربوط به دیدگاه‌ها و اندیشه‌های ایشان صورت گرفت. حاصل این مباحث در محورهای زیر برای بهره‌برداری بیشتر در ادامه مسیر تبیین‌شده به صورت پیشنهادهای روشن بیان می‌شود.

۱. باتوجه به رویکرد و دیدگاه‌های امام در سه محور یعنی تعریف و تبیین ایشان از مفهوم فرهنگ و هنر و تکلیفی که متوجه نیروی خلاقه و اهل فرهنگ و هنرمندان می‌دانستند و همچنین ویژگی‌هایی که برای آثار هنری قائل بودند، لازم است کارهای مطالعاتی جدی‌تری از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام انجام شود؛

۲. به منظور تلاش برای تولید منابع نظری فارغ از غلبه مسائل سیاسی، پیشنهاد می‌شود در سه سطح عمومی و دانشگاهی و آموزشی با کمک اهل نظر منابعی در خصوص اندیشه‌های حضرت امام در عرصه فرهنگ و هنر تألیف و منتشر شود؛

۳. باتوجه به منبع عظیم خاطرات ایشان در منابع شفاهی، لازم است با

بازنگری و تحلیل رفتارهای ایشان، ابعاد خلق اثر هنری به‌عنوان یک راهبرد جدی و تأثیرگذار تبیین و منتشر شود؛

۴. لازم است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تحلیل عملکرد چهل‌ساله عرصه فرهنگ و در راستای ایجاد تعادل و پیشگیری از تسلط بُعد اقتصادی بر بُعد محتوایی به خلق و تولید آثار هنری‌ای که واجد مفاهیم معناگرایانه و هنرمندانه و در عین حال جذاب برای توجه عموم جامعه که مطلوب حضرت امام بود، توجه ویژه کند و آن را سرلوحه فعالیت‌های فرهنگی و هنری قرار دهد؛

۵. هنر سرمایه‌های گران‌بها و ثمین برای کشور است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود آن‌دسته از آثار هنری کشور که در دیگر کشورها مورد توجه و توفیق قرار گرفته‌اند و آثاری که اندیشه‌های حضرت امام در آن‌ها متبلور است، برای گسترش هویت فرهنگی و هنری در قالب‌های گوناگون تهیه و منتشر شود؛

۶. در پایان، کارگروه بر لزوم پیش‌بینی جایزه‌ای ملی برای توجه به آثار سینمایی و هنری‌ای که متأثر از دیدگاه‌ها و اندیشه‌های حضرت امام باشند، به‌صورت هر چهار سال یک‌بار که در سال سوم هر دولت برگزار می‌شود، تأکید کردند.

۲. گزارش کارگروه فضای مجازی

ارائه‌کننده: دکتر محمدرضا بهمنی - رئیس مرکز توسعه فرهنگ و هنر در فضای مجازی و دبیر کارگروه

گزارش کارگروه فضای مجازی در محورهای زیر ارائه می‌شود:

۱. در مقام تبیین اندیشه‌های حضرت امام یا به تعبیری امام‌شناسی می‌توان دو راهبرد کلان داشت: نخست، زمانی است که در مقام شناخت و تبیین هستیم؛ و دوم، زمانی است که در مقام کاربست اندیشه‌ها در میدان عمل. مسلماً شناخت و تبیین اندیشه‌ها مقدمه کاربست است، اما امام‌شناسی نباید به تبیین اندیشه‌ها محدود شود؛

۲. در مقام کاربست اندیشه‌های امام الزاماتی وجود دارد که باید آن‌ها را در مراحل تبیین و کاربست مدنظر قرار داد. برخی از این الزامات عبارت‌اند از:

الف) الزامات حقوقی و تقنینی؛

ب) الزامات ساختاری - فرایندی؛

ج) الزامات مدیریتی - برنامه‌ای.

تحولات فضای مجازی همانا تعریف و کارکرد و ابعاد این الزامات را دچار تغییرات و دگرگونی‌های جدی کرده است. برخی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها که با توجه به تحولات فضای مجازی باید در امام‌شناسی به معنای تبیین و کاربست مدنظر قرار داد، عبارت‌اند از:

۱. افزایش شفافیت

تحولات و دگرگونی‌های فضای مجازی امکان مطالبه و نظارت را آسان کرده است. دسترسی آزاد به اطلاعات چه لایه‌های عملکردی و چه پاسخ‌گویی در لایه‌های گوناگون حاکمیتی را افزایش داده و زمینه‌ساز شکل‌گیری اتاق‌ها و مدیریت‌های شیشه‌ای در سازمان‌ها و لایه‌های گوناگون حاکمیتی شده است.

۲. شبکه‌ای‌شدن مناسبات

تحولات فضای مجازی ساختارهای سلسله‌مراتبی را کم‌کم به ساختار شبکه‌ای تبدیل می‌کند که این مهم را نیز باید در تبیین و کاربست اندیشه‌های امام مدنظر قرار داد. قدرت‌یافتن شبکه‌ها در برابر ساختارهای حکومتی و فراهم‌شدن امکان نقد و نظارت از ویژگی‌هایی است که می‌توان در ذیل مؤلفه شبکه‌ای‌شدن به آن اشاره کرد.

۳. تبدیل شدن مخاطب به کاربر

تحولات و دگرگونی‌های فضای مجازی سبب شده که امروزه مردم از جایگاه مخاطب صرف به جایگاه کاربر ارتقا داده شوند.

این، مقدمه‌ای بود برای ورود به تبیین اندیشه‌ای که مدنظر این کارگروه بود. اما آنچه در این کارگروه به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین اندیشه‌های حضرت امام در دستور کار قرار گرفت و درباره آن گفت‌وگو شد، ضرورت بازخوانی اندیشه حضرت در موضوع نقش مردم در سلامت حاکمیت بود. این موضوع مفهومی مرکزی داشت و آن مفهوم حکومت بر قلوب به‌جای حکومت بر

ابدان است که رویکرد صریح امام در نشست‌ها، گفت‌وگوها و دیدارهای گوناگون‌شان است. بر مبنای این اندیشه، نظریهٔ خادم و مخدوم قابل بررسی است. برای این هدف می‌توان چند محور را برشمرد. به عبارت دیگر، ارکان کلیدی نقش مردم در سلامت حاکمیت از منظر امام که در ادامه رابطهٔ این موضوع را با فضای مجازی بیان می‌کنم، عبارت‌اند از:

۱. مشارکت مردم در شکل‌گیری و ادارهٔ حکومت

مشارکت‌کنندگی و مشارکت‌شوندگی مقولاتی است که می‌توان آن‌ها را از هم جدا و تفکیک کرد و هریک را به‌شکلی جداگانه مورد توجه قرار داد. حضرت امام موضوع مشارکت را به گونه‌ای و با درجه‌ای از اهمیت بیان کرده‌اند که کم‌توجهی مردم به مشارکت در شکل‌گیری و اداره و بی‌اعتنایی به حکومت را در سطح گناه کبیره دانسته‌اند. تعابیر و نکاتی که امام در بحث گسترده و قلمرو مشارکت دارند، شامل تمام امور و مؤلفه‌هایی است که گستره و فراگیری مشارکت از منظر امام را نشان می‌دهد.

۲. نظارت همگانی

مفهوم پایه‌ای در اینجا مفهوم امر به معروف و نهی از منکر از منظر امام و قلمرو نظارت در لایه‌ها و سطوح خانواده، سازمان، جامعه و حکومت است. در این زمینه نیز مؤلفه‌هایی مانند ضرورت نظارت از مسیر همراهی یا حمایت و نبود آن و ارجاع به دستگاه‌های قضایی مطرح است.

۳. مطالبه‌گری از کارگزاران

نکتهٔ جالبی که در این بخش وجود دارد، خدمتگزاری حاکمیت و کارگزاران به‌عنوان یک مؤلفهٔ اساسی است. در کنار آن، ضرورت تعامل محبت‌آمیز و قصد اصلاح‌گری در جامعه از مقولاتی است که در موضوع مطالبه‌گری مدنظر قرار گرفته و در اندیشه‌های امام هم وجود داشته است. از نظر ضرورت مشارکت و نقش‌آفرینی مردم در سلامت حکومت، می‌توان براساس تلاقی میان ابعاد گوناگون ظرفیت فضای مجازی برای تحقق اندیشه‌های حضرت امام با ابعاد و ارکان سه‌گانه‌ای که در مورد آن‌ها صحبت کردیم به مؤلفه‌هایی دست پیدا

کرد که به‌ویژه در خصوص رویکردها در عرصه فرهنگ شایان توجه هستند. به‌عبارت‌دیگر، محور پنجم این گزارش با نام کاربست ظرفیت‌های فضای مجازی برای ارتقای نقش مردم در عرصه فرهنگ قابل‌ذکر و بررسی بود. در این زمینه گفت‌وگوهایی انجام شد که آن‌ها را در هفت محور بیان می‌کنم:

۱. ضرورت ساختارسازی برای تمهید حضور و مشارکت مردم در عرصه فرهنگ؛
 ۲. ضرورت کاربست ظرفیت‌های پلتفرمی فضای مجازی برای جلب مشارکت، نظارت و مطالبه‌گری فرهنگی مردم؛
 ۳. ضرورت ارتقای شفافیت در عرصه فرهنگ برای تقویت نقش‌آفرینی مردم و اهالی فرهنگ و هنر و رسانه؛
 ۴. ضرورت در دسترس بودن مدیران و کارگزاران فرهنگی؛
 ۵. ضرورت تمهید جمع‌سپاری مبتنی بر ظرفیت‌های فضای مجازی در عرصه‌هایی از جمله ممیزی، رده‌بندی و دیگر مؤلفه‌های قابل‌بیان در حوزه فرهنگ؛
 ۶. ضرورت بازگشایی و رفع انحصار در مناسبات فرهنگی بین‌المللی؛
 ۷. ضرورت مشارکت‌جویی در تولید، نشر و مصرف فرهنگی مبتنی بر دگرگونی‌ها و تحولات فضای مجازی.
- همان‌گونه که دوستان ملاحظه کردند، در این کارگروه تمرکز بر چگونگی کاربست اندیشه‌ها و ظرفیت‌های فضای مجازی در این زمینه بود.

۳. گزارش کارگروه شورای عمومی

ارائه‌کننده: دکتر سیدمحمد رضا موالی‌زاده. دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور و دبیر کارگروه چکیده‌مباحثی که امروز در کارگروه فرهنگ عمومی در خصوص اندیشه حضرت امام ارائه شد، به‌شرح زیر است:

۱. امام از هندسه فکری منسجم و دقیقی برخوردار بود. ما باید به تمام ساحتهای فکری و شخصیتی و رفتاری ایشان به‌شکل جامع توجه داشته باشیم؛
۲. امام به‌راستی به این امر باور داشت که فرهنگ امری راهبردی است و پیشران رشد و توسعه و تعالی یک جامعه است؛

۳. امام برای نقش مردم در حوزه فرهنگ تأثیری به‌سزا قائل بود. همه ما می‌دانیم که حوزه فرهنگ عمومی حوزه باورهاست و نه بایدها. مادامی می‌توانیم در ارتقا و بالندگی فرهنگ عمومی موفق باشیم که بایدها را به باورها تبدیل کنیم؛

۴. نقطه ثقل شخصیت امام، در درون ایشان بود:

«ساعتی میزان آنی و ساعتی موزون این/ بعد از این میزان خود شو تا شوی موزون خویش»

امام میزان خود بود و موزون خود شد و این ویژگی تا حدود زیادی تراز خودباوری را در جامعه ما ارتقا داد؛

۵. امام بر نقش گروه‌های مرجع در جامعه و انسجام میان آن‌ها برای راهبری فرهنگ عمومی تأکید فراوان داشته‌اند؛

۶. امام به مسئله تربیت دینی و توجه به اسلام ناب محمدی بدون تحریف و نگاه‌های افراطی و تفریطی، در کنار علم‌آموزی برای ارتقای علمی و معنوی و تربیتی جامعه اهمیت ویژه‌ای قائل بودند؛

۷. امام به نقش محوری مساجد، تأثیر تعیین‌کننده خانواده، تربیت در سنین‌گوناگون از دوران نونهالی و کودکی تا دانشگاه، انس با قرآن و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت، فرهنگ مطالعه، فرهنگ ایثار و شهادت، حقوق شهروندی، نقش بانوان و جوانان و اقشار گوناگون جامعه و دهها مؤلفه ارزشمند دیگر توجه فراوان داشتند. امام تالی تلو معصومین بود و فارغ از حوزه نظر که برای بحث به مجال گسترده‌ای نیاز دارد با رفتار خود آموزه‌های فراوانی را به جامعه ما در حوزه فرهنگ عمومی منتقل کرد. ایمان، وارستگی، زهد، تقوا، خلوص و شفافیت او، نقش مؤثری در به‌وجود آمدن چنین روحیه‌ای در جامعه ما داشت. شجاعت بی‌مانند او که نه بر اساس تهور و احساس و هیجان، بلکه بر پایه علم، خرد، حکمت و درایت استوار بود، تأثیر فراوان خود را در شکل‌گیری و قوام‌بخشی عنصر شجاعت در میان مردم ایران نشان داد، به گونه‌ای که رشادت درس‌آموختگان مکتب او - چه در دوران شکل‌گیری و اوج‌گیری و پیروزی انقلاب و چه پس از آن در دوران دفاع مقدس - چشم دنیا را خیره کرد؛

۸. مردم‌داری؛ امام پیوسته تأکید می‌کرد که مردم ولی نعمت ما هستند. امام

به حکومت نه به‌عنوان یک هدف، بلکه به‌عنوان وسیله و ابزار برای تحقق آرمان‌های الهی و خدمت به انقلاب و مردم می‌نگریست. ایشان از تملق و چاپلوسی بیزار بودند؛ نه چاپلوسی کسی را می‌کرد و نه تمجید غیرمتعارف و حتی متعارف از خود را برمی‌تافت. امام به‌صراحت می‌گفت من خدمتگزار همه ملت هستم. ما همه در خدمت ملت هستیم. امام مرد خانواده بود. سبک مدیریت او در خانواده، تراز یک کانون خانوادگی متعالی را به‌نمایش گذاشت و این موضوع سبب شد خانواده ایرانی به‌ویژه در آن سال‌ها از قوام خاصی برخوردار شود. امام به فرهنگ عذرخواهی پایبند بود و به‌آسانی از مردم پوزش می‌خواست. ای کاش این ویژگی در جامعه ما شکل می‌گرفت تا به‌هنگام ضرورت از همدیگر پوزش می‌خواستیم و متقابلاً عذرپذیر می‌شدیم. در یک جمع‌بندی نهایی به این نتیجه می‌رسیم که امام شاخص‌هایی را به‌گونه‌ای کاملاً شفاف هم در مقام نظر و هم در مقام عمل ترسیم کرد و در برابر دیدگان ما قرار داد. ما به هر میزان که بر آن سیره رفته‌ایم، موفق بوده‌ایم و در آن بخش‌ها فرهنگ عمومی ما رشد کرده است و هر اندازه از آن مؤلفه‌ها فاصله گرفته‌ایم، تبعات منفی آن را در روابط گوناگون، چه روابط عمودی میان مسئولان و مردم و چه روابط افقی در حوزه‌های اجتماعی و مردمی، ملاحظه کرده‌ایم. بنابراین، باتوجه به مشکلاتی که پدید آمده است، باید گفت امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازگشت به اندیشه‌ها و سیره عملی امام هستیم. دید امام حل‌مسائلی بود و رفع مشکلات را غیرممکن نمی‌دانست. امام به محرومان توجه خاصی داشت. ایشان جلوه ممتازی از ساده‌زیستی امیرالمؤمنین و توجه آن حضرت به گسترش عدالت در جامعه بود. امام به مرفهین بی‌درد اعتماد نداشت و یک موی کوخ‌نشینان را به همه کاخ‌نشینان نمی‌داد. در این دوران که بسیاری از مردم زیر بار مشکلات معیشتی سرخم کرده و زیر فشارند، باید به همان دیدگاه‌ها و سنت و سیره بازگردیم و اعتقاد به امام و خلف صالح ایشان، یعنی رهبر حکیم و فرزانه انقلاب را در عمل نشان دهیم. امام معدنی غنی از علم، عمل، معرفت، حکمت، معنویت، مدیریت، سیاست، درایت و فرهنگ و فرهیختگی است که همچنان برای سال‌ها و دهه‌ها و سده‌ها به او و راه روشنش نیازمندیم.

۴. گزارش کارگروه رسانه و مطبوعات

ارائه‌کننده: محمد خدادی - معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی و دبیر کارگروه

بیش از یک‌سال است در بحث رسانه و نهضت امام خمینی جلساتی برگزار کرده‌ایم و هر سال هم در سالگرد ارتحال ایشان نشست‌ها و میزگردهایی برگزار شده و صحنه رسانه و مطبوعات، محل تولید و نشر اطلاعات و بازخوانی اندیشه‌های امام است. به این مناسبت، در ابتدا پژوهشی در مورد دیدگاه‌های حضرت امام انجام شد و از آنچه که امام فرموده بودند، نسخه‌ای برای رسانه‌ها تهیه کردیم که کارکردی کاملاً حرفه‌ای داشت. به این معنا که در کنار بحث اندیشه‌ای، کارکرد کاملاً حرفه‌ای داشت و به دو بخش تقسیم می‌شد: امام و رسانه؛ پیش از انقلاب و پس از انقلاب.

در این کارگروه به این مطلب پرداخته شد که امام پیش از انقلاب خود یک ابررسانه بود و توانایی و قدرت استفاده از ظرفیت رسانه را داشت. ایشان با رسانه ارتباط برقرار کرده و با آن نوعی شبکه و خوانش واحد از موضوعات به‌وجود آورد. از دیگر ویژگی‌های امام، مخاطب‌شناسی و واژه‌سازی دقیق بود. همین مسئله سبب شد از ظرفیت رسانه کوچکی به‌نام نوار کاست استفاده کرده و با تولید و نشر حداکثری پیام و رساندن آن، انقلابی بزرگ را پدید آورد. هنگامی که امام در پاریس بودند، در هر روز نزدیک به هفت گفت‌وگو و مصاحبه مطبوعاتی داشتند.

امام، رسانه را دانشگاه می‌دانست و از آن انتظارات گوناگون و فراوانی مانند کارکرد آموزشی، ترویج اسلام و انقلاب و اطلاع‌رسانی مبتنی بر واقعیت داشت. امام می‌خواست رسانه‌ها محتوای غنی داشته باشند و حرکت آن را به‌سوی تعالی معنا می‌کرد. حضرت امام کلیدواژه بسیار جالبی دارد و آن این است که انتقاد نباید براساس انتقام باشد. ایشان بارها و بارها بر مرز میان انتقاد و تخریب تأکید می‌کنند. جالب اینجاست امروز که در فضای رسانه‌ای کشور قرار داریم و در حال آماده‌شدن برای انتخابات ریاست جمهوری هستیم، تک‌تک این کلیدواژگان همان واژگانی هستند که به‌عنوان آسیب کارکرد رسانه‌ای با آن‌ها مواجهیم. یکی دیگر از تأکیدات ایشان مربوط به مرزبندی آزادی در رسانه است.

امام، مدل غربی را به کلی نفی می‌کرد و می‌گفت معیار آزادی‌ای که ما از آن سخن می‌گوییم با آزادی غربی که بر پایه بی‌بندوباری است و نتیجه آن به تقویت قدرت مستکبران می‌انجامد، متفاوت است. انتظار امام از رسانه، ایستادگی در برابر انحراف است. از دید امام، رسانه باید به کمک دولت بیاید و ارکان نظام را تقویت کند. یعنی در عین حال که سبب تضارب آرا می‌شود، بستر هم‌افزایی نظام نیز باشد. یکی دیگر از مسئولیت‌هایی که ایشان همواره از رسانه انتظار داشتند، نگهداری و صیانت از اسلام و نهضت بود. امام ادبیات خاصی در مورد هر خبرگزاری و رسانه داشت و در مورد صداوسیما و تأثیر مستقیم آن بر تمام اقشار جامعه سخن گفته است.

این، جمع‌بندی بحث امروز بود که مدیران مسئول روزنامه‌های شرق، مردم‌سالاری، سایت الف و مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی، سخنرانان اصلی آن بودند. گزارش پژوهشی‌ای که تمام این اطلاعات را دسته‌بندی کرده و من آن را تقدیم خواهم کرد، به چند آسیب می‌پردازد:

۱. مخاطب‌شناسی: ما امروز باید اندیشه‌های امام را برای نسلی بازخوانی کنیم که امام را ندیده‌اند و تنها از او شنیده‌اند. این تولید محتوا به فرآورده و مصداق‌سازی نیاز دارد؛

۲. تحریف، القاء، شبهه و ابهامی که در خصوص سخنان حضرت امام در مناسبت‌های گوناگون به وجود می‌آید، به شبهه‌شناسی نیاز دارد و بایستی به تمام آن‌ها پاسخ داده شود. باید بتوانیم در بستر رسانه به این جریان‌ات القایی پاسخ دهیم. امروز ظرفیت رسانه‌های بیگانه حداکثری است و مدام در تلاش‌اند تا در هر مناسبت و با هر دلیلی، تشکیکی در شخصیت و سخنان امام به وجود آورند. پس بازخوانی اندیشه‌های امام نیازمند تولید مستمر، پرتکرار و پرحجم همراه با ادبیات‌های گوناگون و متناسب با مخاطبان مختلفی است که امروز در جامعه دارد. امروز در جریان رسانه دیگران به سراغ ما نمی‌آیند، بلکه این ما هستیم که باید وارد تلفن همراه آن‌ها شویم و کنار آن‌ها قرار بگیریم. از آقایان سید حسن خمینی و صالحی سپاسگزارم که چنین

فرصتی را آفریدند. ما برای تقویت این کار در لایه‌های نشر و تبیین و پاسخ، آمادگی لازم را داریم تا این هم‌افزایی انجام شود. امروز مهم‌ترین رویداد موضوعی که پیش‌رو داریم، انتخابات ریاست‌جمهوری است. با سپاس از شما. امیدوارم که ره‌رو راه امام و همه شهدا باشیم.

دکتر اسدزاده (مجری): در راستای این اجلاس و با کمک همکاران علمی این برنامه، چهار کتابچه با عنوان «فرهنگ عمومی در اندیشه حضرت امام خمینی» زیر نظر سید محمدرضا موالی‌زاده و به نگارش آقای مهدی عابدینی، «مروری بر دیدگاه‌های امام خمینی درباره سینما» زیر نظر آقای محمدمهدی حیدریان و به نگارش آقای محمود اربابی، «منظومه فکری امام خمینی (ره) در حوزه رسانه و مطبوعات» زیر نظر آقای محمد خدادادی و به نگارش آقای مهدی شهبازی، و «نقش مردم در سلامت حکومت از منظر امام خمینی و ظرفیت فضای مجازی برای تحقق آن» زیر نظر آقای محمدرضا بهمنی و با نگارش دکتر عطیه کشتکاران تهیه شده است.



دکتر عباس صالحی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی): بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین. خدمت همهٔ حضار گرامی به‌ویژه یادگار حضرت امام عرض سلام و ادب و احترام دارم. یاد امام راحل قدس الله نفسه الزکیه و شهدای انقلاب به‌ویژه شهدای تبریز که امروز مصادف با سالگرد شهادت آن‌هاست و شهدای دفاع مقدس و مدافع حرم و تمامی شهدای راه حق را گرامی می‌داریم. ما در دههٔ فجر و به‌شکل یک سنت سالانه این توفیق را داشتیم که در این فضا حضور پیدا می‌کردیم و از این طریق همراه با همکاران‌مان در وزارت فرهنگ و اصحاب فرهنگ و هنر با حضرت امام تجدید بیعت می‌کردیم. امسال به‌نظر رسید بُعد شعائری که همواره دارای اهمیت بوده و هست و نباید از نظر دور بماند، می‌تواند با بُعدی معرفتی و راهبردی برای حوزهٔ فرهنگ و هنر همراه شود. اینک فرصتی پیش آمده که ما به‌مناسبت دههٔ فجر به بازاندیشی در اندیشه‌های حضرت امام در حوزه‌های فرهنگ و هنر و رسانه، در کنار دیگر مسئولیت‌های خود پردازیم. شاید این سبک بد نباشد و بتوان آن را در دیگر مجموعه‌های کشور هم پی گرفت تا در دههٔ فجر و در کنار یک ارتباط نمادین با حضرت امام به‌عنوان بنیان‌گذار کبیر و بزرگ این انقلاب عظیم، فرصتی برای بازاندیشی و نواندیشی در نظام حکمرانی بر مبنای اندیشه‌های این معمار بزرگ انقلاب اسلامی فراهم شود. این نقطهٔ آغاز امسال در وزارت فرهنگ رخ داده است و امیدواریم چنین فضایی در سال‌های آینده هم تکرار شود.

نظر به این که این اجلاس کاملاً علمی است، قصد دارم به نگاه حضرت امام در حوزهٔ هنر اشاره‌ای داشته باشم که یکی از موضوعات این اجلاس است. امام شخصیتی چندبعدی بود و ترکیب این چند بُعد تأثیرات خود را بر نوع نگاهشان در این مقوله گذاشته بود. ایشان در عین حال که شخصیتی حکیم و عارف داشتند، فقهی مرجع و مجتهد و رهبری سیاسی و اجتماعی و بنیان‌گذار یک انقلاب عظیم تاریخی بودند. ترکیب این سه بعد وجودی را می‌توانیم در نوع نگاه ایشان دنبال کنیم. من به‌اختصار برداشت خود را خدمت همکاران عزیزم

که در این محفل حضور دارند و دیگر همکارانی که ما را از طریق فضای مجازی دنبال می‌کنند، بیان می‌کنم. امام به‌عنوان یک حکیم و عارف این تعبیر را از حوزه هنر دارند: «هنر انقلابی و اسلامی و دینی آن هنری است که مرکزش جمال حق است.» این جمله‌بندی امام مبتنی بر این نکته است که هنر، فهم و آفرینش زیبایی است. تفسیر امام از هنر اسلامی و انقلابی هنری است که مرکز آن جمال حق است. این بیان امام در منظومه ایشان دارای سه گزاره است:

نخست این که خداوند زیبایی مطلق است. نخستین کتابی که امام در سن ۲۷ سالگی تألیف می‌کنند، شرح دعای سحر است. آغاز دعای سحر این‌گونه است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاءِ وَكُلِّ بَهَائِكَ بِهَيْئِ». نگاه امام در تعریف بها این است که جمال ظاهر است؛ یک زیبایی تابان و آشکار. تفاوت آن با جمال در همین است که مفهوم زیبایی اعم است اما بها زیبایی تابنده و جمال ظاهر است. ایشان این نکته را نیز مطرح می‌کنند که بها هم اسم ذات است، یعنی خدا زیباست و هم این که اسم صفت است؛ یعنی صفات خداوند زیباست و هم اسم فعال است؛ یعنی کارهای خدا زیباست و این زیبایی مطلق است. این گزاره نخست است که امام مبتنی بر سنت عرفانی بر این باورند که خداوند زیبای مطلق است و این زیبایی یک نوع زیبایی تابان و تابنده در عرصه‌های ذات و صفات و افعال است.

گزاره دوم امام از منظر حکمی و عرفانی این است که هستی زیباست. ما نمی‌توانیم هستی را به هستی زیبا و نازیبا بخش‌بندی کنیم. هستی زیباست. امام در چهل حدیث این تعبیر را دارند که همه ذرات کائنات آیات و مرآت تجلیات آن جمال جمیل عزوجل هستند. این تعبیر جمال جمیل هم یکی از توصیف‌های بسیار زیبای امام از حضرت حق است. گزاره سومی که امام در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی خود به آن اشاره می‌کنند، این است که هر اندازه هستی ناب‌تر و خالص‌تر باشد زیباتر است. در سیری که در مسیر هستی داریم، هر اندازه که یک وجود و موجود عاری از نقص و خالص‌تر باشد، زیباتر است. این سه گزاره دال بر این است که خداوند زیبایی مطلق

است و هستی همه‌چیزش زیباست. آن‌چنان‌که سهراب سپهری می‌گوید: «گل شبدر چه کم از لاله قرمز دارد». هیچ بخشی از هستی نیست که بتوانیم آن را جدا و دور از زیبایی بدانیم. این اصول نگرش حکمی و عرفانی امام در معنای زیبایی است که جوهر و گوهر هنر به بحث زیبایی مرتبط است.

همان‌گونه‌که گفتم، نخست فهم و سپس آفرینش زیبایی و برای هنرمند این دور تسلسل ادامه دارد. بنابراین از جوهره حکمی و عرفانی امام این برمی‌آید که هنر اسلامی و دینی آن هنری است که مرکزش جمال حق است، اما جمالی که وارد کثرات می‌شود و ذرات کائنات را می‌گیرد. بُعد دوم وجودی امام، فقهی است. امام یک مجتهد برجسته و فقیه بی‌مانند در مبانی و روش‌های تأسیسی و تکمیلی و تطبیقی است. روش‌شناسی فقه‌ای امام در حوزه هنر گره‌گشایی فراوانی دارد که همچنان ناتمام مانده است. البته در دیگر حوزه‌های زندگی اجتماعی هم به همین شکل است.

در این بخش به پنج نکته در روش‌شناسی امام اشاره می‌کنم که برای ما در حوزه هنر بسیار کارگشا بوده است، هرچند هنوز بهره‌کافی از آن نبرده‌ایم. نکته نخست این است که بسیاری از عناوین یا دست‌کم شمارشایان‌توجهی از عناوینی که در آیات و روایات و احکام فقهی دارند، ذاتی نیستند؛ یعنی در ظاهر می‌بینیم این حکم با این عنوان تطبیق پیدا کرده است، اما این عنوان مشمول یک عنوان عام‌تر یا ملازم با عنوانی مقارن است. همه دوستانی که در این جمع هستند، مثال شطرنج را می‌دانند. امام با همین نگاه حکم دادند که شطرنج از این جهت که شطرنج است، حرام نیست، اما از آن جهت که قمار است حرام است و اگر از این عنوان تخلیه شد، حکمش را از دست می‌دهد. امام با همین نگاه در حوزه‌های گوناگونی راه‌گشایی کرده است. امام بر این باور بودند که حفظ کتاب ضلال در حوزه فرهنگ عنوان ذاتی نیست و به این دلیل که فسادآفرین است، نباید آن را نگه داشت و این کار حرام است. در بحث مجسمه‌سازی با این که امام در مرحله فتوا احتیاط دارند، اما در کتاب استدلالی خود به این نکته اشاره می‌کنند و آن را بازنمایی می‌کنند که مجسمه و مجسمه‌سازی در جامعه‌ای

که نزدیک به دوره بت‌پرستی بوده است، دارای این حکم است. تعبیر امام در کتاب مکاسب محرمه و ترجمه آن این است که ظاهر اخبار نهی از مجسمه‌سازی به مناسبت حکم موضوع تمثال بت‌ها که مورد عبادت قرار می‌گیرند، است و البته ادامه دارد. پس نکته نخست این است که ما در عناوینی که به عنوان عناوین هنری مطرح می‌شود، باید بدانیم چه اندازه از آن‌ها ذاتی‌اند.

نکته دوم نقش قصد و اراده است و این که این عناوین تا چه اندازه با اراده نسبت دارند. این که شما برای چه منظوری این کار را انجام می‌دهید؛ یعنی علت غایی مهم است. گاهی در عناوین به عنصر اراده توجه نمی‌شود. این که یک عنوان با یک اراده حکمش با عنوان با اراده دیگر متفاوت است. امام همین نگاه را در بحث تشبه که در تئاتر و تعزیه وجود دارد و مطرح است بیان می‌کنند و می‌گویند تشبه بدون قصد و در ذات حکم ندارد، مانند تشبه زن به مرد یا وارونه آن یا تشبه به کفار و مانند آن. بنابراین کلید دوم امام این است که نخست باید دید عنوان، ذاتی است یا خیر و سپس باید دید عنوان با چه اراده و قصدی مورد نظر است. نکته سوم این که امام جایگاه عرف را در نظر داشت. امام مانند برخی از فقها که در حوزه مکتب قم در دوره اخیر پرورش پیدا کرده‌اند، بر این باور بودند که نقش عرف تنها فهم معنا نیست بلکه در حوزه تطبیق هم باید برای عرف جایگاهی در نظر گرفت. همین موضوع به‌ویژه در مورد هنر، داستان پردامنه‌ای دارد. برای نمونه، هنگامی که در بحث موسیقی گاهی به عرف نگاه می‌کنیم، عرف می‌تواند معنادار باشد. سلايق فردی و شخصی خط‌کش نیست، بلکه عرفی وجود دارد که تعیین‌کننده این معنا و مصداق است. ملاک، فرد و تشخیص او در مقام ممیزی نیست، بلکه ملاک و معیار عرف تطبیق‌کننده است.

کلید چهارم حضرت امام، مصلحت است. امام به‌خوبی این درک و نگاه را داشتند که هر دو مرحله نظم اجتماعی و در افق بالاتر نظام اسلامی مصلحت‌هایی را ایجاب می‌کنند که عناوین و احکام را متغیر می‌کنند. امام یک فقیه اجتماع‌گرا بود و این با فقاہت فردگرایانه بسیار متفاوت است.

امام تنها یک فقیه با نگاه حکومت اسلامی و دینی نبود، بلکه در کنار آن یک فقیه اجتماع‌گرا بود. ایشان کاملاً نظم و نظام اجتماعی را می‌فهمید و درک می‌کرد و فقه را در این قالب قرار می‌داد. نمونه‌هایی را که امام در حوزه زندگی اجتماعی، به‌ویژه در سال‌های پایانی عمرشان، مطرح کردند به‌یاد داریم. فرض کنید خانه‌ی کسی در فضای تعریض یک خیابان است و او به هر دلیلی رضایت نمی‌دهد. مالکیت ملک برقرار است، اما ترافیک یک شهر را نمی‌توان فدای مالکیت و ملکیت کرد. نظم اجتماعی اقتضا می‌کند حکومت و جامعه حق داشته باشد که این ملک را حتی بدون رضایت از شخص بگیرد، اما مالکیت وجود دارد. عنصر مصلحت تنها مختص حوزه ترافیک نیست، بلکه بسیاری از موارد دیگر هم این عنصر را دارند.

عنصر پنجم، زمان و مکان است. امام با این کلید نگاه تازه‌ای را به فضای فقهت اجتماعی وارد کردند. این که موضوع‌ها تبدیل ماهوی پیدا می‌کنند، همان‌گونه که الکل به‌هنگام تبخیر حکم دیگری پیدا می‌کند، درخصوص بسیاری از موضوعات زمانه نیز صدق می‌کند و می‌بینیم که این موضوع‌ها در یک نظام ارتباطی، قالب‌ها و مصداق‌های تازه‌ای پیدا کرده‌اند، به‌نحوی که امروز نمی‌توان آن‌ها را با پدیده‌های پیشین شناخت و توصیف کرد و برای آن‌ها حکم صادر کرد. نمونه‌ای در پاسخ به آقای قدیری وجود دارد: زمانی بود که کسی ملکی داشت و قرار بود در آن معدنی کشف شود که دست کم در ژرفای ده‌ها متری بود، اما اکنون که با ابزارهای اکتشاف می‌توان به اعماق صدها کیلومتری نفوذ کرد، آیا باز هم می‌توان گفت ملکیت تا اعماق زمین وجود دارد و این معدن هم به مالک آن تعلق دارد؟ این همان تبدیل موضوع‌ها به اعتبار شرایط زمان و مکان است. جریان نظری هنر باید بیش از گذشته از کلیدهایی که امام در حوزه اجتهادی در اختیار ما قرار داده است، استفاده کند. آخرین نکته بُعد رهبری اجتماعی و سیاسی و رهبری یک انقلاب بزرگ است. به‌نظر می‌رسد امام در این بخش چارچوب‌هایی را برای یک هنر متعالی مشخص کرده است. من به چند مورد اشاره می‌کنم: نکته اول این که هنر

باید تفکرزا و غفلت‌زدا باشد. عنصر اندیشه مهم است و تمام این‌ها با مبانی نظری حکمی و عرفانی امام مرتبط‌اند. امام در سال ۱۳۶۳ به هنرمندان پیامی دادند و گفتند به هر وسیله که می‌توانید غفلت‌زدایی کنید. هنر اسباب غفلت و تغافل نیست؛ هنر اسباب فکرت و تفکر است. چیزهایی را که نمی‌توان به‌سادگی دید، باید با هنر دید.

نکته دوم این است که دیدگاهی که امام از منظر سیاسی و اجتماعی با نگاه به شرایط و زمان و آسیب‌های حوزه فرهنگ و هنر عرضه می‌کنند، مبتنی بر اخلاقی بودن است. امام در مورد سینما این تعبیر را دارند و می‌گویند سینما باید سینمای آموزنده و اخلاقی باشد. اخلاقی بودن عنصر دیگری است که برای هنر اهمیت دارد. مرز انسان و حیوان، ناطق بودن نیست، بلکه اخلاقی بودن و اخلاقی نبودن است. هنر انسانی و اسلامی هنر اخلاقی است. این همان چیزی است که می‌تواند ارزش‌های اخلاقی را که همان حقیقت‌های ناب هستند، نمود دهد. همان‌گونه که گفتم، به‌باور امام هر اندازه حقیقت ناب‌تر باشد، متعالی‌تر و زیباتر و جمیل‌تر است. از آنجاکه ارزش‌های اخلاقی با مقوله زمان فاصله دارند و به ابدیت نزدیک‌ترند، جزو حقایق ناب‌اند و زیباترین زیبایی‌های هستی‌اند.

نکته سومی که امام از این منظر بیان می‌کنند، در خدمت مردم بودن است. هنر متعالی هنری است که در خدمت مردم باشد. امام در جای دیگری می‌گویند: سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم باشد. نکته چهارمی که امام از آن سخن می‌گویند، این است که هنر باید تقویت‌کننده روح عزت باشد.

بار دیگر از همکاران عزیزمان در پژوهشگاه و وزارت فرهنگ سپاسگزاری می‌کنم. ما در رفت‌وآمدیم، اما امیدوارم این کار به سنتی بدل شود تا بتوانیم در مجموعه نهادها و سازمان‌های مرتبط، به‌ویژه حوزه فرهنگ، همچنان به‌شکل پیوسته از این منبع فکری استفاده و ارتزاق کنیم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.



آیت‌الله سیدحسن خمینی: سلام علیکم و رحمة الله. بسم الله الرحمن الرحيم. اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا حَبِيبِ اِلٰهِ الْعَالَمِينَ، اَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. روز بسیار مبارکی است و از این که در خدمت دوستان هستم بسیار شادمان و خرسندم. حُسن انتخاب دوستان در این که حضور در حرم امام و تجدید بیعت با او، تنها یک حضور فیزیکی نباشد، بسیار ارزشمند است و من هم با آقای وزیر همدل می‌شوم که ای کاش این امر در تمام نهادها انجام شود و حضورشان همراه با بازخوانی بخشی از سخنان امام در حوزه مسئولیتی‌شان باشد. از برادر بزرگوارم جناب حجت‌الاسلام‌المسلمین آقای خسروی که زحمت کشیدند و همچنین از دبیران محترم کارگروه‌ها نهایت قدردانی را دارم که گزارش‌های جامعی را ارائه دادند و پیشنهادهای جالب و تأمل‌برانگیزی را مطرح کردند. از سخنان پخته و جامع و حکیمانه آقای دکتر صالحی هم سپاسگزارم. از ایشان خواهش می‌کنم با توجه به تخصصی که در این زمینه دارند، این موضوع را بنویسند و ثبت کنند. پیش از این که من هم چند دقیقه‌ای البته بیشتر از باب تشکر مطالبی را بیان کنم، باید در کنار بارگاه امام و در این ماه رجب از دوستان بخواهم با نثار فاتحه‌ای روح امام و فرزندان‌شان و شهدای عظیم‌الشان انقلاب و شهیدان حوزه فرهنگ و دیگر حوزه‌های وابسته را میهمان کنیم.

«هر نکته‌ای که گفتم در وصف آن شمایل
هر کو شنید گفتا لله دَرُ قائل
دل داده‌ام به یاری شوخی کشی نگاری
مرضیة السجایا محمودة الخصائل
حلاج بر سر دار این نکته خوش بیان کرد
از شافعی نپرسند امثال این مسائل»

سخن درباره‌ی امام از زوایای بسیار گوناگون طرح‌شدنی است. من دو نکته را بیان می‌کنم. نخستین نکته این‌که نباید فراموش کنیم که امام یک هنرمند است، پس اگر به تبیین دیدگاه و نظر امام می‌پردازیم، بایستی بدانیم که آن تبیین همانا تبیین یک هنرمند است. اما هنر امام به شاعری، خط، موسیقی و نقاشی نیست. هنر همانا جمع کردن کثرات در یک وحدت است. مثلاً شما بتوانید صداهای گوناگونی را به صوتی واحد برسانید و این‌گونه موسیقی پدید آورید یا چندین خط متعدد بنویسید که هر یک برای خود سازی و صدایی دارند و آن را در نهایت به یک صدای واحد تبدیل کنید؛ یعنی به هنر. هر اندازه سازها بیشتر باشند، حجم صدا قوی‌تر می‌شود؛ هر اندازه نت‌ها در هم فشرده‌تر باشند، وحدت حاصله بیشتر می‌شود. یک نقاشی از آمیختن صداها رنگ ساخته می‌شود، اما تا زمانی که به آن به‌صورت تک‌رنگ بنگرید، تصویری نمی‌بینید. یک تصویر زمانی تصویر است که همه رنگ‌ها در یک‌جا به وحدت برسند. واژگان از بارهای معنایی سرشارند، اما هنگامی یک شعر پدید می‌آید که آن‌ها به یک معنای واحد نظر کنند.

«ای عاشقان ای عاشقان امروز ماییم و شما
افتاده در غرقابه‌ای تا خود که داند آشنا
گر سیل عالم پر شود هر موج چون اشتر شود
مرغان آبی را چه غم، تا غم خورد مرغ هوا
ای رشک ماه و مشتری با ما و پنهان چون پری
خوش خوش کشانم می‌بری آخر نگویی تا کجا
هرجا روی تو با منی، ای هردو چشم و روشنی
خواهی سوی مستیم کش، خواهی ببر سوی فنا

دیروز مستان را به ره بریود آن ساقی‌گله
 امروز می درمی‌دهد تا برکنند از ما قبا
 عالم چو کوه طور دان ما همچو موسی طالبان
 هردم تجلی می‌رسد برمی‌شکافد کوه را
 یک پاره اخضر می‌شود یک پاره عبهر می‌شود
 یک پاره گوهر می‌شود یک پاره لعل و کهربا
 ای طالب دیدار او بنگر در این کوهسار او
 ای که چه باده خورده‌ای ما مست گشتیم از صدا».

هیچ شاعری جسارت این را ندارد که در شعر خود از شتر سخن بگوید، اما مولوی این کار را انجام می‌دهد و زیبا می‌نشیند، چون او را در این دریای معناگم می‌کند. اگر کثرات با هم همدل شوند و سبب وحدت گردند، آنجاست که هنر به وجود می‌آید. نقطهٔ مقابل علم که بازشناسی از کل به جزء است، هنر ندیدن اجزاست. باید در یک دریاگم شوید. به همین دلیل انقلاب یک هنر است، چراکه همه با هم شدند. به تعبیر امام، همه با هم بودند و هنرمند این هنر امام بزرگوار ما بود. انقلاب تجمیع تمام قطراتی بود که خود را ندیدند. حجم ایثارها در این انقلاب به گونه‌ای بود که ایندیویدوالیسم (فردگرایی) مُرده بود و خواستن‌های فردی و این که من کجا هستم از بین رفته بود. همه با هم شده بودند و این گونه هنر پدید آمده بود و چه هنری بالاتر از آنچه که رخ داد.

«چه کسی می‌خواهد من و تو ما نشویم؟»

من اگر ما نشوم، تنه‌ایم

تو اگر ما نشوی، خویشتی

چه کسی می‌خواهد من و تو ما نشویم

خانه‌اش ویران باد».

ما شدن، هویت‌ساز و هنر‌ساز است. در آن حجم همه‌باهم بودن‌ها، اولیایی تحت قبایی لایعرفهم‌گیری، همه درهم گم می‌شوند. اما اگر قرار باشد من و منیت از راه برسد، کوه‌ها با هم‌اند و تنه‌ایند، همچون ما با همان تنه‌ایان.

«میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست

تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز»

«یک قدم بر نفس خود نه، دیگری در کوی دوست»،

به تعبیر امام، «این ما و منی جمله ز عقل است و عقلاست. در خلوت

مستان نه منی هست و نه مایی».

پس سخن درمورد یک هنرمند است؛ هنرمندی که هنرش وجودی و همانا ایجاد یک سمفونی در جامعه‌ای به هم ریخته است. آموزگاران اخلاق بحثی دارند که در این همایش نیز یکی از دوستان به شکل پرننگی از آن گفتند و درست هم بود: به تعبیر امام، رفتار استاد درس می‌دهد و نه گفتار او. من سال‌هاست در دارالشفا تدریس می‌کنم. روی یکی از کاشی‌های دیوار همین جمله نوشته شده است. به راستی هم این گونه است. فرض کنید نزد کسی مانند من می‌آیید و مدام برایتان شعر و حدیث و آیه می‌خوانم. پس از این که از نزد من می‌روید، متوجه ذهن آشفته خود می‌شوید. بیشتر از آنکه لذت و حظ برده باشید، آشفته شده‌اید. درحالی که گاهی نزد فرد بزرگی می‌روید و او چیزی هم نمی‌گوید، اما پس از این که از محضرش بیرون آمدید، احساس آرامش می‌کنید. هنگامی که منیت‌ها گم می‌شوند، همه در معنای دیگری ذوب می‌شوند و آن هنگام بزرگ هم می‌شوند.

«یکی قطره باران ز ابری چکید

خجل شد چو پهنای دریا بدید

که جایی که دریاست من کیستم؟

اگر او هست حقا که من نیستم

چو خود را به چشم حقارت بدید

صدف در کنارش به جان پرورید».

اگر از خود بگذریم، رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند.

در مورد امام بسیار می‌توان گفت و البته مشکل همین جاست که درباره او

مدام می‌گوییم و می‌گوییم و می‌گوییم، درحالی که در مورد او باید عمل کنیم.

«هزار نکته باریک‌تر از مو اینجاست

نه هرکه سر بتراشد قلندری داند»

یا

«قافیه‌اندیشم و دلدار من گویدم میان‌دیش جز دیدار من»

ما گرفتار هزارتوی الفاظ و گفتارها هستیم. من پیش‌تر هم در این مورد گفته‌ام و نمی‌دانم حکمتش چیست، اما نسلی که به خروش آمد، به این دلیل نبود که امام خطیب توانایی بود. ایشان نه روایت می‌گفت و نه آیه، حتی در اوایل سخنانش خطبه هم نمی‌خواند. اما در مورد همین فرد، مرحوم مطهری در ابتدای یکی از کتاب‌هایشان می‌گوید: آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست، صبح‌های پنجشنبه که اخلاق درس می‌داد تا یک هفته تحت تأثیر اخلاق او بودیم. دلیل آن این بود که از دل برمی‌آمد و به دل می‌نشست و تربیت می‌کرد. امیدوارم خداوند توفیق دهد این‌گونه باشیم. این را هم که گفتم چندان گفتمی هم نیست و گمان مبرید شکسته‌نفسی می‌کنم. خیر، این‌گونه نیست. من خود را می‌شناسم و شما هم هریک خود را می‌شناسید. هرکسی به اسرار خود واقف است. «الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ»؛ هر عذری هم بیاورد خودش خود را بهتر می‌شناسد و می‌داند از کدام خاستگاه می‌گوید و حرف می‌زند.

انقلاب ما انقلاب روشن‌اندیشان دینی بود. انقلاب متحجرین نبود. هرگونه مصادره انقلاب به‌دست اندیشه تحجری موجب: ۱. به بیراهه بردن انقلاب؛ ۲. از بین بردن انقلاب؛ و ۳. از کار انداختن موتور محرکه انقلاب می‌شود. رهبران انقلاب، صاحبان اندیشه مصالحه با دنیای تازه از منظر دین بودند. فکر بسته‌ای که توان سازگاری با دنیای معاصر را ندارد، هیچ دخلتی در پیدایش انقلاب ندارد و سارقانه بر سر خوان انقلاب نشسته است. کدام‌یک از رهبران انقلاب خاستگاه تحجری داشتند؟ انقلاب اندیشه‌ای است که پدیدآورندگان آن فرهنگی را بر دوش خود حمل می‌کنند که این فرهنگ رابطه میان ارزش‌های دینی و دنیای معاصر را آشتی می‌دهد. اما می‌بینیم گاهی اوقات این مسئله به فراموشی سپرده می‌شود.

نخستین بحث مهم سستی با استبداد سلطنتی است که در فرهنگ آزادی‌خواهی ریشه دارد. جریان تاریک‌اندیش و متحجر ماکه در دوران صفویه و قاجار در کنار آریستوکراسی (اشراف‌سالاری) آن دوره زیسته است، بر این مسیر گام برداشته است. حرکت استبدادستیزی و فرهنگ مبارزه با استبداد یک حرکت ضدتحتجری است. یکی از مراجع بزرگ قم، استاد بزرگوار ما، می‌گفت من علیه شاه سخنرانی‌ای کردم. یکی از کسانی که آنجا بود برای من نامه‌ی یکی از بزرگان خود را فرستاد که در آن سه خط از کرامات فتحعلی‌شاه نوشته بود و گفته بود با شاه مملکت با این روش سخن می‌گویند و چرا به شاه توهین کردید.

فرهنگ انقلاب، استعمارستیز و آزادی‌خواه و استقلال‌طلب است. استقلال‌خواهی در قاموس انقلاب یک فرهنگ اساسی است. فرهنگ انقلاب عزت‌خواهی و عزت‌مندی را ترویج می‌دهد و به‌نوعی با نفی استعمار و استبداد هم‌داستان است. امیرالمؤمنین می‌فرماید: «قد جعلک الله حُرّاً». این یک اندیشه‌ی متعالی است. در اندیشه‌ی تاریک و متحجر ما چنین نکته‌ای چگونه و چه زمانی وجود داشته است؟ هنگامی که از تحجر می‌گوییم، بخشی از آن به متحجران دینی برمی‌گردد، اما باید بدانیم که تاریک‌اندیشان و متحجران ملی هم فراوان داریم. تحجر به‌معنای ناتوانی در همراهی با دنیای معاصر و فضای نو و تازه است. مگر زمانی که امام فتوای حضور زنان در راه‌پیمایی‌های پیش از انقلاب را دادند، متهم به این نشدند که زنان را از خانه بیرون آورده‌اند یا هنگامی که مرحوم مطهری در مورد حجاب نوشتند، بزرگ‌ترین هجمه به ایشان وارد نشد که شما روسری را از سر بانوان برداشته‌اید؟ این مسئله را به امام در نجف گفته بودند و گفته بودند که آقای مطهری با مسئله حجاب، چادر را منتفی کرده است. ایشان هم فرمودند یعنی سبب تمام بی‌حجابی در ایران کتاب آقای مطهری است؟ ارزش‌های سنتی به‌جای خود خوب است و می‌تواند هیچ ارتباطی هم به ارزش‌های دینی نداشته باشد. اصل حجاب مسلم است، اما شکل آن در ظواهر گوناگون سنن دچار تغییر و دگرگونی می‌شود، مانند اصل عزاداری برای سیدالشهدا که یک ارزش دینی است، اما این‌که

جایی علم بردارند و جای دیگری زنجیر بزنند و برخی دیگر سیاه بپوشند و سینه بزنند، مربوط به سنن است و اگر آن‌ها تغییر کنند، قالب ارزشمند دینی می‌تواند در قالب‌های دیگری شکل بگیرد. بحث سینما و موسیقی و شطرنج و حضور زنان در عرصه تحصیل و تربیت و کار و بازار وجود دارد. این یک جریان فرهنگی است که باید برای رسیدن به آن نقطه تلاش کنیم.

باید بپذیریم که آینده دینی ما بایستی از راه تلفیق آشتی جویانه‌ای شکل بگیرد که می‌توانیم میان فرهنگ دینی خود با دنیای معاصر برقرار کنیم و اگر جز این باشد، همیشه یک گام عقب هستیم. برای مثال، ماهواره یا تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی وارد می‌شود. در ابتدا آن‌ها را تحریم می‌کنیم و می‌خواهیم آن‌ها را فیلتر کنیم. سپس متوجه می‌شویم که نمی‌توانیم، بنابراین رهاش می‌کنیم. تمام این‌ها یعنی همان یک گام عقب ماندن. این درحالی است که فقه و فرهنگ امام به گونه‌ای است که همواره می‌گوید باید یک گام پیش باشید و دنیای معاصر خود را به خوبی بشناسید و از آن آگاه باشید و اگر چیزی جز این باشد، آن چیز همواره خود را به ما تحمیل می‌کند. ما از کسی سخن می‌گوییم که هویت انقلاب به نام اوست و بنیان‌گذار آن است. به بیانی که گفتیم، هنرمندی است که همه را در یک وحدت جمع کرده و پس از دورانی طولانی، خدا را وارد عرصه زندگی مردم کرده است. او پس از یک دوره سنگین حاکمیت تفکر و اندیشه ماتریالیستی، عدالت را با دین پیوند داده است. کار بزرگ انقلاب، آوردن اندیشه عدالتی بود که ماتریالیست‌ها بر خودشان گرفته بودند و بردن آن در قالب مفهومی به نام عدالت علوی. انقلاب همانا مبارزه‌ای را که ماتریالیست‌ها بر خود گرفته بودند در قالب مفهومی به نام شهادت حسینی مطرح کرد. ایشان عناصری همچون سیدالشهدا، کربلا، غدیر، علی و آتش کف دست برادر را که مفاهیم بلند دینی و مغفول مانده بودند، وارد عرصه زندگی کردند. در آن زمان دین فراموش شده بود و لیبرالیست‌ها تنها به این دلیل که خود را نجات دهند، پشت امام برای جنگ با جریان‌های چپ در دنیا سنگر گرفته بودند. اما امام دین را به متن جامعه آوردند و آن را تبدیل به الهیاتی کردند که در عرصه حیات اجتماعی زندگی کند؛ به نوعی

پیوند آسمان با زمین را و راهی به آسمان را از راه مردم گشودند. عرفان منفی یعنی بی‌غول‌نشینی و عرفان مثبت یعنی درمیان مردم بودن؛ یعنی همان عرفان علی و بدر و پیامبر؛ این که در حضور مردم و در کنار آن‌ها باشید و دستشان را بگیرید و حرکت دهید. پیام آن در عرصه فرهنگ این نیست که به گذشته برگردیم و البته این هم نیست که از گذشته دور شویم و آن را نادیده بگیریم. دیگر دوره دوگانه یا در گذشته زندگی می‌کنیم یا از گذشته عبور می‌کنیم و به آینده می‌رویم به‌سر رسیده است. ما با اجتهاد در متون گذشته خود می‌توانیم برای آینده چراغ راه بسازیم، اما با آینده در صلحیم و نه در ستیز. ما در آینده کنشگر و جلوتریم، نه این که مدام به عقب بدویم و احکام ضروری داشته باشیم. باید یک گام به جلو برداریم.

«آن یار کزو خانه ما جای پری بود

سر تا قدمش چون پری از عیب بری بود

دل گفت فروکش کنم این شهر به بویش

بیچاره ندانست که یارش سفری بود»

چند کلامی دعا کنیم، البته بحث نیمه‌کاره ماند، اما احساس کردم خسته شدید.

انشاءالله خداوند روح امام و فرزندان و شهدای عظیم‌الشان انقلاب را الساعة مهمان سفره ابا عبدالله قرار دهد؛ توفیقات رهبر معظم انقلاب، مسئولان نظام، خدمتگزاران به جامعه را مضاعف کند؛ انشاءالله به دوستان هر جا که هستند توفیق خدمت‌رسانی بیشتر دهد.

جلسه بسیار خوبی بود و من هم قصدم این بود که چند کلامی عرض ادب کنم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

در خاتمه، براساس اعلام دبیران کارگروه اجلاس از چهار نفر امام‌پژوه در حوزه فرهنگ و هنر تقدیر شد:

متن تقدیرنامه

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق
 حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمدحسین بهرامی
 حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای محمدرضا حشمتی
 حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمود دعایی
 جناب آقای مجتبی راعی

«اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) نقشه راه جمهوری اسلامی ایران است و شایسته است که در حوزه‌های مختلف مورد توجه مسئولان قرار گیرد. اجلاس تبیین اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) در حوزه فرهنگ و هنر ضمن تشکر از تلاش‌های گران‌قدر جناب‌عالی در روشنگری و آشنایی مردم با آرمان‌های بلند بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران با افتخار لوح سپاس را تقدیم می‌کند. توفیق روزافزون شما را از خداوند متعال مسئلت دارم.»



گزارش تفصیلی پنل‌ها

پنل اول، دیدگاه‌های امام خمینی (ره) درباره سینما
پنل دوم، نقش مردم در سلامت حکومت از منظر امام خمینی (ره) و
ظرفیت فضای مجازی برای تحقق آن
پنل سوم، فرهنگ عمومی در اندیشه امام خمینی (ره)
پنل چهارم، منظومه فکری امام خمینی (ره) در حوزه رسانه و مطبوعات

پنل اول

دیدگاه‌های امام خمینی (ره) درباره سینما



دبیر پنل

مهندس محمد مهدی حیدریان

مشاور وزیر در امور سینمایی

سخنرانان مکمل: محمد مجتبی حسینی (معاون هنری) و قادر آشنا (مدیرکل هنرهای نمایشی معاونت هنری)

مهندس محمد مهدی حیدریان (دبیر کارگروه): همان گونه که می‌دانید، در بستر و حوزه فرهنگ و هنر، وضعیت متعارض فرهنگ رسمی پیش از انقلاب با آرا و باورهای دین مبین اسلام تضاد و فاصله داشت. بنابراین، یکی از جدی‌ترین و اصلی‌ترین زمینه‌های بروز انقلاب را شکل داد. در حوزه فرهنگ و هنر، رسانه‌ها و مطبوعات و به صورت مشخص سینما از جمله مواردی بودند که تا زمان پیروزی انقلاب مورد حمله و یورش مخالفان وضعیت فرهنگی کشور قرار گرفتند. با پیروزی انقلاب و در نخستین روز و در حضور امام راحل در میان مردم بر این مورد تأکید شد و ایشان در همان جلسه به این موارد اشاره کردند و به آن‌ها پرداختند. در گفته‌های ایشان دو رویکرد وجود داشت که در جلسات گوناگون نیز آن را تکرار کردند. یک رویکرد همانا وجه سلبی بود که مخالفت با این مظاهر را پوشش می‌داد و رویکرد دیگر وجه انتظار و راهبرد و مشخص کردن راه آینده بود.

امام به تبع شخصیت جامعی که داشتند به ابزار زمان آگاه بودند و در خصوص مظاهر تمدنی روز دانش لازم را داشتند و به‌ویژه از ابزار سینما

که ابزار و مظهر تمدنی است و در دنیا و تمدن امروز از آن استفاده فراوان می‌شود، سخن می‌گفتند. ایشان اشاره می‌کردند که در کشور ما سینما به‌مثابه فساد و فحشاست و برای این منظور به کار گرفته می‌شود و ما با این کارکرد مخالفیم، اما سینما را به رسمیت می‌شناسیم و برای آن برنامه داریم. تعبیر ایشان این بود که سینما را اصلاح خواهیم کرد، چراکه بر این باوریم مظهر تمدنی است و حمایت از آن در خدمت مردم و به‌ویژه جوانان است. تأکید ایشان بر قشر جوان بود. جوانان نقش پررنگی در انقلاب و آن دوران داشتند. امام نیز بر مسئله جوانان و آموزش آن‌ها تأکید فراوان داشتند. ایشان فرمودند اگر این مظاهر تمدنی به فساد در جامعه منجر شود، با آن مخالفیم. انتظاری که از آن داریم و وظیفه‌ای که برایش می‌شناسیم، این است که ابزاری برای هدایت و آموزش جامعه و مردم باشد.

امام دارای شخصیتی چندوجهی بودند. ایشان در مرتبه بالای فقاقت قرار داشتند و همچنین شخصیتی عارف‌مسلك بودند. در نگاه معرفتی امام، عوالم به پنج بخش عالم غیر، معنا، عقل، خیال و حس تقسیم می‌شود.

هنری که دارای پایگاه دینی باشد و بتوان در راستای اهداف دینی از آن استفاده کرد، هنری است که از بالا سرچشمه می‌گیرد. این هنر از عالم غیب محتوا و ایده را دریافت می‌کند و در عالم عقل به آماده‌سازی خردمندانه آن می‌پردازد. هنری که سیری این‌چنینی دارد می‌تواند به مخاطبان خود ارائه شود و دست آن‌ها را بگیرد و با خود همراه کند و به بالا ببرد.

در برابر این هنر، هنر مادی قرار دارد که معمولاً هنر غربی دارای این دید و نگاه است. هنر غربی هنری است که آب‌سخور آن عالم حس و ماده است. این هنر ایده را از دنیای ماده دریافت می‌کند و در کارگاه خیال هنرمند به اثری هنری تبدیل می‌سازد و دوباره به مخاطب ارائه می‌کند. این هنر در همین مسیر باقی می‌ماند و با مخاطب در همین دنیای مادی ارتباط برقرار می‌کند و هرگز به بالا نخواهد رفت. به عبارت دیگر، این هنر عاجز از این است که فرای عالم ماده حرکت کرده و مخاطب را با خود همراه کند.

افرادی مانند حضرت امام بر این باورند که وظیفهٔ یک راهبر و مبلغ و هدایتگر این است که مردم را با بهره‌گیری از همین مراتب وارد این سیر صعودی کند. البته در این بخش نیز توضیح می‌دهند که برخی هنرمندان بدون واسطه به عالم معنا وصل‌اند و مخاطبانشان را با خود همراه می‌کنند، اما کسانی که وصل نیستند، باید از دیگران برای ورود به این راه کمک بگیرند. به هر روی، این منظومهٔ فکری در چنین بستری شکل گرفت و رهبری با این تعریف انتظاری را از سینما و حوزهٔ فرهنگ و هنر وارد میدان هنری آن زمان کردند. در آن هنگام نیز بیشتر مردم و جوانان همراه با انقلاب که در حوزهٔ سینما نیز فعال شده بودند، دوستان و هنرمندانی بودند که درک بدون واسطه‌ای از امام و جهان‌بینی ایشان داشتند. بنابراین وارد همین راه شدند و در آن گام برداشتند و توانستند سینمایی مقلد و ورشکسته را که از سینمای هند یا اروپا و بخش مستهجن آن تقلید می‌کرد، نجات دهند. با به‌میدان آمدن انقلاب، سینمای ایران تعریف تازه‌ای از هنر سینما را به دنیا ارائه داد و در مدت چهار سال که برای حوزه‌ای این‌چنینی زمان بسیار کوتاهی است، توانست به کرسی ثابتی در دنیا دست پیدا کند. این کرسی همراه با شناسنامه و ویژگی‌هایی بود که بر اساس آن سینمای ایران به‌عنوان یک سینمای اخلاق‌گرا شناخته می‌شد.

دل‌نگرانی و خطری که امروزه وجود دارد، این است که متأسفانه نیروهای تازه‌ای که وارد حوزهٔ فرهنگ و هنر می‌شوند کسانی هستند که در آن دوران حضور نداشته‌اند، بنابراین درک ژرف و عمیقی نیز از آن زمان ندارند و درحال فاصله‌گیری از منظومهٔ فکری و اندیشه‌های امام که در هر جلسه از سخنان خود به آن اشاره می‌کردند هستند. به عبارت دیگر، بدون داشتن نگاه و ایدهٔ توحیدی و بدون توجه به این که هنر باید از عالم بالا باشد، کار خود را پیش می‌برند و دغدغهٔ این موضوع را ندارند. آنان بایستی بدانند اگر ایده از بالا باشد، می‌توانند مخاطبان خود را نیز به بالا هدایت کنند، ولی این هنرمندان در همین عالم خیال و حس باقی می‌مانند.

فرصت من به پایان رسید. تمام دوستان به همه ابعاد سخنان من واقف و آگاه‌اند و می‌توانند در مورد هر یک از آن‌ها بحث کنند. در این نشست از سخنان آقای دکتر حسینی، معاون محترم امور هنری، و دکتر آشنا هم استفاده می‌کنیم. سپس در خدمت دیگر دوستان هستیم برای این که بتوانیم در پایان این دو ساعت به چند پیشنهاد مشخص برسیم که چگونه می‌توان هنر را در مسیر مورد انتظار انقلاب در وضعیتی بسیار استوارتر از وضعیت کنونی نگه داشت و بیش از این از آن بهره‌مند شد و راهی پیدا کرد که بتوان بار دیگر به آرا و اندیشه‌های ناب امام که به برخی از آن‌ها نیز اشاره کردم، نزدیک شد و قشر جوانمان را که سرمایه‌های کشورند از وادی خطر دور کرده و در امان نگه داشت.

محمد مجتبی حسینی: باور من این است که هنر ثروت و سرمایه کشور عزیز ماست. با وجود این که رصدخانه جامع و هوشمندی نداریم که مرکز داده‌های آماری متنوعی از فعالیت‌های هنری و شمار هنرمندان باشد و تمام دستگاه‌های فعال در این حوزه در آن بانک و سامانه حضور داشته باشند، اما شاید کمتر کشوری در دنیا بتواند داعیه این را داشته باشد که هنر با این گستره در آن وجود دارد.

یکی از ویژگی‌های کشورهای کشور ما که می‌تواند واجد نکات مثبتی باشد، تعدد دستگاه‌هایی است که در زمینه فرهنگ و هنر فعال‌اند. امروز نزدیک به ۹۴ نهاد در حوزه فرهنگ و هنر مشغول به کارند که بیش از ۵۰ دستگاه از این تعداد خود را در سیاست‌گذاری سهیم می‌دانند؛ ۴۰ ارگان فعالیت اجرایی دارند؛ دست کم ۳۹ دستگاه پشتیبانی و نزدیک به ۱۷ نهاد فعالیت‌های نظارتی در این عرصه دارند. به این اندازه بخش فعال در این حوزه وجود دارد. کار رصد و رسیدن به پیمایش دقیق و نظام جامع آماری دشوار است، اما آنچه که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرد آمده، نشان‌دهنده این است که ضریب رشد منابع انسانی هنر در کشور ما در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بیش از دو برابر کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته بوده است. حتی اگر از دید ترکیب جمعیتی بنگریم و بخواهیم شمار کسانی را

بسنجیم که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به هنر و فراگیری آن علاقه‌مند شده‌اند و امروز در عرصه هنر فعالیت دارند، میزان آن بیش از ترکیبی است که جمعیت ۳۰ تا ۳۵ میلیونی سال ۱۳۵۷ قرار بوده داشته باشد یا جمعیت ۸۰ میلیونی سال ۱۳۹۹ قرار است داشته باشد. آماری که مرکز آمار ایران ارائه می‌دهد، دال بر این است که از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۷ بیش از یک و نیم میلیون نفر از مراکز آموزش عالی رسمی کشور در رشته‌های هنری فارغ‌التحصیل شده‌اند. به‌جز این، خروجی آموزشگاه‌های آزاد هنری و کلاس‌های غیررسمی و دیگر مراکز را نیز می‌توان لحاظ کرد.

شمار رویدادها نیز به‌همین صورت است. به گزارش دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۹۸ که در ماه‌های پایانی آن دچار گرفتاری‌ها و مشکلاتی مانند شیوع بیماری کرونا شدیم و محدودیت‌هایی را تجربه کردیم، ۳۶۴ جشنواره صرفاً هنری در کشور، از جمله در زمینه‌هایی نظیر موسیقی و مُد و هنرهای تجسمی برگزار کرده‌ایم. افزون بر این، جشنواره‌های سینمایی و ادبی و جشنواره‌هایی را که از سوی دیگر مراکز هنری کشور طرح‌ریزی شده است، می‌توان وارد این فهرست کرد. برای نمونه، شمار اجراها در زمینه تئاتر در سال ۱۳۹۸ شامل ۶ هزار و ۴۱۵ تئاتر و بیش از ۹۵ هزار اجرا در کشور بوده است. شمار اجراهای موسیقی و نمایشگاه‌های ما در کشور همگی نشان‌دهنده فعالیت ستایش‌برانگیز هنرمندان کشور ماست. در جشنواره‌های هنری فجر که در روزهای پیش به فرجام رسید یا برخی از آن‌ها ممکن است همچنان در حال اجرا باشد، تعداد انبوهی جوان صاحب ذوق و هنرمند در حال کار و فعالیت‌اند. برای نمونه، در جشنواره تئاتر که امسال سی‌امین دوره آن بود، ۱۰۷ عنوان تئاتر اجرا شد که میانگین سنی کارگردان‌هایش ۳۳ سال بود یا جشنواره هنرهای تجسمی فجر در زمینه تعداد شرکت‌کننده و آثار، رشدی ۹۵ و ۹۲ درصدی داشته است و میانگین سنی افراد ۳۰ سال بوده است. این افراد همگی کسانی هستند که پس از انقلاب به دنیا آمده و رشد کرده و به دانشگاه رفته و کار کرده‌اند. این

سرمایه از چه سرچشمه‌ای ناشی می‌شود؟

اگر مطالعه تاریخی داشته باشیم و منصفانه مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که یکی از مسائل فرهنگی، در قیاس امروز با دیروز، مربوط به اندازه و میزان علاقه‌مندی و تشویق‌کنندگی خانواده‌ها در زمینه توجه به هنر است. به روشنی پیداست که پیش از انقلاب اسلامی شاید بیش از نیمی از خانواده‌های ایرانی که در همین کشور هم زندگی می‌کردند، هنگام ابراز علاقه فرزندشان به هنر دچار تردید می‌شدند و نمی‌دانستند در این مورد باید چه کار کنند. آیا او را تشویق کنند یا مانع از ورود او به این حوزه شوند؟ بسیاری از افراد به فرزندشان می‌گفتند تو می‌توانی برای نمونه مهندس صنایع شوی و در کنار آن هنر را نیز ادامه دهی.

یکی از عوامل جدی‌ای که پس از پیروزی انقلاب باعث شد بیشتر خانواده‌ها پس از شنیدن خواسته و علاقه فرزندشان به هنر و ورود به این عرصه آن‌ها را تشویق و از آن‌ها حمایت کنند، به‌باور من نگاه و دیدگاه امام در این زمینه بود. ایشان نگاه به هنر را تغییر دادند و خود همان‌گونه که شما به آن اشاره کردید، مشوق هنر شدند. شاید اگر آثار باقی‌مانده از دهه ۱۳۴۰ را در زمینه هنر بررسی کنید، بتوان طیفی را با عنوان هنر مصرفی و سرگرمی دید و بخش دیگری که بسیار هم اندک و انگشت‌شمار است، هنر روشنفکری است. گفته‌های امام و رهنمودها و اشارات و توجه ایشان به هنر متعهد و معناگرا و هنری که سبب تعالی انسان می‌شود، باعث شد بخش بزرگی از هنر پس از پیروزی انقلاب واجد سویه‌های متعهدانه و معناگرا شود. به‌آسانی می‌توان هنر را به این دو فصل بزرگ تقسیم کرد.

سینمای پس از پیروزی انقلاب نمود همین موضوع و نوع نگرش است. این مسئله در موسیقی و هنرهای تجسمی و هنر نمایش نیز دیده می‌شود. تمام این‌ها بر اثر نهضت پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن ایجاد می‌شود. من حتی طلبه‌های زیادی را به‌یاد می‌آورم که تئاتر را وارد مسجد و در آنجا اجرا کردند. اگرچه آن‌ها استاد علوم دینی بودند، اما به تئاتر و هنر هم علاقه داشتند و به آن می‌پرداختند. این رویکرد به‌معنای سنت‌گرایی صرف یا

تکرار آنچه که در تاریخ داشته‌ایم نبوده است. اگرچه هنرهای اصیل ایرانی که گاهی آن‌ها را هنرهای سنتی می‌نامیم، گسترش پیدا کرده‌اند اما در سنت بازنماندند. برای نمونه، هنر خوشنویسی که در این سرزمین تاریخ درازمدت و طولانی و سنت بسیار قوام‌یافته‌ای دارد با اقتضائات روز همراه و همسو شد و گسترش پیدا کرد. اگر بخواهیم چهار دوره‌ی اوج برای خوشنویسی ایران در نظر بگیریم، حتماً روزگار ما یکی از آن چهار دوره است. مؤید ادعای من بخش خوشنویسی در سیزدهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی فجر است.

در این زمینه تجربه شخصی دیگری هم دارم: در سال ۱۳۷۷ و در صدمین سال یادمان میلاد امام خمینی در بخش انتشارات فعالیت می‌کردم. بخشی از آنچه منتشر می‌کردیم، خاطرات شفاهی خانواده و درکنار آن فرازهایی از گفته‌های ایشان در مورد هنر بود. برای نمونه، هنگامی که ایشان در برابر تلویزیون نشستند و قطعه‌ای موسیقی یا تصنیفی از آن بخش می‌شد و کسی از خانواده در مورد آن از ایشان می‌پرسید و پاسخی که می‌دهند یا دیدگاه ایشان در مورد سینما و ویژگی‌های آن. گمان می‌کنم وقت آن رسیده باشد و شاید حتی دیر هم شده باشد که خاطرات شفاهی ایشان را در مورد هنر گردآوری کنیم و تفاوت گفته‌های ایشان و دیگر فقها را دریابیم. باید بدانیم که امام در خصوص هنر متعهد بسیار دعوت‌کننده بودند. نتیجه این آموزه‌ها و تعالیم و استمرار آن را در بیانات مقام معظم رهبری نیز به روشنی می‌بینیم. البته رشدی که در این سه دهه شاهد آن هستیم، مشخصاً نشان‌دهنده این نکته است که ما زنجیره و سلسله‌ای متصل به هم هستیم و مسیری متعالی را برای رسیدن به یک هدف مشخص پیگیری می‌کنیم.

به گزاره نخست خود بازمی‌گردم و آن این است که امروز هنر سرمایه‌گران‌بها و شایان توجهی برای کشور عزیز ماست. اگر هنر را به‌مثابه فرصت تلقی کنیم، خواهیم دید در دنیایی که در عرصه‌های گوناگونی مانند دیپلماسی و اقتصاد و حوزه فعالیت‌های اجتماعی همگان متوجه هنر شده‌اند، داشته‌های هنری ما تا چه اندازه و چگونه می‌تواند به ما کمک کند و ما چگونه می‌توانیم با هنر در

دنیا تأثیرگذار باشیم. جهانی که امروز شاید به واسطه یک قرن گذشته و تجربیات رها و بی‌پروایی که در عرصه هنر داشته از بسیاری از سرمایه‌ها بهره‌برداري کرده و اتفاقاً تشنگی خود را مرتفع نکرده و همچنان در جست‌وجوی گمشده‌ای است. چنان‌که می‌بینید، هنر شرق دور و آفریقا الهام‌بخش هنرمندان غربی بوده است، اما آن‌ها همچنان در آثار و گونه‌ها و ژانرها و رشته‌های گوناگون خود جست‌وجو می‌کنند. گمشده‌ای که به‌نظر می‌رسد در کشور عزیز ما وجود دارد و نه تنها بازآفرینی آن بلکه الهام از آن می‌تواند سبب آفرینش آثار بدیع شود و بدین ترتیب بن‌مایه‌های فرهنگی ما را در دنیای جدید به‌وجود آورد. اگر هنر را فرصت بدانیم، این ظرفیت را دارد و اگر نتوانیم این فرصت را به‌درستی بشناسیم و به آن نگاه آسیب‌شناسانه نداشته باشیم، گرفتار مدیریت اقتضایی و اضطراری خواهیم شد، به‌نحوی که تنها زمان را سپری می‌کنیم.

گمان می‌کنم در سال‌های اخیر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اتفاقی رخ داده است و نگاهی به‌وجود آمده که می‌تواند پیش‌برنده باشد و مدیریت هنری را از حالت اقتضایی به حالت راهبردی و هنری تغییر دهد و آن توجه جدی به این نکته است که سرمایه فکری انقلاب اسلامی و به‌ویژه میراث بزرگ امام خمینی و استمرار آن در گفته‌های مقام معظم رهبری یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های ماست.

مهندس حیدریان: از سخنان دکتر حسینی دو پیشنهاد را استخراج کردم؛ نخستین پیشنهاد این بود که از مجموعه خاطرات شفاهی امام با موضوع هنر استفاده کنیم و از مفاد آن‌ها در خصوص آن مصادیق کمک بگیریم و نقاط قوت آثار موردنظر ایشان را دریابیم و به‌کار ببندیم. پیشنهاد دوم هم این بود که چون هنر را سرمایه کشور می‌دانند، بنابراین معتقدند بایستی آثاری را که توانسته‌اند در دنیا تأثیرگذار باشند و اکاوی کرده و تلاش کنیم از طریق این سرمایه، با تشویق و کوشش و زمینه‌سازی برای هنرمندان، به آفرینش بیشتر این نمونه‌ها و همچنین نشر گسترده‌تر آنها به‌منظور شناساندن و تحکیم و معرفی تمدن و فرهنگ و اندیشه‌ها و آرای بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و

حضرت آقا پردازیم. من این دو پیشنهاد را از سخنان شما استخراج کردم. اگر مطلب دیگری دارید در پایان نشست بیفزایید.

قادر آشنا: در سال‌های گذشته جشنواره فرهنگی و هنری یادواره حضرت امام را داشتیم که فضای کشور را تحت تأثیر اندیشه‌های حضرت امام قرار می‌داد، اما متأسفانه چند سالی است که این جشنواره برگزار نمی‌شود و من هم دلیل آن را نمی‌دانم. اما چه خوب است با آغاز این کار زیبا که وزارت ارشاد شروع کرده است، این جشنواره و برگزاری آن در دستور کار قرار گیرد، چون شامل تمام حوزه‌های فرهنگ و هنر می‌شود. من در دوره‌های این افتخار را داشتم که برگزارکننده این جشنواره باشم، بنابراین شاهد بودم همین بزرگوارانی که آقای دکتر حسینی از آن‌ها نام بردند و دیگر عزیزانی که در کشور ما قلم می‌زنند و دل در گرو انقلاب دارند، همه در این عرصه فعالیت می‌کردند. پس این نخستین پیشنهاد من است.

نکته دوم این است که حضرت امام فرهنگ را به شکل عام و هنر را به صورت خاص موضوعی مبنایی و اساسی در نظام هستی می‌دانند. من توفیق این را داشتم که تمام آثار امام را مطالعه کنم. اگر کسی تمام این آثار را بخواند، متوجه می‌شود که فرهنگ اساس انقلاب و اندیشه امام است. ایشان عبارت زیبایی دارند که می‌گویند مبدأ تمام خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت‌های دنیا در فرهنگ است. ایشان بارها و بارها در آثار خود، مانند *انقلاب اسلامی* یا *نقش و جایگاه مردم در اندیشه حضرت امام یا امام به روایت امام*، به صراحت بیان می‌کند که توسعه فرهنگی بر توسعه اقتصادی و نظامی و سیاسی مقدم است. این نشان‌دهنده نگاه کلان ایشان است.

امام بسیار نگران ابتدال در هنر بود و همواره درباره آن هشدار می‌داد. البته این نگرانی در تمام عرصه‌های فرهنگی مانند رسانه و سینما و نمایش و... نیز وجود داشت. ایشان تمام این مسائل و مباحث را در کتاب *انتخابات از نگاه امام* توضیح می‌دهد و به مردم و هنرمندان و رسانه‌ها در این مورد هشدار می‌دهد. از دید من، مسئله هنر در اندیشه امام موضوعی است که

بسیار ناشناخته مانده است. ما نیز که متولی امور فرهنگی و هنری هستیم، از من به‌عنوان کمترین عضو در این مجموعه تا بزرگ‌ترین فرد در این عرصه، کمتر به آن پرداخته‌ایم. ساحتی که امام برای هنر قائل است، بسیار اساسی و مبنایی است و بالاتر از چیزی است که امروز ما در این حوزه انجام می‌دهیم یا به آن می‌اندیشیم. نخستین توقع حضرت امام از هنر این است که صیقل‌دهنده و فریادزنندهٔ اسلام ناب در برابر اسلام التقاطی باشد. به عبارت دیگر، امام از هنر می‌خواهد که اسلام تازیان‌خورندگان و دردمندان و پابرهنگان را بیان کند. از نظر ایشان، دستیابی به این امر تنها از عهدهٔ هنر برمی‌آید و این هنر است که می‌تواند ذات و زیبایی اسلام ناب در برابر اسلام انحرافی و آمریکایی را به تصویر بکشد. حیف است اگر عین جملات ایشان را نخوانم و البته اگر این کار را انجام ندهم، نمی‌توانم آن‌گونه که باید حق مطلب را ادا کنم، چون بیان امام است که تعیین‌کنندهٔ نگاه ایشان به هنر است. ایشان می‌گویند تنها هنری مورد پذیرش و قبول قرآن است که صیقل‌دهندهٔ اسلام ناب محمدی و ائمهٔ هدی و فقرای دردمند و پابرهنگان و تازیان‌خورندگان باشد. چشمداشت و توقعی که ایشان از هنر دارند، فرای چیزی است که ما به آن می‌اندیشیم. امام توقع دارد هنر به بالاترین عرصهٔ حیات بشری که همان دین اسلام است کمک کند. به عبارت دیگر، هنرمند باید اسلام‌شناس باشد و جامعه‌شناسی بداند، یعنی هنر ما باید در قالب دین و جامعه‌شناسی به ساحت دین کمک کند. در مورد هریک از این‌ها می‌توان ساعت‌ها بحث کرد.

انتظار دیگری که امام از هنر دارد، رواج معنویت است. همان‌گونه که آقای دکتر حسینی به آن اشاره کردند، امام به هنر معناگرا اهمیت فراوان می‌داد. عین عبارت ایشان است که می‌گویند: هنر دمیدن روح تعهد در انسان‌هاست. ما گاهی این توقع را از مسجد و منبر و حوزه داریم، اما امام در کنار تمام این‌ها از هنر و هنرمند نیز می‌خواهد که از طریق هنر و فیلم و سینما و مطبوعات و رسانه‌ها به کمک معنویت بیاید. این مورد همان شبیخون فرهنگی است که مقام معظم رهبری دربارهٔ آن سخن می‌گویند؛

یعنی شبیخون فرهنگی برای گرفتن تمام این موارد از ما وارد عرصه شده است. حضرت امام دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی را جزء جدایی‌ناپذیر هنر و هنرمندان ایران‌زمین می‌داند. نکتهٔ دیگری که ایشان در حوزهٔ هنر به آن توجه دارد و در گفته‌هایشان فراوان بیان شده، توجه به انسان است. هنری که مسکوت و منزوی باشد و هنرمندی که تنهایی را برگزیند و برای دفاع از انسانیت و شرافت و کرامت و عزت انسانی دست به قلم نبرد، مورد قبول و پذیرش امام نیست. امام هنری را تشویق می‌کند که بتواند به نقش تربیتی زن در خانواده و احترام به پدر و مادر و بزرگ‌ترها ارج نهد. تمام این موارد در بیانات ایشان آمده است. به بیان دیگر، ایشان خواستار این است که هنر در جامعهٔ ایران و در انقلاب اسلامی که ایشان بنیان‌گذارش است به این زمینه‌ها پردازد. ما به‌عنوان مسئولان و مدیران فرهنگی بایستی از این نوع نگاه به هنر متأثر باشیم. ما باید به هنر به‌مثابهٔ یک عنصر معنایی بنگریم. موضوع دیگری که هنر به آن می‌پردازد، توجه به نظام سلطه است. ما از هنرمندان انتظار داریم در برابر نظام سلطه قیام کنند و از آن‌ها می‌خواهیم علیه این‌گونه مسائل و کسانی که دنیا را با زر و زور و تزویر، ثروت‌های مردم دنیا را چپاول می‌کنند و در آن می‌تازند، بنویسند و در برابر آن‌ها ایستادگی کنند. بار دیگر می‌خواهم به یکی از عبارات ایشان اشاره کنم که می‌گویند: تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهان‌خواران شرق و غرب و در رأس آن آمریکا و شوروی را بیاموزد. امام از هنر توقعی این‌چنینی دارد. آیا افرادی که در ایران کنونی و در جامعهٔ امروز در حوزهٔ فرهنگ و هنر فعالیت می‌کنند، به‌شکل عام و در تمام گروه‌هایی که آقای حسینی به آن اشاره کردند، به نظام سلطه و استکبار و ظلم‌ستیزی و مسائلی که در اطراف ما رخ می‌دهد می‌پردازند؟ چشمداشتی که امام از هنر داشتند، چیزی نیست که امروز در جامعهٔ ما در حال انجام است. هنگامی که در آثار امام ژرف می‌نگرم، می‌بینم چشمداشتی که ایشان از هنر دارند، دقیقاً همان توقعی است که از حوزه‌های علمیهٔ قم و علما و اندیشمندان دنیا و نویسندگان درجهٔ یک کشور دارند.

توقع دیگر امام از هنر و هنرمند مربوط به نظام بین‌الملل است. چشمداشت امام این است که هنرمند ما در راستای امام و انقلاب حرکت کند و همان‌گونه که انقلاب و اسلام سیاسی ایشان گفتمان دنیا را تغییر داد و آن را به چالش کشید، هنر نیز به پشتیبانی آن برخیزد و اسلام سیاسی و به‌قول ایشان اسلامی را عرضه کند که آمده است تا مسلمانان را از انزوا خارج کند و به هستی نگاه تازه‌ای داشته باشد. موضوع دیگری که امام به آن اشاره می‌کند، این است که هنر در مدرسه عشق نشان‌دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است؛ یعنی هنرمند باید جست‌وجو کند و به این نقاط دست یابد و به آن‌ها پردازد.

توقع امام از هنرمند اصیل اسلامی و هنری که قدرت دارد، این است که هنرمند در جغرافیای ایران زمین جست‌وجو کند و ایراد و اشکال را رصد کند؛ در مورد آن سخن بگوید؛ آن را در عرصه‌های نظامی و سیاسی و اقتصادی بیان کند؛ و به شائبه‌های خود اشاره کند. کتاب دیگر امام که گمان می‌کنم عنوانش خودباختگی است به این موضوع می‌پردازد. امام در این کتاب می‌گوید: انقلاب اسلامی به ما یاد داد که نمی‌توانم‌ها و نمی‌شودها را از ذهن بیرون کنیم و می‌توانم‌ها و می‌شودها را جایگزین آن نمایم. امروز با توسل به این می‌توانم‌ها و می‌شودها می‌توانیم ببینیم که پیش از انقلاب تمام هنرمندانی که در تئاتر کار می‌کردند، ۵۰۰ نفر هم نبودند، اما امروز بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر در این حوزه فعالیت دارند که آموختگان عرصه فرهنگ و هنرند. در جشنواره امسال نزدیک به ۳۰ درصد کارگردانان کسانی بودند که اصلاً هنر نخوانده‌اند و در دانشگاه در رشته دیگری تحصیل کرده‌اند، اما به هنر علاقه‌مندند. بنابراین، هنرمند ما در کشور وظیفه دارد هم معضلات را ببیند و هم از توانمندی‌ها بگوید. تصور من این است برگزاری این نشست‌ها گام بلندی است و من می‌خواهم از این فرصت استفاده کرده و به نقشه راهی برسیم که برای آینده وزارت ارشاد و کشور و مردم از آن بهره‌برداری کنیم و به آسیب‌شناسی فرهنگ و هنر از نگاه امام دست یابیم.

ما تا چه اندازه به هنرمندانمان اجازه داده‌ایم تا از خانواده‌های ایرانی بگویند و آن‌ها را نقد کنند؟ از سوی دیگر، برای هنرمندان چه ظرفیت‌هایی را پدید آورده‌ایم که در عین این که نقد می‌کنند به کیان جمهوری اسلامی ضربه نزنند و منافع و امنیت ملی را پاس بدارند؟ میان مدیران عرصه فرهنگ و هنر فاصله به وجود آمده و ما تنها با اندیشه امام و با استناد به مقام معظم رهبری می‌توانیم به وحدت برسیم.

امام از هنرمندان می‌خواهد که پاسداران هویت ایران زمین باشند. امام می‌گوید هنرمند ما زمانی می‌تواند بدون دغدغه کوله‌بارش را بر زمین بگذارد که تنها و تنها بر داشته‌های خود و بر هویتش تکیه کند. بنابراین چیزی که امام می‌خواهد بسیار فراتر از چیزی است که من به‌عنوان مدیر امروز آن را انجام می‌دهم. چشمداشت و انتظار امام از هنر همانا پاسداری از اسلام و جمهوری اسلامی و نقد مشکلات درون خانواده است و درنهایت هنرمندان را پاسداران واقعی و راستین فرهنگ ایران زمین می‌داند. می‌خواهم سخنانم را با عین یکی دیگر از جملات ایشان به پایان برسانم. ایشان می‌گویند: هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله‌بار مسئولیت و امانتشان را بر زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر (همان چیزی که مقام معظم رهبری فریاد می‌زنند تولید و هویت ملی و اتکا به خود) و تنها و تنها در چارچوب مکتبشان به حیات جاویدان رسیده‌اند. این چیزی است که امام از هنر و هنرمند توقع دارد.

مهندس حیدریان: با سپاس از شما. از سخنان دکتر آشنا استفاده کردیم. من منتظر شنیدن دیدگاه‌های دیگر دوستان هستم. آقای انصاری در خدمت شما هستیم.

دکتر انصاری: موضوعی که گمان می‌کنم بد نباشد به آن پردازیم، موضوع اقتصاد از نگاه حضرت امام است. از دید من ایشان از هنگامی که انقلاب پیروز شد به اقتصاد نگاه ویژه‌ای داشتند و اگر بتوانیم به این موضوع به‌درستی پردازیم، می‌توانیم تحلیل بهتری از سینما و هنر داشته باشیم. نگاه

امام به اقتصاد نگاهی توحیدی بود. ما اوایل انقلاب سینمای بهداشتی و پاک را ایجاد کردیم و توانستیم به‌مرور در آن موفق شویم، اما به‌باور من از جایی اقتصاد نئولیبرالیستی در کشور ما خود را نشان داد و روابط تولید در زمینه سینما مسلط شد. البته نمی‌خواهم از سینما به‌عنوان روبنا یاد کنم، اما عامل سرمایه بر روی فرهنگ و هنر ما تأثیر گذاشت. سینمایی که در آغاز و میانه انقلاب کارگردان‌محور بود و به‌عنوان عاملی در راستای اهداف انقلابی از آن استفاده می‌شد و یکی از عوامل هنر معناگرا بود، کم‌کم از کارگردان‌محوری به‌سوی بازیگر‌محوری و سپس به‌تهیه‌کننده‌محوری و امروز به سرمایه‌گذار‌محوری رسیده است. اصالت سرمایه و بودن سرمایه نئولیبرال اصلاً جالب نیست و سبب شده ثروت و سرمایه اصل تولید را در مناسبات هنری و سینما در دست داشته و در آن تعیین‌کننده باشد.

هنگامی که سرمایه نئولیبرال بر روابط تولید و روابط فرهنگی حاکم می‌شود، فشاری وارد می‌کند که سبب می‌شود پول در قلب همه‌چیز قرار بگیرد. نخستین خواسته سرمایه‌گذار چیست؟ در وهله نخست، بازگشت پول و سرمایه‌اش را انتظار دارد و اینجاست که تولیدات کشور به‌سوی تولیدات زرد و هنجارشکن و روشنفکری سیاه‌نما حرکت می‌کند. به‌باور من، حضرت امام می‌خواست سینما در خدمت انقلاب باشد.

با حاکم‌شدن روابط تولید در سینما، برخی از هنرمندان و سازندگان فیلم‌ها تصور کردند باید از این سینما فاصله بگیرند و سکوت کنند. گمان می‌کنم اگر می‌خواهیم سینمای فرهیخته انقلابی و معناگرایی داشته باشیم که ترویج‌کننده آرمان‌های انقلاب و در خدمت آن باشد، باید برخلاف تمام تولیدات کنونی و شعارها و ادعاهای روشنفکری‌ای که امروز می‌بینیم و می‌شنویم عمل کنیم. بایستی برخلاف این ادعا که می‌گویند سینمای رانتی و دولتی و ارگانی را کنار بگذاریم و به آن‌ها سرمایه ندهیم دست‌کم در حوزه فرهنگ کوشش کنیم سرمایه را در اختیار خود داشته باشیم و آن را از سرمایه نئولیبرالیستی خالی کنیم. اگر این کار را انجام ندهیم، ما نیز همان

راهی را ادامه خواهیم داد که دیگر کشورها رفته‌اند؛ چنان‌که امروز در دنیا سرمایه حرف اول را می‌زند و فرهنگ را تعیین می‌کند. به باور من، سازمان سینمایی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تمام نظام باید به این موضوع فکر کنند و به هر شکلی که شده روابط تولید و پول را در اقتصاد سینما، در عین حال که بسیار مهم است و باید اقتصاد خلاق وجود داشته باشد و فعالیت کند، مدیریت کنند و انحصار خود را از دست ندهند و آن را نگه دارند و شماری سرمایه‌گذار با سرمایه‌های مشروع را وارد این میدان کنند و اجازه ندهند فرهنگ ما را سرمایه تعیین کند. به گمان من، داشتن نگاهی اینچنینی برای فرهنگ ما بسیار مهم است. با سپاس از شما.

حیدریان: با سپاس از شما. از صحبت‌های ایشان هم بهره بردیم. در خدمت آقای سلیمی هستیم.

دکتر سلیمی (سازمان حج و زیارت): آیا اندیشه‌های حضرت امام که ما امروز در مورد ایشان سخن می‌گوییم می‌تواند در قالب یک کتاب آکادمیک دانشگاهی برای دانشجویان رشته هنر قابل استفاده باشد؟ به این معنی که ما از اندیشه‌های حضرت امام کتابی ۱۵۰ تا ۲۰۰ صفحه‌ای داشته باشیم و آن را در دانشکده‌های سینما و تئاتر و ادبیات نمایشی تدریس کنیم و به دانشجویهایی که مشغول مطالعه مثلاً آلفرد هیچکاک و برگمان هستند، کتابی درخصوص دیدگاه‌های حضرت امام ارائه دهیم. یا این‌گونه نیست و سخنان و نظرات ایشان به نکات سلبی و ایجابی اخلاقی منتهی می‌شود. این پرسشی است که دارم. مقاله‌ای در مورد علامه جعفری نوشته‌ام. همان‌گونه که می‌دانید، شرح مثنوی و همچنین شرح نهج البلاغه نام تمام علامه جعفری و دیگر آثارشان نزدیک به ۵۰ جلد است. برای من جالب بود که می‌دیدم ایشان از تولستوی و ویکتور هوگو و بسیاری دیگر از نویسندگان دنیا در تبیین دین و حتی تشریح احادیث و آیات و در سوی دیگر در شرح مثنوی استفاده می‌کنند و شاهد مثال می‌آورند. او کسی است که بینوایان و مردی که می‌خندد و بسیاری دیگر از کتاب‌های مطرح دنیا را بسیار خوب خوانده است و در مورد آن‌ها می‌داند.

بنابراین ما می‌توانیم این مسائل را برای دانشجویان به صورت عینی بیان کنیم. بسیاری موارد، مانند هنر متعالی در دیدگاه‌های علامه جعفری و امام مشترک است. به عبارت دیگر، باید بدانیم چه موضوع تازه‌ای را می‌توانیم در دانشگاه بیان کنیم. برای نمونه، حضرت امام چه چیزی گفته است که در سخنان علامه جعفری نیست، یعنی چه چیز عینی‌تری وجود دارد. به یاد دارم حضرت امام به یکی از خانه‌های بازیگر سریال آئینه تذکر داده بودند که حجاب خود را بهتر کنید، پس این مسائل در مقایسه با مفاهیم انتزاعی، عینی‌تر هستند.

اگر بخواهیم ساختار وزارتخانه را مورد بررسی قرار دهیم، کارهای فراوانی انجام شده است و دوستان هم در صحبت‌های خود به آن‌ها اشاره کردند. از دید من، در حوزه هنر و سینما برخی از زیرمجموعه‌های مستقیمی که در وزارتخانه داریم مشخص هستند، اما برخی دیگر از زیرمجموعه‌ها مانند سازمان حج و زیارت یا اوقاف و دیگر نهادها شاید به صورت مستقیم تولید هنری نداشته باشند، اما می‌توانیم مدل‌های گوناگونی به وجود آوریم. فعالیت‌های همیشگی و دائمی شما در حوزه هنر و سینما یا کارها و فعالیت‌هایی که عزیزان و دوستان ما در اوقاف و در امامزاده‌ها انجام می‌دهند، شاید بتوانند در اختیار نشریات علمی و تخصصی داخلی خود ما گذاشته شود یا بتوان از طریق سایت اسناد و آرشیوی که عکس‌ها و آثار و نمایشنامه‌های مناسب در آن آپلود شود (و شاید هم وجود دارد) آن‌ها را ارائه داد. اما اطلاع‌رسانی در این زمینه مناسب نبوده است. بایستی تمام این آثار جمع‌آوری و ویرایش شود تا مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و دیگر نهادها و ارگان‌ها بتوانند با خروجی‌های بهتری فعالیت‌های خود را پیش ببرند و همکاران خوبی را که در مراکز گوناگون هستند، شناسایی کنند و ایده‌ها و سخنان آن‌ها را بشنوند. از دید من باید روی این موضوع کار کرد.

از دوستان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم درخواستی دارم؛ درخواستی که دانشجویها نیز بارها از من خواسته‌اند درباره آن بی‌پرده سخن بگویم:

همان‌گونه که می‌دانید، پلاتو جایی است که دانشجویان در آنجا تمرین می‌کنند تا پس از آن نمایشی را به صحنه ببرند. اگر وزارت ارشاد بتواند در تهران و دیگر شهرها این پلاتو را در اختیار دانشجویان قرار دهد، کار بزرگی کرده است. برای نمونه، در کرج بازیگران بسیار با استعدادی داریم که چون قیمت اجاره پلاتو بسیار بالاست به جاهایی می‌روند که فضای اخلاقی خوبی در آنجا حاکم نیست. بنابراین، اگر وزارت ارشاد بتواند به دانشگاه‌های هنر سراسر کشور اطلاع‌رسانی کند و پلاتوها را برای تمرین هنرجویان با قیمت اندک در اختیارشان قرار دهد تا از این طریق بستر اخلاقی بهتری فراهم شود، گمان می‌کنم نگرانی خانواده‌ها نیز درباره روابط میان خانم‌ها و آقایان حین تمرین از بین برود. این موضوع همچنین سبب می‌شود پلاتوهای سیاهی که از وجود آن‌ها بی‌خبریم، بدون مشتری و بدون استفاده باقی بماند. گاهی وزارت ارشاد پلاتوهایی در استان‌های گوناگون دارد که سال‌ها بدون استفاده مانده است، اما آن‌ها را به دانشگاه نمی‌دهد. همان‌گونه که می‌دانید، دانشجویان درآمدی ندارند، پس بد نیست این امکانات را با قیمت‌های اندک یا به‌صورت رایگان در اختیارشان بگذاریم تا زیرنظر خود ما کار کنند. این کار بسیار مؤثر است. از تمام دوستان قدردانی می‌کنم.

مهندس حیدریان: آقای دکتر سلیمی گرامی و عزیز، با سپاس از شما و مطالب خوبتان. از آن‌ها هم استفاده کردیم. شما از مرحوم علامه جعفری گفتید. من زیبایی‌شناسی و درک آن را در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ خدمت ایشان و در منزلشان گذراندم. بنابراین به طبع و روش و تسلط ایشان آگاهم و همواره از این همه آگاهی به مبانی و به‌ویژه آثار ادبی دنیا به وجد و هیجان می‌آمدم. برای نمونه، این‌که بتوانید در یک کتابخانه هشت تا ده هزار جلدی کتابی را بیرون بکشید و صفحه مشخصی را باز کنید و به بخشی از آن اشاره کنید، به‌راستی شگفت‌انگیز است و این هم هدیه و عطیه‌ای بود که به ایشان داده شده بود. اگر بخواهم دیدگاه خود را در مورد سخنان شما بیان کنم، باید بگویم که شمش‌سازی و انگشترسازی، هر دو شأن خود را دارند. هر کسی نمی‌تواند

شمس یا انگشتر بسازد. ما از برخی اندیشمندان توقعات خاصی داریم. برخی وظیفه و توانایشان در تولید شمش است؛ همان‌گونه که نباید آن‌ها را به ساخت انگشتر آورده و تنزل دهیم، چنان که شاید هم نتوانند اصلاً چنین کاری را انجام دهند. از سوی دیگر، بزرگانی هم هستند که شمش‌ها را به کالاهایی بدل می‌کنند که قشر گسترده‌تری از جامعه می‌توانند از آن بهره ببرند. آقای دکتر آشنا در مورد امام اشاراتی داشتند و در مورد آثار و مواردی که در خاطرات شفاهی آمده است، سخن گفتند. امام وارد مباحثی با عنوان نمونه و مصداق می‌شوند، اما با تعریفی که از هنر در دنیا وجود دارد، اختلاف نظر و زاویه دارند و جایگاه و وظیفه دیگری برای هنر قائل هستند. اگر بخواهم سخنان شما را جمع‌بندی کنم، پیشنهادی که شد دلیل دیگری بر ضرورت جمع‌آوری تمام مطالبی است که از امام در حوزه هنر و مبانی آن باقی مانده است و ارزش آن به‌یقین مبنایی‌تر و اساسی‌تر از نمونه‌ها و مصادیق است. به این معنا که ما به دانشجویان نظام ارزیابی و ارزشیابی را ارائه می‌دهیم و این نافی و جایگزین آن مصادیق نیست. هر چیزی جای خود را دارد. بنابراین سخنان شما را در راستای تقویت این پیشنهاد قرار می‌دهم که حتماً در مورد امام باید ظرفیت‌هایی را که در بینش و نگاه و منظومه فکری و اندیشه ایشان در حوزه فرهنگ و هنر وجود دارد، به‌گونه‌ای کشف کنیم و آن‌ها را به پژوهشگران و نویسندگان ارائه کنیم تا از آن‌ها در آموزش آکادمیک بهره ببرند.

دکتر سلیمی به دو مطلب اشاره کردند. مطلب دوم ایشان به صورت مشخص ناظر بر این بود که می‌توانیم دانشجویان را که هنرمندان حرفه‌ای آینده ما هستند با طراحی گلوگاه‌هایی برای ارتباط بیشتر با آن‌ها، مانند امکان استفاده از امکاناتی که ارشاد در اختیار دارد نظیر پلاتوها و مانند آن، وارد فضای آموزشی خود با معنای کلان‌تر کنیم و ارتباط دوستانه‌ای با آن‌ها برقرار کنیم.

جمع‌بندی

دکتر حسینی: آنچه گفتید پاسخ جامع و کاملی بود که نیازی به توضیح من

ندارد، اما آنچه من به آن اشاره کردم این است که اگر هنر را فرصت تلقی کنیم و به آن نگاه آسیب‌شناسانه داشته باشیم، می‌توانیم خود را به وضعیت مناسب و مطلوبی برسانیم. یکی از راه‌ها، بررسی همین مسائل است. امروز می‌بینیم که حلقه‌های آموزشی و اجرایی ما در کشور از هم جدا هستند، یعنی هنرمندانی که در دانشگاه‌ها به آموختن مشغول‌اند، شاید نسبت گسترده‌ای با عرصه فعالیت هنری، آن‌چنان که در جامعه می‌بینیم، نداشته باشند. حتی بسیاری پس از پایان تحصیلات دانشگاهی خود در کلاس‌های آموزشی غیررسمی شرکت می‌کنند تا مهارت‌های افزونتری بیاموزند و بتوانند در صحنه هنر فعالیت گسترده‌تر و بیشتری داشته باشند. یکی از دلایل این امر این است که میان دستگاه‌ها اتصالی وجود ندارد و ارگان‌های گوناگون خود را جدا از یکدیگر تعریف می‌کنند. یعنی مثلاً چون من در دانشگاه یا وزارت علوم هستم به صلاحدید خود تصمیم می‌گیرم و نیازی نمی‌بینم با وزارت فرهنگ و ارشاد همکاری داشته باشم و کار خود را پیش می‌برم یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به این دلیل که مأموریت‌ها و تکالیف قانونی خود را دارد، شاید خود را ملزم نداند به وزارت علوم بگوید دروسی که امروز در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود به بازنگری نیاز دارد. تولید منابعی از این قبیل که در سخنان دوستان بود و آنچه از گفته‌های امام خمینی باید در قالب‌های جدیدی در مورد موضوع هنر تدوین شود و دستاوردهای نظری و حکمت‌آمیزی که در میان دیگر اندیشمندان روزگار ما و فرهنگ کشور ما در دیگر اعصار وجود دارد، مسئله‌ای اساسی است. برای مثال، دیدگاه‌های مرحوم علامه جعفری و حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی و دیگر بزرگان اهمیت اساسی دارد.

فرض کنید تمام این مطالب سامان پیدا کرد و جمع‌آوری و منتشر شد، آن وقت باید تکلیف خود را روشن کنیم که آیا می‌خواهیم از این مطالب به‌عنوان منابع مطالعاتی آزاد استفاده کنیم یا قصد داریم آن‌ها را عیناً در آموزش عالی به‌عنوان درس مطرح کنیم تا همه موظف باشند آن‌ها را به‌عنوان منبع مطالعه کنند. همچنین می‌توانیم علاوه بر این که آن‌ها را به‌عنوان منبعی برای

مطالعه معرفی کنیم؛ و بنیان‌های فکری آن‌ها را در دیگر دروس جاری کنیم. چرا هنر تعزیه ما از چند هنر تشکیل شده است و این سرمایه به چه صورت قرار است به یک اثر امروزی تبدیل شود؟ برای این که بتوانیم به این نحو از تبدیل مسلط شویم، باید بنیان‌های فکری تعزیه را بشناسیم و از ظاهر آن عبور کنیم. به باور من، بزرگ‌ترین دستاورد بدون‌شدن این منابع می‌تواند بهره‌گیری از آن‌ها در سلسله آموزش‌های ما باشد. در مرتبه بعد، آن‌ها می‌توانند به‌عنوان منبع درسی مطرح شوند و در مرتبه دیگر، هرکسی می‌تواند از این منابع به‌صورت آزاد و به‌عنوان منبع مطالعاتی بهره‌گیرد.

در جمع‌بندی، این موضوع را هم می‌افزایم که تهیه منابع درسی‌ای که بتواند در سطوح گوناگون آموزش آکادمیک مورد استفاده قرار گیرد، ضرورت دارد. درعین‌حال، این تألیفات می‌تواند به‌عنوان منابع آزاد برای ترسیم کردن راه‌هایی برای تلاقی دادن حوزه‌های نظر و عمل و درنهایت بهره‌گیری از آن‌ها در تولید آثار هنری مورد استفاده قرار گیرد، به‌صورت کلی، در آموزش‌های رسمی کشور اعم از آموزش و پرورش و عالی و دیگر مراکز آزاد آموزشی. از نکاتی که دوستان به آن اشاره کردند، جمع‌بندی‌ای ارائه می‌دهم و به‌عنوان دیدگاه و نظر کارگروه آن را ارائه می‌کنم. باتوجه‌به تعریفی که از امام داریم، می‌دانیم که ایشان یک شخصیت علمی چندبعدی است. ایشان فقیه و عارف و فیلسوف است و تمام این ویژگی‌ها را در قالب یک رهبر انقلاب دارد. عنوان حاکم و حکمران شاید جسارتی به ایشان باشد، چراکه امام از این مسائل به‌دور و بسیار لطیف و عمیق بودند. اما به‌عنوان یک رهبر مؤسس انقلاب باید ویژگی‌های علمی ایشان مورد بازشناسی و تعریفی دیگر باره قرار گیرد تا بتوانیم سرچشمه آرای ایشان را در حوزه فرهنگ و هنر کشف کنیم. باید بدانیم رهبری که قرار است جامعه‌ای را در دنیای کنونی اداره کند و ضوابط اداره آن را در کلان‌ترین سطح آن تعیین کند، چرا در مورد سینما و هنر و تئاتر و دیگر موارد و هنرمند این‌گونه می‌اندیشد. ایشان هنگامی که می‌خواهند بیان‌کننده مطلبی حکمی باشند، از ابزاری به نام شعر بهره می‌برند و قالب شعر، قالب ایشان می‌شود. بنابراین، بازشناسی مبانی اندیشه‌ای امام در

راستای تبیین آرا و دیدگاه‌های ایشان در حوزه فرهنگ و هنر، جزو کارهایی است که تاکنون انجام نشده است و باید انجام شود.

نکته بعدی این است که ظرفیت‌های این آثار بازگو نشده است. به عبارت دیگر، باید مجدداً تمام این آثار را بررسی و نقد و تحلیل و تشریح کنیم تا متوجه شویم کدام‌یک از اندیشه‌های امام توانسته است صورت فرهنگی و هنری پیدا کند و عرضه شود. این مسئله سبب می‌شود دیگر هنرمندان تشویق شوند تا از این سرچشمه بهره ببرند و بنوشند و در تولید آثارشان از آن‌ها استفاده کنند. همچنین می‌توان جشنواره‌ای را که در گذشته وجود داشته است، ادامه داد. تاجایی که به‌یاد دارم این جشنواره هر دو سال یک‌بار برگزار می‌شد. به باور من، حتی اگر در هر تغییر دولت، یعنی هر چهار سال یک‌بار، و در سال سوم آن جشنواره جامعی برگزار کنیم؛ هم فرصت برای تولید آثار ایجاد می‌شود و هم تعدد آثار به ما کمک می‌کند تا انتخاب ما از میان آثاری با محتواهای مناسب‌تر صورت گیرد. این‌گونه در هر دولت یک دوره برگزار می‌شود و در آن آثار فرهنگی و هنری‌ای را بررسی می‌کنند که از آثار و اندیشه‌های امام برگرفته شده است و این می‌تواند در به‌روزر کردن توجه ما به ایشان مؤثر باشد.

آقای انصاری در مورد یک نکته اقتصادی سخن گفتند. بر اساس گفته‌های ایشان به این نتیجه می‌رسیم که باید از حوزه خلاقه و کسانی که بخواهند در این منظومه فکری و اندیشه‌ای کار کنند، حمایت بیشتری کنیم تا اسیر تعیین تکلیف حوزه اقتصادی صرف نشوند و امکان فعالیت برایشان فراهم شود. البته باید مراقب این موضوع باشیم که از این امر تلقی این‌چنینی نشود که مهم نیست این آثار دیده یا شنیده یا خوانده شوند. باید از اثری حمایت کنیم که دارای ویژگی‌هایی منحصر به فرد باشد. اگر سخنان آقایان آشنا و سلیمی را با هم ادغام کنیم به این نتیجه می‌رسیم که اندیشه‌های امام نیازمند تقریر و تفسیر و تفصیل است. ما در بازنگری آن‌ها باید به منابع نظری مبتنی بر ویژگی‌های چندگانه امام در حوزه‌های گوناگون علمی و معرفتی دست پیدا کنیم تا به مکتوبات و تألیفات می‌رسیم که از سوی عموم و

دانشجویان و دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد. باید در تمام این‌ها به یک نکته توجه کرد و آن هم این است که آرا و اندیشه‌ها و افکار امام را آن‌گونه که خود ایشان اقتضائات زمان را در آن لحاظ می‌کردند، به همان صورت تحلیل و تفسیر و برای استفاده امروز تبیین کنیم. باید دقت کنیم که مخاطب و جوان و هنرمند امروز ما می‌خواهد از این اندیشه‌ها بهره‌گیری کند، بنابراین کسی که مأمور این کار است باید به این موضوع دقت کند. نکته پایانی نیز این که جایگاه و توفیقاتی که هنر پس از انقلاب پیدا کرده است تا حدود زیادی مرهون افکار و اندیشه‌های امام و پس از آن مقام معظم رهبری است. امام و آقا تأکید دارند که مؤثرترین و فراگیرترین بیان و زبان برای انتقاد و تعریف آرا و عقاید ما، هنر است و ما هم که در کشور از شمار فراوانی از هنرمندان برخورداریم، باید به آن توجه بیشتری داشته باشیم و آثاری را بر مبنای این موارد تهیه و تولید کنیم و در خارج از کشور و در میان صاحبان آثار و باورها و عقاید نشر دهیم تا بتوانیم کرسی معرفتی خود را با زبان هنر تثبیت کنیم و همواره آن را به‌روز نگه داریم.

پنل دوم

نقش مردم در سلامت حکومت از منظر امام خمینی (ره) و ظرفیت فضای مجازی برای تحقق آن



دبیر پنل

دکتر محمد رضا بهمنی

مشاور وزیر در امور فرهنگی و رئیس مرکز توسعه

فرهنگ و هنر در فضای مجازی

سخنران مکمل: دکتر رضا عیسی نیا

دکتر محمد رضا بهمنی: محور نخست در کارگروه فضای مجازی، ناظر به این موضوع است که در مقام تبیین اندیشه‌های حضرت امام دو راهبرد کلان می‌تواند وجود داشته باشد؛ شناخت و کاربرست اندیشه‌های ایشان در میدان عمل. تبیین اندیشه‌های حضرت امام (ره) مقدمه کاربرست است، اما نباید امام‌شناسی محدود به تبیین اندیشه‌ها شود.

در مقام کاربرست اندیشه‌های امام (ره) الزاماتی وجود دارد که باید آن‌ها را مورد توجه قرار داد. از جمله این موارد، الزامات حقوقی، ساختاری، فرایندی و مدیریتی و برنامه‌ای است. تحولات فضای مجازی، تعریف و کارکرد تبیین در این حیطه را دچار تغییر و تحول کرده است. برخی ویژگی‌های این تحولات شامل افزایش شفافیت فضای مجازی، دسترسی آزاد به اطلاعات در همه لایه‌های حاکمیتی، زمینه‌سازی شکل‌گیری اتاق‌های شیشه‌ای و شبکه‌ای شدن مناسبات بوده است. فراهم‌شدن امکان نقد و نظارت از جمله دیگر ویژگی‌های تحولات فضای مجازی است. مسئله دیگر در این تحولات، تبدیل شدن مخاطب به کاربر است. مردم از جایگاه مخاطب صرف بودن به کاربر ارتقا یافته‌اند. این‌ها مقدمه

ورود به تبیین اندیشه‌های حضرت امام در این حیطه بوده است. ازجمله ارکان تبیین اندیشه‌های امام در ذیل این کارگروه، ضرورت بازخوانی اندیشه ایشان در موضوع نقش مردم در سلامت حاکمیت بوده است. براساس این اندیشه، نظریه خادم-مخدوم مورد توجه قرار گرفت. همچنین در این راستا، باید مشارکت مردم در شکل‌گیری و اداره حکومت و اساساً مشارکت‌کنندگی و مشارکت‌شوندگی به‌طور جداگانه مورد توجه قرار گیرد. موضوع مشارکت مردم بسیار موردتوجه امام بود، تاآنجاکه کم‌توجهی و بی‌اعتنایی به مشارکت مردم را در رده‌گناهان کبیره قلمداد کرده‌اند. این مشارکت شامل همه امور و همه عرصه‌هاست و فراگیری مشارکت در اندیشه ایشان را نشان می‌دهد. در این حوزه، مجموعه‌ای از مفاهیم پایه ازجمله امر به معروف و نهی از منکر و ضرورت نظارت از مسیر همراهی یا عدم‌همراهی و ارجاع به دستگاه‌های قضایی وجود دارد. همچنین مطالبه‌گری از کارگزاران، مفهوم پایه‌ای دیگر و مؤلفه‌ای اساسی است و ضرورت تعامل محبت‌آمیز در جامعه در بخش مطالبه‌گری قابل‌رديابی در اندیشه‌های امام است.

برای تبیین اندیشه امام (ره) در عرصه فضای مجازی و ابعاد و ارکان ضروری آن، می‌توان مؤلفه‌هایی همچون کاربرست ظرفیت‌های فضای مجازی برای ارتقای نقش مردم در حوزه فرهنگ را موردتوجه قرار داد. همچنین ضرورت ساختارسازی، کاربرست ظرفیت‌های پلتفرم‌ها در فضای مجازی برای جلب مشارکت مردم، ضرورت ارتقای شفافیت در حوزه فرهنگ، ضرورت جمع‌سپاری در مؤلفه‌های حوزه فرهنگ، ضرورت بازگشایی و رفع انحصار و ضرورت مشارکت‌جویی در مصارف فرهنگی از سایر مؤلفه‌ها در این حیطه است.

در ادامه این اجلاس، دکتر رضا عیسی‌نیا، سخنران مکمل کارگروه فضای مجازی در سخنان خود به موضوع نقش مردم در سلامت حکومت از منظر امام خمینی و ظرفیت فضای مجازی پرداخته و بیان داشت: محورهایی که در این جلسه دنبال خواهیم کرد، عبارت‌اند از:

۱. حمایت و تقویت ایده ارائه‌شده توسط دکتر بهمنی
 ۲. ایضاح مفهومی از برخی از مفاهیم
 ۳. بیان نکاتی درباره امام خمینی و فضای مجازی
 ۴. بحث اصلی یعنی تبیین جایگاه و نقش مردم در سلامت حکومت در اندیشه امام و ظرفیت‌های فضای مجازی.
- رابطه حکومت و مردم، رابطه خادم و مخدومی است. چون حکومت از آن مردم است؛ آن‌هم از طریق مشارکت در تصمیم و اجرا، نظارت همگانی و مطالبه‌گری از خدمات و پاسخ‌خواستن از کارگزاران. بنابراین اگر این قاعده رعایت شود، سلامت حکومت هم باقی می‌ماند. برای این که قاعده رعایت شود، فضای مجازی می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند. پس امروز، برای حفظ و تداوم سلامت حکومت باید از ابزار به نام فضای مجازی استفاده کرد، زیرا فضای مجازی در تقویت کارکرد مشارکتی مردم در حکومت نقش به‌سزایی دارد.
- چرا؟ چون شفافیت فضای مجازی موجب: ۱. تسهیل پاسخگویی؛ ۲. تسهیل نظارت؛ ۳. دسترسی آزاد به اطلاعات؛ ۴. ایجاد اتاق‌های مدیریت شیشه‌ای؛ ۵. افزایش مناسبات از سلسله‌مراتب ارتباطی؛ ۶. افزایش قدرت شبکه‌ها در مقابل ساختارهای حکومتی؛ ۷. امکان طرح نقد و بیان دیدگاه‌های مردم به صورت مستقیم؛ ۸. نقش فعالانه‌تر کاربر (نه مخاطب) در دریافت آرای مردم و اعمال نظر آنها در امور خرد و کلان؛ و ۹. افزایش توان مطالبه‌گری مردم می‌شود.
- دکتر عیسی‌نیا محورهای بحث خود را چنین برشمرد:
- الف. ایضاح مفهومی از برخی از مفاهیم مانند: ۱. مردم، ۲. حکومت یا دولت، ۳. فضای مجازی، و ۴. نقش مردم یا مراد از نقش مردم.
 - البته قبل از تعریف مفاهیم لازم به یادآوری است اگرچه مفاهیم در سخنان امام خمینی به صورت تخصصی بیان نشده است، ولی ظرفیت بهره‌گیری تخصصی از آن وجود دارد.

مردم یا ملت یا شهروند

ملت: ملت یعنی چه؟ ملت یک مفهوم سیاسی- فرهنگی منطبق بر قراردادهای اجتماعی است. مثلاً اگر قراردادهای دوران قاجار نبود، الان افغان‌ها، ازبک‌ها، تاجیک‌ها، ارمنی‌ها، گرجی‌ها و دیگر ایالات جداشده از ایران نیز ملت ایران محسوب می‌شدند. ابوالحمد می‌نویسد: اگر همیشه تجمع افراد انسانی را می‌توان مردم نامید، اما هر گروه مردم، ملت نیست. مردم نام عام است برای هر گروه اجتماع انسانی و یک پدیده طبیعی- تاریخی است.

● مفهوم ملت گاهی گسترده‌تر از مفهوم مردم است و گاهی هم تنگ‌تر است. مثلاً مردم فارس و مردم آسیا با تأکید بر جنبه اعتقادی گروه‌های انسانی البته در مقابل امت (با تأکید بر جنبه عمیق ایمانی و اخلاقی گروه‌های فراسرزمینی).

● مردم: با تأکید بر جنبه سرزمینی و اقلیمی گروه‌های انسانی (تفاوت مفهوم مردم با شهروندی: روسو در این باره می‌گوید: آن آحاد و افرادی که در زیر چتر این همبستگی اعتباری (حکومت) قرار دارند، در صورتی که به گونه‌ای دسته‌جمعی مورد ملاحظه قرار گیرند، نام مردم را دربر خواهند گرفت و اگر به آنان از دیدگاه آحاد و افراد حقیقی نظر افکنده شود، شهروندان^۱ به حساب می‌آیند.

نقش مردم (اعم از وظیفه مسئولیت و حق)

مثلاً مقوله نظارت، از عناصر و ابعاد حقوق و به تعبیری از مسئولیتهای شهروندی است. از نظر مفهومی، نظارت عمومی یکی از حقوق و درعین حال از مسئولیتهای شهروندی است و از طرف دیگر فرآیند، راهکار یا وسیله‌ای است که از طریق آن شهروندان بتوانند آنچه را در قوانین و الزامات برای تأمین اهداف جمعی و حفظ سیستم مشخص کرده‌اند، عملی سازند و از طریق نظارت همگانی، کار را برای کارگزاران، نهادها و سازمان‌ها تسهیل کنند.

1. people

2. citizen

حکومت یا دولت

وقتی می‌گوییم نقش مردم در سلامت حکومت، بنابراین:

۱. ابتدا باید دید دولت یا حکومت چیست؟ با عنایت به پیچیدگی این مفهوم و خاصیت کفش سیندرلابی داشتن آن می‌توان آن را این‌گونه تعریف کرد: امور حاکمیتی اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گشته و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود. امور حاکمیتی شامل سیاست‌گذاری، هدایت، نظارت و پشتیبانی است، لذا یک عده دولت را با افکار و ایده‌های همچون عدالتخواه، قسط و عدل، امت‌محور، حکومت عادلانه دینی، ولایت‌محور و نظایر اینها دنبال می‌کنند و عده‌های نیز حامل ایده‌هایی همچون قانون، دموکراسی، تفکیک قوا، آزادی، حقوق شهروندی و... بوده و هستند.

خلاصه این‌که دولت یا حکومت با رویکردهای چهارگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یعنی رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، حقوقی و فقهی و چهارم، رویکرد تاریخی.

۲. در چه نوع حکومتی یا دولتی مردم می‌توانند نقش ایفا کنند و به چه میزان می‌توانند به نقش خود پردازند؟ سه نوع دولت یا حکومت می‌توانیم نام ببریم که نقش مردم در آن مشخص است. الگوی آهنین یا الگوی همانندسازی (یعنی تضادی با درجه بالای فشردگی)؛ ۲- الگوی ژلاتینی یا الگوی تکثرگرایی نابرابر (فشردگی بسیار پایین را به‌نمایش می‌گذارد)؛ ۳- الگوی اسفنجی یا الگوی تکثرگرایی (می‌بین فشردگی متوسط و پرانعطاف است). در این الگو فرد به‌دلیل تعلق به منافع مختلف در گروه‌های متعددی عضویت دارد و وفاداری‌های چندگانه افراد و ارتباط و همبستگی چندجانبه بین گروه‌بندی‌های اجتماعی، از شدت شکاف‌ها و منازعات هویتی و گروهی می‌کاهد. الگوی دولت اسفنجی یا تکثرگرایی را مشی خود قرار داده است تا بر اساس آن، هویت‌های موجود را بدون انحلال در خود به‌رسمیت بشناسد.

۳. آیا نقش مردم را می‌توان با چپستی کارویژه‌های دولت دنبال کرد؟ تا نقش مردم در آن کارویژه مشخص شود وقتی می‌گوییم مردم نقش دارند یعنی وظیفه یا مسئولیت دارند یا حق دارند معمولاً یکی از وظایف دولت را در ایجاد و حفظ امنیت نام برده‌اند. از اینرو سؤالی که قابل طرح است این است که؛ امنیت چه و چه چیزی؟ آیا امنیت به معنای حفظ جان و صیانت نفس است که در آثار هابز دنبال میشود یا به معنای حفظ اموال و دارایی که در آثار لاک تعقیب میشود یا علاوه بر حفظ جان و اموال، دولت موظف است ابعاد دیگری از امنیت را ایجاد و حفظ کند؟ آیا وقتی می‌گوییم دولت موظف است که امنیت اجتماعی را تأمین کند، یعنی دولت باید ورود پیدا کند در حوزه‌های ۱. اقتصادی (یعنی تأمین شغل، مسکن، رفاه، جلوگیری از تورم زیاد، رفع فقر)، ۲. در حوزه سیاسی و اداری (یعنی مشارکت سیاسی در قالب احزاب، مطبوعات، گروه‌ها و سندیکاها و برخورد مناسب ادارات با مراجعان)، ۳. قضایی و حقوقی (پایمال نشدن حقوق افراد در دادگاه‌ها)، و ۴. فرهنگی و اجتماعی (ازدواج، هنر و برآوردن استعدادها).

ب. بیان نکاتی درباره امام خمینی و فضای مجازی

درباره فضای مجازی باید اظهار کنیم که ما تحت تأثیر تکنولوژی قرار گرفته‌ایم، لذا باید شاهد تغییری در سبک زندگی‌مان باشیم (جهان زیست و همه تصوراتمان تغییر می‌یابد، البته تدریجی) سبک زندگی^۱ و هم مهارت زندگی^۲ مان مجموعه آداب و رسوم، فرهنگ و اعتقادات و ارتباطات. تکنولوژی و انقلاب اطلاعات سبک زندگی را دچار تغییر کرد و زندگی را از دنیا مدرنیته به دنیای پسامدرن تغییر داد. چون از تلویزیون که ابزار دنیای مدرنیته بود و یا دولت-ملت را که برای زمان مدرنیته بود به ماهواره و اینترنت برای پسامدرن و جهانی شدن و گسترش حقوق بشر به جای شهروندی را در این دوره شاهد هستیم. همچنین متون و نظریه‌های سیاست باتوجه به حرکت به سمت عصر اطلاعات دچار تغییراتی شده‌اند.

1. Life Style

2. Life Skills

۱. امام خمینی را در کدام دسته و از چه منظری تحلیل می‌کنیم؟ آیا در دسته الف. اندیشمند، ب. رهبر انقلاب امام چه اندیشمند و چه رهبر باشد، بر تاریخ حک شده است. چرا؟ چون جمهوری اسلامی ایران یعنی نظام سیاسی‌ای که مردمش با حضور در همه‌پرسی فروردین ۱۳۵۷ آن را با اکثریت ۹۸/۲ درصد رأی مثبت آفریده و مستقرش کردند و بعد از آن دولت‌های هفتگانه‌اش را بعد از دولت موقت یکی بعد از دیگری روی کار آوردند.

۲. آیا در قالب علم کلاسیک یا هولستیک؟ علم کلاسیک همواره وضعیت یک نظام را همچون یک کل، یعنی چیزی که صرفاً حاصل تداخل عملکردهای اجزایش باشد، مدنظر قرار می‌داد، درحالی‌که پتانسیل کوانتومی این نظریه را واژگون کرد و اعلام کرد که در واقع کل است که رفتار و عملکرد اجزا را سازمان می‌دهد. آیا اصل این است که در تحلیل وضعیت یک نظام آن را به‌مثابه یک کل بدانیم، یعنی صرفاً حاصل تداخل عملکردهای اجزایش مدنظر قرار دهیم یا آن را واقعاً کل بدانیم که رفتار و عملکرد اجزا را سازمان می‌دهد؟

۳. نوآوری‌های امام خمینی: برخی از نوآوری‌های امام خمینی عبارت‌اند از: الف. تأثیر اندیشه و فعل ایشان بر گسترش مباحث عقلی، فلسفی و عرفانی ب. تأثیر اندیشه و فعل ایشان در ورود دانش‌های جدید در حوزه‌های علمیه (مانند دانشگاه باقرالعلوم، دانشگاه مفید، مؤسسه امام خمینی) ج. بیرون کشیدن فقه امامیه از انزوای فردنگرانه و تبدیل و تغییر مجتهد و مقلد به امام امت د. توجه دادن انسان‌ها به‌خصوص ایرانیان به حقوق مردمی و این که در نظام سیاسی رأی ملت نقش اساسی را ایفا می‌کند و در نظام سیاسی میزان آرای مردم است. ح. توجه دادن به هویت اسلامی و احیای سنت پیامبر اعظم (ص).

ج. اصل بحث یعنی تبیین جایگاه و نقش مردم در سلامت حکومت در اندیشه امام خمینی و ظرفیت‌های فضای مجازی

۱. اندیشه امام و نقش مردم در سلامت حکومت

– اندیشه امام خمینی حکم بر تاریخ شده است، چون محصولش این است که متجلی در ۱۷۷ اصل از اصول قانون اساسی بازنگری شده در سال ۱۳۶۸

است. با ملاحظه تمام اصول آن می‌توان اظهار داشت: حقوق شهروندی در ۴۰ اصل مورد توجه قرار گرفته شده است که نشانگر و حکایتگر نوع حضور و مشارکت شهروندان و مردم در تعیین سرنوشت خود است.

– جمهوری اسلامی برآمده از اندیشه امام خمینی نظامی است که رأی اکثریت را محترم می‌شمرد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ۲۵۵) و مؤید آن، سخنان امام خمینی است که می‌گوید: «قهرأ مردم وقتی آزاد هستند یک نفر صالح را انتخاب می‌کنند و آرای عمومی نمی‌شود خطا بکند. یک وقت یکی می‌خواهد یک کاری بکند اشتباه می‌کند، یک وقت یک مملکت سی میلیونی نمی‌شود اشتباه بکند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ۳۲۲ و ۳۲۳)؛ «اکثریت هرچه گفتند آرای ایشان معتبر است ولو به خلاف، به‌ضرر خودشان باشد. شما ولی آنها نیستید که بگویید که این به ضرر شما است... ملت رأی داده؛ رأیی که داده متبع است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ۳۰۴).

– جمهوری اسلامی ایران براساس الگوی اسفنجی تلاش کرده است که هویت قومی، دینی و مذهبی موجود در ایران را محترم شمرده و آنان را به‌عنوان شهروندان ایرانی به‌رسمیت بشناسد. با این که ۹۸ درصد از جمعیت ایران مسلمان هستند که از این میزان، ۸۹ درصد شیعه و ۹ درصد سنی و ۲ درصد اقلیت‌های دینی و غیردینی هستند، اقلیت‌ها با جمعیت کمی که دارند بسیاری از مسائل اجتماعی و مذهبی خود را دنبال می‌کنند.

– در جمهوری اسلامی ایران؛ شهروندی بر فراز تمایزات نژادی، فرهنگی و زبانی می‌تواند تعریف شود اما بر فراز تمایز مذهبی نمی‌تواند تعریف شود و مؤید این گفتار ما قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سخنان رهبران جمهوری اسلامی ایران است. سخنان رهبری؛ با این که رهبری ایران حق رأی دادن، حق انتخاب کردن، حق فعالیت سیاسی کردن، حق تلاش‌های سیاسی کردن را در عرف اسلامی امری عادی معرفی می‌کنند، ولی درباره مشارکت‌شوندگی شهروندان در ایران این‌گونه اعلام نظر می‌کنند: «بعضی می‌گویند حق شهروندی انتخاب شدن را نایستی سلب کرد. حق انتخاب

شدن، حق شهروندی معمولی مثل حق شغل و کسب‌وکار و ساکن شدن در شهر و راه رفتن در خیابان و خریدن اتومبیل و... نیست. این یک حق شهروندی است که برای دارنده آن صلاحیت‌هایی لازم است که این صلاحیت‌ها باید احراز شود. مسئول احرازش هم فقط شورای نگهبان نیست؛ هم وزارت کشور است، هم شورای نگهبان، که باید صلاحیت‌ها را احراز کنند. در احراز صلاحیت نامزدها، خود مردم بهترین افراد هستند و بیشترین مسئولیت‌ها را دارند (سایت فارسی خامنه‌ای، ۱۳۹۲) امام خمینی نیز برای مشارکت‌شوندگی، صلاحیت و شرط معتقد بودن به جمهوری اسلامی را بیان می‌کند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، ۴۶۷).

۲. فضای مجازی؛ فرصت یا تهدید؟

فضای مجازی فرصتها و تهدیدها؛ الف. فضای مجازی در بستر مدرن و دنیای گوتنبرگی ب. فضای مجازی در بستر پسامدرن و مکلوهانی ما بحث نقش مردم در سلامت حکومت از منظر امام خمینی و ظرفیت فضای مجازی را در چه بستری می‌توانیم دنبال کنیم؟

زمانی نه‌چندان دور در حوزه علمیه قم، داشتن رادیو و خواندن روزنامه برای روحانیت از محرمات محسوب می‌شد و برخی از بزرگان حوزه آن را تحریم کرده بودند. مثلاً آیت‌الله شریعتمداری می‌گفت: ان‌شاءالله که دروغ است، ولی من شنیده‌ام که بعضی از آقایان در حجره‌هایشان جعبه دارند. ایشان حتی اسم رادیو را هم نمی‌برد. شاید اسمش را نجس میدانست. در حوزه خرید و فروش رادیو را حرام می‌دانستند. اما به تدریج رادیو در بین طلاب رایج شد. اما امروز زمان‌های شده است که اگر روحانیت به تکنولوژی روز مسلط نباشد، میدان را واگذار کرده است. آیا تکنولوژی اطلاعات به‌عنوان عامل تحول در نقش‌آفرینی مردم در سلامت حکومت نقش ایفا می‌کند؟ امروز در عصر «انقلاب اطلاعات» زندگی ههایم و در عصر اطلاعات یا عصر جوامع شبکه‌ای با دستیابی به تلفن همراه، اینترنت، رایانه، ماهواره‌ها، سیستم‌های ارتباطی بیسیم، شبکه‌های اجتماعی،

نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای دیجیتالی، وارد مناسبات جدیدی شده‌ایم و مدام در حال تحول هستیم. این عصر توانایی زیرو رو کردن مجموعه آداب و رسوم، فرهنگ و اعتقادات را دارد، چون عصر اطلاعات دارای ویژگی‌های خاصی است. پس، از آنجاکه انسان امروز به تعبیر کاستلز از جهان‌گوتنبرگ به دنیای مکلوهاون حرکت کرده، نیازمند این هستیم که پیامدهای تکنولوژی اطلاعات را در عرصه زندگی خود در نظر داشته باشیم. از اینرو در تحقیق حاضر به بررسی امکانات و فرصت‌هایی می‌پردازیم که تحت‌تأثیر این فضا به حکومت داده شده است. از اینرو همزمانی حکومتداری روحانیت یا حکومتداری منتسب به روحانیت، با انقلاب اطلاعات می‌تواند برای روحانیت در بخش‌های مختلف مسئله‌ساز شود که یکی از این بخش‌ها بخش مشارکت مردمی است. به تعبیر کاستلز، حرکت از جهان‌گوتنبرگ به دنیای مکلوهاون موجب تحولاتی خواهد شد، از جمله تحول در فرهنگ رسانه‌های جمعی، رسانه‌ای با تنوع مخاطبان انبوه و با بمباران اطلاعاتی که می‌تواند به افول مجاری مشروعیت‌بخشی همچون دولت یا حکومت منجر شود؛ بزرگ‌ترین بمباران‌های مطالب دیداری و شنیداری که بشر در طول تاریخ تجربه کرده است، چراکه هر لحظه اطلاعاتی مبتنی بر عدم قطعیت بر مخاطبان خود فرود می‌آورد؛ یا اطلاعات و محتوایی که باید با لذت همراه باشد یا روزمرگی و اهمیت داشتن اکنون و تعهدی به گذشته و آینده نداشتن و در فضای توهمی و خواب‌آلود شبکه‌های اجتماعی در حال تولید معنا و زندگی کردن. رسانه جمعی با ارائه و بمباران متنهای متکثر سیال کاری با انسان می‌کند که او را نسبت به هویت‌هایش اعم از هویت جنسیتی، قومی، مذهبی بی‌معنا و بی‌هویت می‌کند.

جمع‌بندی

دکتر بهمنی در جمع‌بندی مباحث به این نکات پرداختند:

اول) دو مرتبه و مقام در عرصه امام‌شناسی متصور هستیم:

۱. مقام شناخت و تبیین

۲. مقام کاربست

طبیعتاً شناخت مقدمه کاربست است، اما امام‌شناسی نباید محدود به مرتبه شناخت بماند.

دوم) در مقام کاربست، الزاماتی وجود دارد که باید آنها را مدنظر قرار داد. از جمله:

– الزامات حقوقی و تقنینی

– الزامات ساختاری - فرایندی

– الزامات مدیریتی - برنامه‌های

سوم) تحولات فضای مجازی، تعریف، کارکرد و ابعاد این الزامات را دستخوش تغییر کرده است.

برخی از مهمترین ویژگیهایی که الزامات کاربست اندیشه‌های امام را دچار تحول کرده است، عبارت‌اند از:

شفافیت

● شفافیت متأثر از تحولات فضای مجازی، مطالبه و نظارت را تسهیل می‌کند.

● دسترسی آزاد به اطلاعات (عملکردی و پاسخگویی) حکومت را افزایش

داده است.

● زمینه سازمانها و اتاقهای شیشه‌ای را فراهم کرده است.

شبکه‌ای شدن مناسبات

● کاهش سلسله‌مراتب ارتباطی

● قدرت یافتن شبکه‌ها در مقابل ساختارهای حکومتی (حاکمیتی)

● فراهم شدن امکان نقد و نظارت

تبدیل شدن مخاطب به کاربر

● امکان جلب مشارکت مردم فراهم شده است.

● توان و بستر مطالبه‌گری مردم افزایش یافته است.

● قلمرو و چگونگی فعالیت رسانه‌ای گسترده شده است.

چهارم) بازخوانی اندیشه امام در موضوع مشارکت مردم (نقش مردم) در

سلامت حکومت

- اندیشه حکومت بر قلوب به‌جای حکومت بر ابدان
- نظریه خادم-مخدوم
- ارکان کلیدی نقش مردم در سلامت حکومت
- ۱. مشارکت مردم در شکل‌گیری و اداره حکومت
به‌منظور مشارکت، عبودیت و اقامه قانون الهی:
- مشارکت‌کنندگی (اقدام به مشارکت ازسوی مردم)؛ «بیاعتنایی، گناه کبیره است».
- مشارکت‌شوندگی (جلب مشارکت مردم ازسوی حاکمیت)؛ «مردم ولینعمت هستند».
- گستره و قلمرو مشارکت (همه امور، حتی امور نظامی/ بسیج و امنیتی)
- ۲. نظارت همگانی
- مفهوم امر به معروف و نهی از منکر
- قلمرو نظارت (خانواده/ سازمان/ جامعه/ حکومت)
- هم نظارت از مسیر همراهی (حمایت) یا عدم حمایت
- هم ارجاع به دستگاه قضایی
- ۳. مطالبه‌گری
- خدمت‌گزاری حاکمیت و کارگزاران
- مطالبه‌گری مردم پس از نظارت بر عملکرد
- ارتباط رودررو
- روحیه مودت و محبت و قصد اصلاح در مطالبه‌گری
- قلمرو مطالبه‌گری
- پنجم) کاربست ظرفیت‌های فضای مجازی برای ارتقای نقش مردم در عرصه فرهنگ
- ۱. ضرورت ساختارسازی برای تمهید حضور و مشارکت مردم در عرصه فرهنگ،
- ۲. ضرورت کاربست ظرفیت‌های پلتفرمی فضای مجازی برای جلب مشارکت، نظارت و مطالبه‌گری فرهنگی مردم،

۳. ضرورت ارتقای شفافیت در عرصه فرهنگ برای تقویت نقش‌آفرینی مردم و اهالی فرهنگ، هنر و رسانه،
۴. ضرورت در معرض و در دسترس بودن مدیران و کارگزاران فرهنگی،
۵. ضرورت تمهید جمع‌سپاری مبتنی بر ظرفیت‌های فضای مجازی در عرصه فرهنگ و هنر،
۶. ضرورت بازگشایی و رفع انحصار در مناسبات فرهنگی بین‌المللی،
۷. ضرورت مشارکت‌جویی مردمی در تولید، نشر و مصرف فرهنگی مبتنی بر تحولات فضای مجازی.

پنل سوم فرهنگ عمومی در اندیشه امام خمینی (ره)



دبیر پنل

دکتر سید محمد رضا موالی زاده

دبیر دبیرخانه شورای فرهنگ

عمومی کشور و دبیر کارگروه

سخنران مکمل: حجت الاسلام والمسلمین محمد رضا حشمتی

دکتر سید محمد رضا موالی زاده: یکی از جمله‌های معروف امام این است که «فرهنگ، کارخانه آدم‌سازی است». امام به اصالت فرد و همچنین اصالت اجتماع اعتقاد داشتند. در آن دوران واژه فرهنگ عمومی کمتر به کار می‌رفت. این واژه حدود سه دهه است که در جامعه رایج شده است. بنابراین در گفته‌ها و صحیفه‌های ایشان به چشم نمی‌خورد. اما زمانی که امام از فرهنگ و عمومی ساختن آن سخن می‌گفتند، مقصودشان فرهنگ و به‌طور اخص فرهنگ عمومی بود. امام با شخصیت ممتاز و بی‌بدیل‌شان توانستند در نهادینه‌ساختن مؤلفه‌های ارزشمند فرهنگ عمومی در جامعه اثرگذار باشند. اگر نگاهی به ویژگی‌های امام بیندازیم، درمی‌یابیم که امام انسانی بسیار وارسته، زاهد، باتقوا و به شدت مخالف ریا و مریدبازی بودند. دلیل این که اخلاص و پرهیز از قضا در سال‌های پیش، بیش از اکنون در جامعه به چشم می‌خورد، همین رفتار امام است که توانست در جامعه اثر بگذارد.

امام انسانی به تمام معنا شجاع بود. همان‌طور که می‌دانید در کتاب اخلاق الحسنه از ملا فیض کاشانی آمده است که: «بهترین صفت‌ها صفت در حال

اعتدال است». تهور افراط است و جبن تفریط، اما شجاعت صفت درحال اعتدال است. امام از دوره‌ای که مرجعیت مورد توجه قرار گرفت، مبارزه را عملی ساختند. شجاعت امام شجاعت احساسی و هیجانی نبود، بلکه شجاعتی بر بنیاد حکمت دقت و مدیریت بود. تأثیر این رشادت در دوران اوج‌گیری انقلاب، پس از انقلاب و در دوران دفاع مقدس کاملاً مشهود است. تمام این‌ها مدیون شجاعت امام و جریان‌یافتن این شجاعت در بین آحاد مختلف مردم بود.

امام بسیار مردم‌دار بودند و پیوسته بر ارتباط با مردم تأکید داشتند. امام از تملق بیزار بودند و هرگز نه تملق کسی را گفتند و نه مورد تمجید قرار گرفتن توسط دیگران را دوست داشتند، چه تمجید متعارف و چه غیرمتعارف. امام خدمت به مردم را افتخار خود می‌دانست. ایشان اهل خانواده و به فرهنگ عذرخواهی پایبند بود؛ فرهنگی که امروزه به‌واقع نیاز به آن احساس می‌شود. امام معتقد به محرومیت‌زدایی بودند. از نظر ایشان، ایجاد شکاف عمیق طبقاتی بین مردم معنایی نداشت و پیوسته بر محرومیت‌زدایی تأکید داشتند. ترکیب مرفهین بی‌درد را اول‌بار امام به کار بردند و فرمودند من یک تار موی کوخ‌نشینان را با همهٔ کاخ‌نشینان عوض نمی‌کنم. رویکرد امام رویکرد محرومیت‌زدایی بود. امام ساده‌زیست بود؛ چه زمانی که در قم بودند یا در نجف و بعد هم در جماران. من توفیق این را داشته‌ام این واقعیت را مشاهده کنم که زندگی امام چقدر ساده بود. ایشان به پرهیز از اسراف معتقد بودند، همان‌طور که اکنون نیز این ساده‌زیستی را در سبک زندگی مقام معظم رهبری مشاهده می‌کنیم. انتظار می‌رود دست‌اندرکاران در بخش‌های مختلف نیز به ساده‌زیستی توجه داشته باشند. مردم با مشکلات معیشتی بسیاری مواجه هستند، بنابراین باید تلاش کنیم به‌گونه‌ای تدبیر و زندگی کنیم و با مردم ارتباط داشته باشیم که آن‌ها احساس کنند از جنس خودشان هستیم. اگر بخواهیم راه انقلاب ادامه پیدا کند که به حول و قوهٔ الهی و با عنایات واسع حضرت ولی‌عصر (عج) ادامه پیدا خواهد کرد، ناگزیر هستیم به این معدن عمیق علم، معرفت، حکمت، مدیریت، سیاست، فرهنگ و فرهیختگی توجه

داشته باشیم. هنگامی می‌توانیم خود را پیرو امام و رهبری بدانیم که در عمل نشان دهیم. تأکید بر عمل است، چراکه زبان رفتار بسیار گویاتر از زبان گفتار است. امیدواریم این اجلاس برای شناختن و شناساندن مکتب امام گامی روبه‌جلو باشد و بتوانیم این آموزه‌ها را به نسل جوان و آینده‌ساز کشور منتقل کنیم و بیش‌ازپیش بتوانیم این سیر و سلوک معنوی - عرفانی متکی بر خودباوری، استقلال، اخلاق، معرفت، مردم‌داری و توجه به حقوق شهروندی را که همه از مؤلفه‌های مکتب امام هستند، در جامعه پیاده کنیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا حشمتی: صحبت‌ها براساس یکی از اصول سیاست‌های نظام است. در همه برنامه‌هایی که من در تدوین تعدادی از آن‌ها حضور داشته‌ام، بند اصلی‌ای وجود دارد به‌نام زنده نگه‌داشتن یاد و نام امام خمینی. همین موضوع باعث می‌شود تبصره‌ها و موادی در تحقق این ماده داشته باشیم. به‌اعتقاد من، فرهنگ عمومی و این کارگروه اصلی‌ترین کارگروهی است که می‌تواند نشر اندیشه امام را پیگیری کرده و آن را محقق سازد. بالطبع کارگروه‌های دیگر نیز وظایفی دارند، اما کارگروه فرهنگ عمومی می‌تواند به‌طور مشخص سیره امام را مطالعه و بررسی کند و برای فراگیر شدن اندیشه و سیره ایشان راهکار ارائه دهد.

باید دقت شود که فراگیر شدن سیره و اندیشه به‌راحتی امکان‌پذیر نیست، بلکه نیاز به کار و زحمت و حوصله افراد خبره و صاحب‌نظر دارد تا این فرهنگ تخریب‌شده را اصلاح کنند. اعضای این کارگروه حدود یک سال است که در این زمینه فعالیت می‌کنند و یک‌سری مکتوبات منتشر کرده‌اند. باید از همه تشکر کنیم که زمینه این گفت‌وگو را فراهم کردند.

به‌دلیل این‌که حضار با سیره امام آشنا هستند و برای استفاده بهتر از زمان از اینجا شروع می‌کنم که آثار حضرت امام را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. آثار قلمی و برخی سخنرانی‌ها به‌ویژه در زمینه‌هایی نظیر فقه، اصول، فلسفه، عرفان و حکمت که مخصوص علما و متخصصان است؛ ۲. سلسله‌آثاری که کاربرد عمومی دارند و پاسخ‌گوی نیاز جامعه است.

زمانی که حضرت امام در سن ۳۷ سالگی نابسامانی‌های اخلاقی را در جامعه دیدند، شروع به تدوین کتاب مبارک *چهل حدیث* کردند که پرتیراژترین کتاب در میان آثار امام است و معلمان و دانشگاہیان و عموم مردم از این کتاب استفاده کرده‌اند. یا کتاب *آداب صلاة* که رمز و رازهای نماز را آشکار می‌سازد. برخی از آثار نیز تألیف خود حضرت امام نیستند و تغییرات دروس ایشان است که آن‌ها نیز کاربرد تخصصی دارند.

دو فعالیت عمده که در مؤسسه نشر آثار امام انجام شد که به‌خصوص برای کارگروه ما بسیار قابل استفاده است، اول این که سخنان حضرت امام و اندیشه‌های ایشان تحت عنوان تبیان‌ها جمع‌آوری و چاپ شد که خود قریب به ۴۰ عنوان است و در فرهنگ عمومی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. فعالیت دوم این است که مؤسسه نشر آثار امام مفاهیم اخلاقی را از سخنان حضرت امام و نوشته‌های ایشان استخراج کرده که شامل ۵۰ عنوان نظیر صبر، توکل و عناویتی از این دست است. پیشنهاد می‌کنم این دو کتاب که هم شامل مطالب عمیق عرفانی و علمی است و هم این که ساده و قابل فهم است تهیه شود و هنگام تشکیل چنین کارگروه‌هایی به اعضا داده شود تا از مطالب آن‌ها استفاده کنند. آثار قابل استفاده دیگری هم وجود دارد که نویسندگان درباره حضرت امام نوشته‌اند که من از همین تریبون از همه آن‌ها تشکر می‌کنم. من امروز محورهایی را باز می‌کنم که فکر می‌کنم نیاز است آن‌ها را به‌عنوان تذکر به‌یاد داشته باشیم. اگر امروز گرفتار بحران فرهنگی و اجتماعی هستیم و نیاز به اصلاح رفتار خودمان را احساس می‌کنیم، باید مبانی حضرت امام را به‌دقت مورد مطالعه قرار دهیم.

اولین محور نهضت امام، محور دانایی و خرد بود. حضرت امام چون از مشکلات اجتماعی مطلع بودند، تصمیم به آگاه‌ساختن مردم گرفتند. ایشان معتقد بودند اگر مردم آگاه باشند از حقوقشان دفاع و وضعیت خود را اصلاح می‌کنند. بنابراین یکی از محورهای اصلی حرکت ایشان دانایی و خرد است. هیچ جامعه‌ای بدون مطالعه کردن و آگاهی‌یافتن توسعه‌یافته محسوب نمی‌شود.

کم‌بودن سرانۀ مطالعه در کشور مقدمه‌ای است برای این که متوجه شویم باید تغییر و تحولی در خود ایجاد کنیم. این تغییر و تحول با دعوت مردم به مطالعه بیشتر محقق خواهد شد. من به‌خوبی به‌یاد دارم که در زمان حضرت امام آن‌قدر شوق مطالعه در برخی موج می‌زد که هنگامی که کتابی در اختیارشان قرار می‌گرفت، آن را استنشاق می‌کردند. زمانی که حضرت امام پیام می‌دادند، برای آنکه آن‌ها را به‌گوش مردم برسانیم، تنها به تلویزیون بسنده نمی‌کردیم، بلکه این مطالب توسط جوانان پیاده شده و چاپ دستی انجام می‌شد و به مردم داده می‌شد. مثلاً بایستی برای مردم بیان می‌شد که کاپیتولاسیون چیست و چه اجحافی در حقشان می‌شود تا مردم از خودشان دفاع کنند.

با مشاهده حرکت امام درمی‌یابیم که ایشان با حرکت گروه‌های مسلح موافق نبودند، زیرا معتقد بودند باید آگاهی مردم درباره منافع خودشان بیشتر شود. خمیرمایۀ تفکر حضرت امام قرآن و احادیث اهل بیت است. فکر نمی‌کنم در میان ما کسی باشد که به‌اندازۀ امام قرآن را مطالعه کرده باشد و به آن اندازه به احادیث مقید باشد. امام شاگردانی را تربیت کردند تا پیام‌هایشان را به مردم برسانند. خوشبختانه از بین شاگردان حضرت امام شخصیت بزرگی که همواره سیره و اندیشۀ امام را تبلیغ می‌کند حضور دارند. فکر نمی‌کنم کسی به‌اندازۀ شخصیت رهبری معظم به مطالب حضرت امام اشراف داشته باشد و آن را تبلیغ کند. برای مثال، سخنرانی‌های هرساله ۱۴ خرداد که هر سال بر یکی از محورها تأکید می‌کنند. به تمام اعضا پیشنهاد می‌کنم آن‌ها را با دقت مطالعه کنند و به‌عنوان یک خط‌مشی در نظر بگیرند.

محور دیگری که امام در حرکت خود مورد توجه قرار دادند، کرامت انسان است. از نظر امام، کرامت انسان‌ها بسیار بااهمیت است و در این زمینه تحقیر را از هیچ کس نمی‌پذیرند. امام همیشه با تمام بزرگی‌شان خود را از همه کوچک‌تر می‌دانستند و مردم را ولی نعمت خود می‌دانستند. امام حتی برای شاه نیز غمگین بودند که چرا آن‌قدر در برابر آمریکا کرنش می‌کند و خود را ضعیف نشان می‌دهد. همان‌طور که آقای موالی‌زاده اشاره کردند، تملق در دیدگاه امام جایی

ندارد و امام سعی می‌کردند از القابی که به ایشان داده می‌شود، دوری کنند. آقای بوتشانی فرمودند زمانی که روی جلد کتاب *تحریر الوسیله* که در نجف چاپ شده بود نوشته بودیم فقیه مجاهد، امام با دیدن آن بسیار ناراحت شدند.

امام، مشارکت مردم را در نظام اسلامی اصل می‌دانند. طبیعی است که مردم و مسئولان زمانی به توفیق دست می‌یابند که هم بین مردم و هم در میان مسئولان اتحاد وجود داشته باشد. ایشان بسیار نگران بودند از این که در میان مسئولان مناقشه باشد و بارها به این آیه توسل جستند که اگر با هم نباشید، سست خواهید شد و همیشه توصیه می‌کردند که هر اندازه مقامتان در این نظام بالاتر است، وحدتتان باید بیشتر باشد و دوست داشتند مردم نیز به یکدیگر و حقوق یکدیگر احترام بگذارند.

نکته دیگری که در فرمایشات حضرت امام و این آثار مشهود است، تأکید بر معنویت و اخلاق است. جامعه بدون روی کردن به معنویت و اخلاق نمی‌تواند جامعه موفقی باشد. راستگویی و امانت‌داری باید در جامعه احساس شود و اگر کم‌رنگ شود، بر علما و دلسوزان جمهوری اسلامی است که آسیب‌شناسی کنند و راه‌حل ارائه دهند تا به معنویت و اخلاق مدنظر امام برگردیم؛ از مفاسد اخلاقی دوری کنیم و درخصوص استقرار اخلاق اسلامی در جامعه کوشا باشیم. در سیره فردی امام این سجایای اخلاقی به وضوح مشاهده می‌شود که آقای دکتر موالی‌زاده به برخی از آن‌ها اشاره فرمودند.

امام بسیار صبور بودند و کسی گلایه‌ای از ایشان نمی‌شنید و بسیار هم قانع بودند. ایشان چه در زمانی که مدرس بودند، چه زمانی که مرجع بودند و چه در زمان رهبری بسیار منظم بودند و کلام امیرالمؤمنین در وجودشان بود که «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم». جامعه اگر وحدت داشته باشد، نوعی انسجام در آن مشاهده خواهد شد. بالاترین سرمایه اجتماعی همین انسجام است و اگر بر این انسجام لطمه‌ای وارد شود، بر ماست که برای زنده کردن اندیشه امام تلاشی بیش‌ازپیش داشته باشیم.

فکر می‌کنم این مقدار صحبت در فراز اول کفایت می‌کند، اما توصیه‌ای

برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارم. یکی این‌که اقدامات ما باید مبانی علمی و پژوهشی دقیقی داشته باشد و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید در زمینه فرهنگ و فرهنگ عمومی حرف اول را بزند. جای خالی آن پژوهش‌های ملی که در ارشاد انجام شد و همین شعبه فرهنگ عمومی متولی آن بود (یک دوره آن در سال‌های ۱۳۸۲ - ۱۳۸۳ و یک دوره هم در زمان دکتر جنتی انجام شد)، احساس می‌شود. هنگامی که می‌خواهیم اندیشه امام را نشر دهیم به برگزاری همایش‌ها و گفت‌وگوها نیاز داریم که اسباب آن را بایستی شورای فرهنگ عمومی فراهم سازد که ان‌شاءالله این کار را خواهند کرد. کارگروه‌های دیگر نیز وظایف مهمی در نشر اندیشه امام دارند. مثل کارگروه هنر و سینما، کارگروه مطبوعات و رسانه و کارگروه فضای مجازی که به شرط تهیه محتوای مناسب، حوزه بسیار مغتنمی است. اگر بخواهیم حرکتی در شأن امام انجام شود، این اقدامات به‌رحال لازم است. خوشبختانه امروز شورای فرهنگ عمومی ۳۷ عضو از نهادها و وزارتخانه‌های فعال فرهنگی در اختیار دارد که سرمایه‌ای است که در کمتر جایی یافت می‌شود. امید که با این اعضا بتوانیم مبانی را تنظیم و اجرا کنیم. خداوند حافظ و نگهدار همه شما باشد. ثوابی بالاتر از این نیست که انسان بتواند در جهت نشر اندیشه‌های امام گامی بردارد. یاد می‌کنیم از شهدای گران‌قدر انقلاب که مهم‌ترین گام‌ها را برداشتند و از جانبازان عزیز و تمام عزیزانی که در این راه خدمت می‌کنند. من در این مرحله صحبت‌هایم را به اتمام می‌رسانم. والسلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته.

دکتر موالی‌زاده: از بیانات ارزشمند استاد ارجمند جناب آقای حشمتی عزیز بهره بردیم. قبل از آنکه از مطالب دوستان استفاده کنیم و بهره ببریم، لازم می‌دانم به سهم خود از تمام عزیزانی که برای برگزاری این اجلاس تلاش کرده‌اند و همه نهادهایی که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بیرون از آن فعالیت می‌کنند، از جمله مجموعه دفتر نشر آثار حضرت امام و همچنین آستان مقدس امام و سایر مجموعه‌ها و از تأکیدی که جناب دکتر

صالحی وزیر محترم در این خصوص داشتند، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم. نکاتی را دوستان به درستی تذکر دادند. این که باید به جایگاه مساجد و رویکرد امام و دیدگاه‌های امام در خطبه‌های تربیتی و اخلاقی توجه داشته باشیم، کاملاً درست است. به بحث مدرسه و دانشگاه و محیط‌های آموزشی اشاره فرمودند که در گزارش بعد از ظهر منعکس خواهد شد. به بحث خانواده اشاره شد و جایگاه خانواده در دیدگاه حضرت امام. به بحث ایثارگری و شهادت‌طلبی اشاره شد و جایگاه این فرهنگ متعالی در اندیشه امام که همه ما مرهون آنان هستیم. حاج آقا به مباحث بسیار دقیقی اشاره فرمودند؛ بحث خرد، فرهنگ مطالعه، توجه به قرآن و احادیث، معنویت و اخلاق، راستگویی و نظم. دوستی در مورد بودجه سؤال پرسیدند. بنده و حاج آقا حشمتی دنبال کردیم و دنبال می‌کنیم و وزیر محترم هم به جلد پیگیر هستند. بخش‌هایی تأمین شده و امیدواریم بخش‌هایی هم در آینده تأمین شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین حبیب‌رضا ارزانی (رئیس ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد): در رابطه با اندیشه‌های حضرت امام به چهار نکته و دو ملاحظه اشاره می‌کنم. البته دوستان هم به این چهار نکته اشاره کردند، اما من به دلیل اهمیت موضوع با ادبیات دیگری آن را عرض می‌کنم. نکته اول در فرهنگ عمومی براساس دیدگاه امام بحث ارزش‌های اسلامی و دینی قرآن و اهل بیت است. نمی‌توان فرمایشات و ملاحظات و سیره امام را از اسلام جدا کرد. خود حضرت امام بر ترکیب واژگانی اسلام ناب تأکید خاصی داشتند. اصطلاحاتی که در آن زمان و قبل از انقلاب مطرح می‌شد، عبارت بودند از اسلام التقاطی یا اسلام آمریکایی، اما براساس فرمایشات حضرت امام اسلام ناب اسلامی است که نبی مکرم اسلام (ص) مشخص و تبیین فرموده‌اند؛ اسلامی که از قرآن و اهل بیت ناشی می‌شود.

آنچه پیش از انقلاب و پس از انقلاب در فرمایشات حضرت امام دیده می‌شد، تخصص، تبحر و انس بسیار زیاد امام با قرآن و عدم گسست ایشان از قرآن در تمام صحنه‌ها و لحظه‌هاست. برای مثال، حضرت امام در ماه

رمضان ده ختم قرآن، یعنی در هر سه روز یک ختم قرآن داشتند. ایشان در تمام این سال‌ها در طول روز بین پنج تا شش ساعت به‌طور مداوم قرآن تلاوت می‌کردند. نکتهٔ دوم، توجه به عرصه‌های مختلف بشری است. امام در عرصه‌های مختلف بشری جامعی نگر داشتند. برای مثال در عرصه‌های خانوادگی، اجتماعی، معیشتی، اقتصادی، علمی و ارتباطی؛ در فرهنگ عمومی، کسی که می‌خواهد برای یک مکتب و انقلاب و کشور طراحی کند، بایستی این نگاه جامع حضرت امام را داشته باشد. همان‌طور که دکتر موالی‌زاده فرمودند، امام در این حوزه ترسی از کسی و جایی نداشتند. امام بر بحث معنویت و عرفان که یکی از ساحات بشریت است، تأکید ویژه‌ای داشتند. نکتهٔ سوم، بحث محوریت مسجد است. ما در مورد این مسئله که در فرمایشات امام هم موج می‌زد، غفلت کرده‌ایم. این جلسه بحث درخصوص اندیشهٔ امام است و در اندیشهٔ امام، مسجد در محله‌های شهر و کشور باید جایگاه اصلی خود را داشته باشد. این جایگاه از نظر فیزیک مسجد باید به‌گونه‌ای باشد که گلدستهٔ مسجد خود را نشان دهد. این محوریت از نظر ارتباط مردم با مسجد، در دسترس بودن مسجد و کارکردهای مسجد نیز مطرح است. مسجد مکان حضور مردم است؛ مکانی که هرکس با هر عقیده‌ای به آنجا می‌آید و مربوط به گروه خاصی نیست. مسجد خانهٔ خداست. نکتهٔ چهارم، بحث تعلیم و تربیت است که در اینجا توجه ویژه‌ای به نونهالان می‌شود. این جمله از امام است که از امور بسیار بااهمیت و سرنوشت‌ساز، مسئلهٔ مراکز تعلیم و تربیت از کودکان تا دانشگاه است. ما این نکته را در حوزهٔ اجرا فراموش کرده‌ایم. و اما ملاحظات: اول، ملاحظهٔ جغرافیای ارزشی حضرت امام است. برای مثال شخصی که به ایران سفر می‌کند و به جنوب می‌آید، می‌گوید ایران بسیار گرم است. اگر همین شخص به اردبیل می‌آید، می‌گفت ایران بسیار سرد است. برخی افراد هم به همین صورت هستند، یعنی یک جمله از امام را می‌گیرند و می‌خواهند با آن یک مکتب بسازند. این درست نیست. مکتب امام مشخص است. ملاحظهٔ دوم، مربوط به اصلاح نگاه آرمانی است. در وهلهٔ نخست، ما در

مورد اندیشه امام صحبت می‌کنیم، نه آنچه اتفاق افتاده است. خود امام و مقام معظم رهبری فرموده‌اند که نگاه ما به چشم‌انداز باید یک نگاه متعالی باشد. اما آیا در جهان همه آنچه بزرگان و اندیشمندان بزرگ گفته‌اند، محقق شده است؟ طبیعتاً، خیر. ۴۲ سال اگرچه عمری است بسیار طولانی، اما با جنگ‌ها و تحریم‌ها و مشکلات زیادی که وجود داشته، آیا امکان محقق شدن همه این موارد بوده است؟ این که بگوییم تمام تلاشمان را کرده‌ایم و نشده، اشتباه است و این که بگوییم تمام شرایط مهیا بوده و نشده هم اشتباه است. اصلاح این دیدگاه موجب می‌شود هم قدر این جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنیم بیشتر بدانیم و هم این که برای بهبودی و اصلاح آن تلاش کنیم. انصافاً آنچه در سبک و سیره امام بود، تکان‌دهنده جهان بود و نه تنها برای این سده بلکه برای سده‌های بعد هم امام الگوست. ان‌شاءالله که پاینده و برقرار باشید. سپاسگزاری می‌کنم. التماس دعا.

دکتر موالی‌زاده: دکتر ارزانی اشاره کردند به تأکید امام بر اسلام ناب و ارزش‌های دینی، توجه به قرآن و اهل بیت، جدایی‌ناپذیری این دو از یکدیگر، توجه به نونهالان، تمرکز بر مراکز تعلیم و تربیت از کودکان تا دانشگاه، ساحات مختلف بشر، عرفان و موضوع مهم عمل و تمدن نوین اسلام و این که گرچه مشکلاتی وجود دارد، اما افق دید مقام معظم رهبری افق حرکت را به ما نشان می‌دهد. با تشکر از جناب آقای عابدینی برای نگارش مطالب خوبی که در رابطه با فرهنگ عمومی در اندیشه‌های امام مرقوم فرمودند.

آقای رجب‌زاده: توجه به حضرت امام و این که ایشان به فرهنگ عمومی توجه ویژه‌ای داشتند، مثال زیره به کرمان‌بردن است. مواردی که در سیره عملی ایشان و در آثارشان وجود دارد و دوستان اشاره کردند، مثل کرامت انسان، رعایت قانون و سایر موارد، اموری بدیهی است که از یک عالم اسلامی که مروج اندیشه اسلام است، انتظار می‌رود. آنچه مهم است این است که ساختاری را برای ترویج این ایده‌ها پیش‌بینی کرده باشیم. مهم‌ترین گام در تبیین اندیشه‌های امام، چگونگی ترویج آن در جامعه

است. متأسفانه ساختار فعلی شورای فرهنگ عمومی توان پرداختن به این موضوع را به دلایل مختلفی که به صورت مکتوب هم خدمت حضرت‌عالی عرض شده است، ندارد. هنگامی که بودجه یک کشور را مشاهده می‌کنید، به راحتی می‌توانید بفهمید افق آن کشور در هریک از زمینه‌ها چیست. آنچه ما از بودجه می‌بینیم، نشان‌دهنده این نیست که فرهنگ در اولویت نخست باشد، حتی در اولویت دوم یا سوم. بنابراین می‌خواهم بگویم با این بودجه‌بندی و ساختاری که وجود دارد، جز این که دغدغه‌ها و نگرانی‌های خود را بگوییم، کار دیگری پیش نخواهیم برد. اگر به این نیت است که به دوستان تلنگری بخورد، امیدواریم چنین اتفاقی بیفتد، وگرنه با این گونه جلسات که سازوکارهایی برای آن پیش‌بینی نشده کاری از پیش نخواهیم برد.

دکتر موالی‌زاده: هر مجموعه‌ای مشتاق است که بودجه کافی داشته باشد تا بتواند برنامه‌های خود را به نحو احسن به پیش ببرد. بالاخره ما با مشکلاتی مواجه هستیم که کاملاً روشن است. نکته دیگر در مورد مشکلات شورای فرهنگ عمومی و دبیرخانه است که پیشنهاد می‌کنم در فرصتی تشریف بیاورید تا از نظرات و پیشنهادات حضرت‌عالی بهره‌مند شویم.

جناب آقای دکتر بلغاری در جلسه حضور دارند که حضور ایشان برای ما مغتنم است و همچنین دوستان عزیز از مدیران کل که خوشحال خواهیم شد از حضور عزیزان بهره‌مند شویم.

دکتر حسن بلغاری: در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجموعه‌های متنوع و فراوانی داریم که فعالیت‌های فرهنگی انجام می‌دهند. می‌توان عملکرد این‌ها را در ۴۲ سال گذشته بررسی کرد که چقدر توانسته‌اند اندیشه‌های حضرت امام را در فرهنگ عمومی جامعه تأثیر دهند. یکی از معضلاتی که من در سال گذشته خدمت آقای وزیر عرض کردم، این بود که وقتی مثلاً می‌گوییم سیره امام رضا (ع) نقش امام رضا در کارهای فرهنگی ما در کجا خود را نشان می‌دهد؟ چقدر تلاش می‌کنیم که در کارهای فرهنگی و هنری بحث‌های امام‌رضایی را مطرح کنیم؟ این‌ها باید بررسی شود. در بودجه

فرهنگی کشور سه درصد باید به سیره امام خمینی پرداخته می‌شد. این را چه کسی باید بررسی کند که این سه درصد کجا هزینه شده است؟ من فکر می‌کنم جز شورای فرهنگ عمومی که متولی این امر است، هیچ نهادی نمی‌تواند باشد. این بودجه کجا خرج شده و چرا ما آن را در سطح جامعه نمی‌بینیم؟ من فکر می‌کنم در بحث اندیشه امام سه یا چهار ویژگی مهم وجود دارد که اگر به آن‌ها توجه کنیم و کمک کنیم که جامعه به آن برسد، قطعاً جامعه‌ای به مراتب عظیم‌تر و موفق‌تر خواهیم داشت.

یک مسئله خداباوری است. خدا محور اصلی همه سخنان امام است. چقدر در جامعه ما خداباوری وجود دارد؟ امام به وسیله خدا مردم را به این انقلاب آورد، یعنی خدا را محور قرار داد. در حال حاضر، در جامعه ما توحید عملی کجاست؟ اگر توحید عملی در جامعه بود، به این اندازه فساد و مسائل خاص را نداشتیم و با یک تحریم این قدر مشکل گرانی نداشتیم. دو مین بحث، اتکای مردم به خودشان است. این همان نکته‌ای است که امام از آغاز انقلاب به آن اشاره کردند؛ مسئولیت‌پذیری. چقدر ما در زمینه مسئولیت در جامعه مشکل داریم و تا چه اندازه مسئولان ما که بعداً از کار کنار رفتند، مشکل داشتند؟ آیا به این دلیل نبود که مسئولان ما به این نکته توجه نداشتند، با این که امام در لحظه لحظه زندگی خود به این نکته دقت داشتند. مورد بعدی، تلاش و فعالیت است. اگر ما بکشیم این چهار محور را از سیره امام استخراج کنیم و به آن‌ها عمل کنیم، به شما قول می‌دهم بسیاری از مشکلات جامعه ما حل خواهد شد. این سه درصد بودجه چندمیلیاردی است که در کشور هزینه می‌شود، اما عملکردی ندارد. خواهش می‌کنم یک دبیرخانه یا مجموعه این موضوع را بررسی کند که سازمان‌های مختلف این بودجه را به چه صورتی خرج می‌کنند. متشکرم.

احمد رضا احسانی (مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان): در بحث اندیشه‌های امام و فرهنگ عمومی، همان‌طور که می‌دانید، امام اساس جامعه را فرهنگ می‌داند و سعادت جامعه را تابع فرهنگ ذکر کرده است. بحث هویت بخشی و انسجام بخشی و وحدت در جامعه را مطرح می‌فرمایند و بر

استقلال کشور در حوزه فرهنگ و این که باید بر فرهنگ غنی اسلامی و مؤلفه‌ها و آموزه‌های آن به‌طور مستمر پرداخته شود، تأکید دارند. برداشت شخصی من این است که تلاش امام شکل‌دهی به اندیشه‌هاست. به عبارت دیگر، تبدیل باورها به باید‌هاست تا بتواند عرف این باورها در جامعه شکل بگیرد و بحث فرهنگ‌سازی که به دنبال آن هستیم محقق شود. طبیعتاً اگر درست برنامه‌ریزی شود، هویت فرهنگ اسلامی در جامعه ساری و جاری خواهد شد.

نکته دیگری که حضرت امام در بحث فرهنگ و هنر دارند و در فرمایشات دکتر ارزانی هم بود، بحث توجه به آموزش و تعلیم است. امام تأکید داشتند که در شکل‌گیری شخصیت انسان از همان بدو تولد تا مقاطع بالاتر و بعد از دانشگاه، همانا زمینه‌هایی نظیر سینما و رادیو و تلویزیون و نشریات و کتاب و سایر مؤلفه‌های فرهنگی در سطح کشور حائز اهمیت هستند و باید به آن‌ها توجه کرد تا به شکل‌دهی اندیشه‌ها و تفکرات منتج شود. به‌طور قطع، این اندیشه در میدان عمل نیز نوعی هماهنگی از همان ابتدای شروع آموزش به‌وجود می‌آورد. این هماهنگ‌سازی شاید همان حلقه مفقوده‌ای است که در حوزه فرهنگ‌سازی ما را با مشکل مواجه می‌کند. در برخی نقاط اقدامات خوبی صورت گرفته است، اما در برخی موارد جزیره‌ای عمل کردن‌ها و عدم ارتباط و عدم هم‌افزایی مشکلاتی را به‌وجود آورده است. اگر بتوانیم در چارچوب فرمایشات امام و رهبری کار و تلاش کنیم، به‌طور قطع موفق به شکل‌دهی هویت ملی و اسلامی خواهیم شد و جامعه را در برابر تهاجم فرهنگ بیگانه مصون خواهیم کرد. هنگامی که هویت ملی و اسلامی شکل بگیرد، به‌نوعی در برابر بسیاری از آسیب‌ها و اکسینه شده‌ایم و می‌توانیم از فرهنگ‌هایی که با اعتقادات ما همخوانی ندارند مصون بمانیم.

نکته بعدی بحث توسعه است. همان‌طور که می‌دانید، زمانی می‌توان گفت توسعه پیدا کرده‌ایم که در تمام زمینه‌ها متناسب و متعادل پیش برویم؛ یعنی مجموعه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هم با هم پیش بروند. بی‌شک، فرهنگ زیرساخت خواهد بود و باید در اولویت قرار بگیرد. زمانی

که امام در موقعیت‌های مختلف فرهنگ را زیربنا و کارخانه آدم‌سازی معرفی می‌کند، اشاره به همین معنا دارد. نکته‌ای که در اجرا و تحقق اندیشه‌های امام با آن مواجه هستیم، ناهمخوانی ساختار حوزه فرهنگ و هنر، از نظر نیروی انسانی و اعتبارات، با اهدافی است که ما در حوزه فرهنگ و هنر داریم. بودجه بسیار کمی که برای حوزه فرهنگ و هنر در نظر گرفته شده، بیانگر این است که فرهنگ آن‌طور که باید مورد توجه قرار نگرفته است. نکته بعدی این است که در مسیر فرهنگ بعد از انقلاب و در راستای تبیین اندیشه حضرت امام به آسیب‌شناسی نیاز داریم. این برگشت به گذشته و یافتن نقاط ضعف و قوت می‌تواند در هموارساختن راه آینده کمک‌کننده باشد. این‌ها برداشتی بودند که از اندیشه‌های حضرت امام داشتیم. ممنونم از وقتی که اختصاص دادید.

دکتر موالی‌زاده: بحث هویت‌بخشی به جامعه که در نگاه حضرت امام بسیار پررنگ بوده است، استقلال جامعه، شکل‌گیری باورها، تعلیم و تربیت که وجه مشترک صحبت اکثر عزیزان بود؛ این که فرهنگ زیرساخت توسعه است و اگر مباحث فرهنگی بهتر شکل بگیرد، به‌طور قطع مسائل اقتصادی بهتر پیش می‌رود، موضوع ناهماهنگی بین فرهنگ و اعتبارات و بحث افق آینده. از صحبت‌های ارزشمند جنابعالی استفاده کردیم. ممنون هستیم.

دکتر حسن مهرجردی: اگر بخواهیم امام را تعریف کنیم، همان‌طور که در توصیف حضرت زهرا (س) می‌گوییم «فاطمه، فاطمه است»، باید بگوییم: «امام، امام است». امام فقیه است، اما صرفاً فقیه نیست، حکیم است، اما فقط حکیم نیست، متکلم است و عارف است. این همه هست، اما این همه امام نیست. امام امام است. برای فهم و تبیین اندیشه‌های امام به چند نکته اشاره می‌کنم. اول، به امام به‌عنوان اندیشمند صرف نمی‌توان نگریست. در تبیین اندیشه‌های بزرگان و اندیشمندان، نظرات آن‌ها به‌عنوان نقطه‌نظراتی که در یک حوزه فکری و علمی بیان می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما امام علاوه بر این‌ها رهبر انقلاب و بنیان‌گذار نظام اسلامی است، بنابراین اندیشه‌های ایشان، جدای از بررسی به‌عنوان یک نظریه فقهی، باتوجه‌به

این‌که راهنمای عملکرد در نظام اسلامی است، باید مورد بررسی قرار گیرد. دوم، بررسی اندیشه‌های امام با توجه به یک نگاه منظومه‌ای باید مورد توجه قرار گیرد تا بتوانیم دریافت روشن و راهگشایی داشته باشیم. سوم، در مواردی که دچار تردید می‌شویم یا فهم مبهمی از منظور امام به‌خاطرمان خطور می‌کند، باید به مستندات نظرات امام که طبیعتاً به‌عنوان یک فقیه همانا مبتنی بر قرآن و سنت و اجماع است رجوع کنیم. چهارم، برخورد پویا با دیدگاه‌های حضرت امام است و ملاحظهٔ زمان و مکان در دیدگاه‌های حضرت امام.

نکتهٔ بعدی، مطالعهٔ تطبیقی عملکردهای چهار دههٔ اخیر با نظریه‌های حضرت امام، به‌خصوص گام دوم انقلاب است. با چهار روش منطقی می‌توان این کار را انجام داد؛ تطبیق عملکرد با نظرات امام، تضاد با نظرات امام، تمایل و احتمالاً تناقض که ناظر به ترک فعل‌های مواردی است که ممکن است از سوی برخی مدیران و مسئولان در حوزهٔ فرهنگ و هنر دیده شود. بحث بعدی، راهبرد اصول راهنمای مقتبس از بیانات و سیرهٔ حضرت امام است. خلاصهٔ رویکرد محوری‌ای که امام داشتند در «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» متبلور است. بحث استقلال ناظر به خودباوری، اتکای به خود، اعتماد به نفس، صیانت از هویت‌های ملی و دینی، تولی و تبری و توجه در خصوص تهاجم فرهنگی است. آزادی به رویکرد امنیت فردی و آزادی اندیشه و پرهیز از نگاه صنفی به مسائل حقوقی می‌پردازد. اسلام نیز اساس و مبنای سیاست، اقتصاد و فرهنگ و هنر است. بنابراین اگر بخواهیم اندیشه‌های امام را به‌درستی بشناسیم، بایستی نشست‌های بیشتر و گفت‌وگوهای عالمانه‌تری را پی بگیریم.

دکتر موالی زاده: تشکر می‌کنیم از جناب آقای مهرجردی عزیز. شعر زیبایی قرائت کردند. به موضوعات درستی اشاره کردند. بحث شعار جمهوری اسلامی، گام دوم انقلاب، بحث آزادی اندیشه و جایگاه اسلام. استفاده کردیم. اگر آقای دکتر حشمتی نکته‌ای داشته باشند، بهره‌مند می‌شویم. لازم می‌دانم تشکر کنم از سرکار خانم هاشمی و تک‌تک عزیزانی که برای انجام این اتفاق خوب زحمت کشیدند. از صبر و حوصله و مشارکت فعالان به سهم خودم و از طرف جناب

آقای دکتر حشمتی صمیمانه تشکر می‌کنم. باشد که بتوانیم هرچه بیشتر هم در اندیشه و هم به‌خصوص در عمل رهرو راه امام راحل عظیم‌الشان و مقام معظم رهبری باشیم و انشاءالله بتوانیم از این تنگناها عبور کنیم.

پنل چهارم منظومه فکری امام خمینی (ره) در حوزه رسانه و مطبوعات



دبیر پنل
محمد خدادی
معاون امور مطبوعاتی و رسانه و دبیر
کارگروه

سخنران مکمل: دکتر مصطفی کواکبیان

محمد خدادی: امروز بیش از هر زمان دیگری به کلام و سیره امام در حوزه رسانه نیاز داریم تا آن را گسترش دهیم و بازخوانی کنیم، چراکه در این روزها بسیار می‌تواند راهگشا باشد. همان‌گونه که همه می‌دانیم، دغدغه حضرت امام در خصوص انقلاب و آنچه در ایران به نام تغییر و دگرگونی و تحول انجام شد، تعالی و حرکت به سوی تعالیم عالی اسلام بود. انقلاب اسلامی هم در همین راه گام برداشت و جز این هم نمی‌توانست باشد. طبیعی است که جریان رسانه از ابتدای نهضت در نشر دیدگاه‌های حضرت امام نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای داشت. به عبارت دیگر، رسانه در زمینه بازتاب آنچه بر مردم در آن دوران می‌گذشت و آنچه مربوط به نیاز آن‌ها در خصوص همدلی و هم‌افزایی و نشر حداکثری دیدگاه‌های حضرت امام بود، بسیار تأثیرگذار و تعیین‌کننده بود. شاید مهم‌ترین کارکرد را به عنوان ابزاری تعیین‌کننده و مؤثر و پیشرو در پیروزی انقلاب، همین رسانه دانست. همان‌گونه که می‌دانید، در ابتدا پیام به صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه منتقل می‌شد، اما کم‌کم رسانه وارد عرصه شد. مهم‌ترین رسانه در آن زمان کاست‌های حضرت امام بود

که در میان مردم دست‌به‌دست می‌شد و به این طریق صدای امام به گوش مردم می‌رسید و بر روی تمام ما اثر خود را می‌گذاشت و ما که بخشی از مردم ایران بودیم، پیام ایشان را می‌گرفتیم.

امروز در فرصت اندکی که داریم، تصمیم گرفته‌ایم سیره حضرت امام را در موضوع رسانه بازخوانی کنیم. استادان گرامی حضور دارند. برای این که وارد بحث شویم، در مورد دو بخش از سیره عملی امام جمع‌بندی‌هایی داشته‌ام که از آن برای طرح بحث استفاده می‌کنم. پس از آن، دوستان هم وارد بحث می‌شوند و سخنان مرا کامل می‌کنند.

من دیدگاه‌های امام را به دو بخش تقسیم کرده‌ام؛ نخست، تأکید امام بر محتوا و این موضوع که کارکرد رسانه باید چه باشد و در نظام انقلابی که بر ایدئولوژی مبتنی است از رسانه چه انتظاری می‌رود. دوم، امام در سخنان خود به آسیب‌های کارکرد رسانه اشاره می‌کنند و از دید من شاخص‌هایی دارد که کاملاً قابل تأمل و توجه است. در بخش نخست، آنچه به‌عنوان نگاه حضرت امام درباره رسانه مطرح می‌شود، نگاهی مبتنی بر اصول و مبانی اسلامی است. تعریف و تعبیری که امام همواره از رسانه داشته است، دال بر محیطی است که می‌تواند مردم را به سوی تعالی هدایت کند. انتظار ایشان از رسانه مبتنی بر اخلاق و ترویج اسلام است. از دید امام، رسانه باید یک محیط آموزشی باشد که در این محیط فرصت هم‌افزایی و همدلی و همکاری و ارتقای معنوی و دانش وجود داشته باشد. حضرت امام تعبیر دانشگاه را برای رسانه به کار می‌برند و این به این معناست که رسانه باید فرصت دانش‌افزایی را فراهم کند. ایشان همیشه در بیانات خود از رسانه انتظار کارکرد تربیتی و ترویج اسلام و انقلاب را داشتند. امام همواره بر اطلاع‌رسانی مبتنی بر واقعیت تأکید داشتند. به عبارت دیگر، مبارزه با جعل واقعیات، شاخصی است که در کلام حضرت امام به کرات دیده می‌شود. هنگامی که حضرت امام وارد بحث آسیب‌شناسی می‌شود، بسیار صریح عنوان می‌کند که انتقاد نباید در بستر انتقاد باشد، به این معنا که نباید برای انتقام گرفتن از کسی

مدام از او انتقاد کنید. به‌باور امام، انتقاد باید سازنده باشد و نتیجه و خروجی آن تخریب نباشد. ایشان خیلی صریح عنوان می‌کند: یک‌وقت انتقاد است و می‌گویند انتقاد سالم. این مفید است. اما زمانی انتقام است نه انتقاد که نباید باشد. این با موازین هماهنگ نیست. پرده‌داری نباشد، ولی انتقاد خوب است. باید در این امور خیلی ملاحظه بفرمایید. در مطبوعات باید مرکزی باشد برای استفادهٔ عموم و این که مردم بفهمند باید چه کار کنند.

مورد دیگری که امام مطرح کرده‌اند، بحث مرزبندی با مدل غربی است. این موضوع بسیار مهم است که وارد بی‌بندوباری نشویم و محیط ما الگوی رسانه‌ای خود را غرب قرار ندهد، چراکه نتیجهٔ آن سبب دورشدن ما از تمام اصول و موازین مان می‌شود. حتی آزادی در مفهوم غربی، نامی است که محتوای آن رانت است.

موضوع بعدی که امام بر آن تأکید می‌کنند، بحث مقابله با القائات خارجی است. ایشان از واژهٔ تبلیغات خارجی استفاده می‌کند. در حین جمع‌بندی‌ای که انجام داده‌ام، متوجه شدم که امروز با شاخص‌هایی روبه‌رو هستیم که حضرت امام مطرح کرده‌اند. این مسئله نشان می‌دهد که ما همچنان نیاز داریم سیرهٔ امام را در فضای جاری و روز جامعه، با توجه به این که به انتخابات ریاست‌جمهوری هم نزدیک می‌شویم، بیش از گذشته موردتوجه قرار دهیم و آن را به دغدغه تبدیل کنیم و یک‌بار دیگر آن را بازخوانی کنیم تا متوجه شویم معمار انقلاب اسلامی چه خواسته‌هایی داشته‌اند. البته ایشان در وصیت‌نامهٔ خود نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند. از دید من، باید به همهٔ آن‌ها توجه کنیم. امیدوارم بتوانیم رهرو راه امام عزیزمان باشیم. من کوشش کردم با این مقدمه بحث را آغاز کنم. حال در خدمت دیگر دوستان هستیم. آقایان دکتر رحمانیان و کواکبیان در خدمت شما هستیم.

دکتر مصطفی کواکبیان: در ابتدا به سه نکته اشاره می‌کنم. باید توجه کنیم هنگامی که از منظومهٔ فکری و اندیشهٔ امام در حوزهٔ رسانه و مطبوعات سخن می‌گوییم، منظورمان مجموعهٔ آن‌هاست که شامل صداوسیما نیز

می‌شود. این‌گونه نیست که بخواهیم از منظر امام در مورد رسانه‌ها سخن بگوییم، اما صداوسیما را جزو آن ندانیم. بنابراین صداوسیما هم به‌عنوان رسانه باید درون بحث ما جا داشته باشد. درست است که عزیزان وزارت ارشاد متولی برگزاری این همایش‌اند، اما بحث من این است که نگاه امام به رسانه بسیار ژرف‌تر و عمیق‌تر است. در زمان امام مطبوعات کاغذی بیشتر مدنظر بودند تا فضای مجازی، درحالی‌که امروزه بحث در مورد فضای مجازی بسیار مهم‌تر و عمیق‌تر از مطبوعات کاغذی است. امروز رسانه تمام پایگاه‌های خبری و وب‌سایت‌ها و وبلاگ‌ها را دربرمی‌گیرد، بنابراین باید توجه کنیم اگر امام برای مطبوعات رسالت و جنبه آموزشی قائل هستند؛ تنها شامل روزنامه و نشریه نمی‌شود. بزرگ‌ترین رسانه صداوسیماست.

حتماً بارها این تعبیر امام را شنیده‌اید که رسانه باید مانند یک دانشگاه برای مردم باشد که دارای وظیفه آموزش است. متأسفانه باید بگوییم امروز که ۴۲ سال از پیروزی انقلاب گذشته است، هنوز نتوانسته‌ایم مانند مطبوعات و سایت‌ها و پایگاه‌های خبری دارای رادیو و تلویزیون خصوصی نیز باشیم و این یکی از ضعف‌های بسیار مهم ماست. باید توجه داشته باشیم که اگر می‌خواهیم به بحث آلترناتیو‌مدیا و رسانه دگراندیش توجه کنیم، نباید فکر کنیم تنها باید یک صداوسیما داشته باشیم و همه هم باید همان‌گونه فکر و عمل و رفتار کنند که از این رسانه پخش و گفته می‌شود. همین امروز کشورهای اطراف ما، مانند افغانستان، رادیو و تلویزیون خصوصی دارند، اما ما نداریم. بنابراین مفهوم رسانه در این منظومه فکری باید گسترده‌تر از بحث مطبوعات کاغذی و مکتوب در نظر گرفته شود.

نکته دوم این است که امام خمینی نیز در زمان پیروزی انقلاب از همین آلترناتیو‌مدیا استفاده می‌کرد، چراکه رسانه رسمی در اختیار نداشت و رادیو و تلویزیون نیز در اختیار دیگران بود. به‌یاد دارم در آن هنگام که پانزده سال داشتم در زیرزمین مسجد محله‌مان یک دستگاه استنسیل گذاشته بودیم و پیام‌هایی را که از نوفل‌لوشاتو می‌رسید از راه رابطی که در تهران داشتیم

دریافت کرده و سپس آن‌ها را تایپ و تکثیر می‌کردیم. وضعیت رسانه‌ها در آن هنگام به این شکل بود و اوضاع بسیار سرکوب‌گرانه بود. در آن دوران، اعلامیه‌های امام و کتاب ولایت فقیه ایشان، بنا بر بخشنامه‌های ساواک، پنج سال زندان داشت. امروز که همه‌چیز در دست مسئولان نظام است، باید حال‌وهوای اوضاع پیش از انقلاب و مطبوعات آن دوران را در نظر بگیرند و متوجه باشند چرا این تغییرات رخ داد. در آن زمان، ساواک در دو روزنامه رسمی کشور مأمور داشت که این مأمورها مطالب را پیش از انتشار بررسی می‌کردند. ما به‌لطف الهی و برکت خون شهدا و فعالیت امام راحل توانسته‌ایم از این وضعیت خارج شویم، اما باید مراقبت کنیم تا مبادا دچار چنین وضعیتی‌هایی شویم.

ازسوی دیگر، باید برای دگراندیشان نیز حقی قائل باشیم تا بتوانند دیدگاه‌های خود را در چارچوب ضوابط و معیارهایی که در تمام دنیا هم وجود دارد، بیان کنند. مساجد یکی از رسانه‌های مهم در زمان انقلاب برای امام و انقلابیون بود. در آنجا بود که مطالب سینه‌به‌سینه مطرح می‌شد و بحث انجام می‌گرفت. دوستان باید به این نکته توجه کنند که ما در اوایل انقلاب و تا سال ۱۳۵۹ هیچ کنترلی بر وضعیت مطبوعات نداشتیم. تمام افکار و سلاقی و اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها و گروه‌ها و احزاب هر آنچه می‌خواستند منتشر می‌کردند؛ تا زمانی که قانون مدون شد. گمان می‌کنم در اسفند سال ۱۳۵۹ است که برخی از مطبوعاتی که این ضوابط را رعایت ن می‌کنند، تاحدودی محدود می‌شوند.

نکته سوم: فضایی که امام خمینی توصیه می‌کردند و مردم را به آن رهنمون می‌شدند، چگونه فضایی است؟ نباید به این موضوع استناد کرد که امام خمینی گفتند آزادی، آری، توطئه، هرگز و معنای آن نیز این است که برخی می‌خواهند از طریق تشکل‌ها و با استفاده از قلم و مطبوعات برنامه‌براندازی داشته باشند. واقعاً امروز نمی‌توانیم تصور کنیم مطبوعات کنونی ما در کشور به‌دنبال چنین چیزی هستند. بله، ممکن است کسانی که در خارج از کشورند و نمی‌توانند به ایران بیایند و در اینجا مجوز داشته باشند در رسانه

خود چنین قصدی داشته باشند. بنابراین استناد به برخی از سخنان امام در مورد این که باید محدودیت‌هایی وجود داشته باشد، بایستی در چارچوب قوانین و ضوابطی باشد که به آن‌ها اشاره کردم.

ما باید منظومه فکری ایشان را به شکل یک مجموعه در نظر بگیریم. این نکته بسیار مهم است. بایستی تمام مباحث مربوط به کارکردهای آموزشی و تربیتی و اطلاع‌رسانی و وظایف تبلیغی و رسالت مطبوعات را در این منظومه در نظر گرفت، کم‌این که امام خمینی بحث کارکرد اخلاقی و انحراف‌زدایی و مقابله با تبلیغات رسانه‌های خارجی و حتی کارکرد صدور انقلاب را مطرح کرده‌اند. من از تمام این موارد در کتاب صحیفه نور کدهایی دارم، اما هدفم ورود به این مباحث نیست، چرا که تمام آن‌ها در کتاب ذکر شده است.

رحمانیان (صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول روزنامه شرق): در سخنان آقای کواکبیان نکته‌ای بود که باید به آن توجه زیادی کرد و اگر لازم است در این زمینه اجلاس‌های دیگری برگزار شود و آن، منظومه فکری حضرت امام در مورد رسانه است. ایشان در این مورد در مقاطع گوناگون سخن گفته‌اند. از دید من، باید این‌ها را با هم ببینیم و نمی‌توان هریک را جدا از دیگری در نظر گرفت. امام به‌تنهایی یک ابررسانه بودند و ما نباید از این مسئله به‌آسانی عبور کنیم. اگر ایشان دارای چنین ویژگی‌ای نبودند، شاید انقلاب به شکل دیگری بروز و ظهور پیدا می‌کرد.

ایشان از پیش از نهضت با رسانه ارتباط داشتند. آن گونه که بررسی کرده‌ایم، نخستین گفت‌وگو و مصاحبه امام با مجله ترقی در قم و به‌نمایندگی از آیت‌الله بروجردی بوده است. زمانی که در قم سروصدایی به‌راه می‌افتد و پلیس تیراندازی می‌کند و یک نفر نیز کشته می‌شود، به‌سراغ آیت‌الله بروجردی می‌روند. ایشان هم می‌گویند سید روح‌الله نماینده من است، با او در این زمینه گفت‌وگو کنید. این گونه نخستین ارتباط امام با رسانه شکل می‌گیرد. پس از آنکه امام نهضت را شروع می‌کنند به رسانه توجه ویژه‌ای نشان می‌دهند. رخدادی که در انقلاب ما پیش آمد، بسیار جالب

است، به نحوی که اندیشمندی همچون میشل فوکو هم به آن اشاره می‌کند و بررسی‌ها و مطالعاتی درخصوص آن انجام می‌دهد.

در زمان شاه رسانه‌های بزرگ مانند رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها در اختیار حکومت بودند و دامنه گسترده‌ای نیز داشتند. این رسانه‌ها به ارائه نظرات و دیدگاه‌ها و کارکردهای حکومت می‌پرداختند. در همان زمان رخدادی روی داد که به باور من باید آن را جدی بگیریم و آن این بود که رسانه‌های کوچک مانند نوار کاست و دیوانروسی‌ها و مانند آن توانستند کمک کنند تا انقلاب ما به رهبری امام به پیروزی برسد. امام کاملاً به این موضوع مشرف بودند. سخنرانی ایشان در نجف که یک ساعت به درازا کشید در فاصله یک تا دو روز به ایران رسید و یک تا دو هفته طول کشید تا کاملاً در میان مردم و در کل ایران پخش شد. این امر توانست تأثیر زیادی بر روی جامعه بگذارد.

پرسش این است که سِر شکست رسانه‌های بزرگ در برابر رسانه‌های کوچک چیست؟ از دید من، اگر بتوانیم در مورد این پرسش سخن بگوییم و به خوبی آن را درک و تبیین کنیم، شاید گرفتار آن مشکل نشویم. رمز پیروزی رسانه‌های کوچک بر رسانه‌های بزرگ در انقلاب همانا اعتماد بود. به عبارت دیگر، حضرت امام به اعتماد میان مخاطب و رسانه به شدت توجه داشتند. گمان می‌کنم امروز در این زمینه دچار مشکل شده‌ایم.

حضرت امام در آن زمان می‌گویند برای یک تا دو ساعت رادیو و تلویزیون را در اختیار ما قرار دهید تا ببینید چه کار می‌کنیم و چه برنامه‌هایی برای جوانان داریم و چگونه آن‌ها را به دامن اسلام و اخلاق برمی‌گردانیم. امروز ما در کشور ۱۱۰ شبکه رادیویی و تلویزیونی داریم که تمام آنها نیز در چارچوب مختصات جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند. باید این را با سخن امام که درخواست دو ساعت برنامه در رادیو و تلویزیون را داشتند مقایسه کنید. چرا امروز با داشتن این اندازه رسانه و روزنامه و فضای مجازی نمی‌توانیم به هدف امام برسیم؟ از دید من، به همان مسئله اعتماد می‌رسیم، یعنی اگر مخاطب اعتماد خود را به رسانه ازدست بدهد، آن رسانه اگر پاک‌ترین و

درست‌ترین اخبار و اطلاعات را نیز در اختیار مخاطب قرار دهد، بازهم نمی‌تواند در قلب او جایی داشته باشد و مخاطب به آن بی‌اعتنایی می‌کند، چراکه پیش‌تر این اعتماد از بین رفته است.

باتوجه‌به نگاهی که حضرت امام از ابتدای نهضت و هنگامی که در ایران بودند درخصوص رسانه داشتند، هنگامی که به عراق رفتند در آنجا رادیوی روحانیت مبارز را راه‌اندازی کردند که آقای دعایی مسئول آن بودند. ایشان از همان زمان روی دو مطلب تأکید داشتند: نخست این که رسانه دروغ نگوید و دوم این که حتی دشمن خود را تخریب نکند. آقای دعایی خاطره‌ای دارند درباره برنامه‌ای که در آن درخصوص خواهر شاه نکاتی بیان شده بود. پس از این که امام متوجه موضوع می‌شوند، بسیار ناراحت می‌شوند و در حد توییح عمل می‌کنند که شما به چه حقی دست به این کار زده‌اید. این درست هنگامی است که امام در حال مبارزه با شاه است و خواهر شاه هم رفتارهای درست و پسندیده‌ای نداشته است، اما ایشان بر این باور است که رسانه باید دارای کارکرد خود باشد. جالب است درباره امام بدانید که به نقد سازنده باور داشتند. مسئولان باید به این موضوع توجه کنند. امام می‌گفتند باید نقد و اشکال وارد شود. ایشان جمله شگفت‌انگیز و عجیبی دارند که می‌گویند نقد و اشکال که هیچ بلکه تخطئه نیز هدیه الهی برای رشد و تعالی انسان‌هاست. از دید من، ما باید هر روز کنار لوگوهای مطبوعات خود این جمله را داشته باشیم و به مسئولان بگوییم نگاه بنیان‌گذار انقلاب و جمهوری اسلامی این‌گونه بوده است.

از دید امام کارکرد رسانه فوق‌العاده گسترده است و این اجازه را دارد که حتی به تخطئه پردازد. ما باید به این مسئله توجه کنیم که رسانه پاک و بی‌آلایش و راستگو رسانه موردنظر امام است. باتوجه‌به ویژگی‌هایی که رسانه دارد، اگر آزاد باشد می‌تواند کارکردهای فراوانی داشته باشد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها این است که می‌تواند مانع بروز فساد در کشور شود و اجازه ندهد برخی افراد پشت درهای بسته تصمیماتی بگیرند و عملکردهایی داشته باشند که با سیره و نگاه و روش امام منافات داشته باشد. اگر بخواهیم

به‌راستی به سیره امام عمل کنیم، باید وضعیت به گونه‌ای باشد که رسانه‌ها یک اتاق شیشه‌ای برای مسئولان بسازند تا آن‌ها در منظر مردم باشند. اگر این‌گونه شد، گمان می‌کنم به هدف امام نزدیک شده‌ایم. در پایان به این نکته هم اشاره کنم که هنگامی که امام در عراق بودند، نخستین گفت‌وگوی خود را در تاریخ چهارم اردیبهشت سال ۱۳۵۷ با روزنامه لوموند انجام می‌دهند و بعدها که به پاریس می‌روند، روزانه بین پنج تا هفت مصاحبه با رسانه‌های گوناگون داشته‌اند. پس باید این را بدانیم که امام به‌خوبی از رسانه و کارکردهای آن آگاه بودند و از آن به‌دقت استفاده می‌کردند. خودشان هم رسانه‌ای بودند که با رسانه‌های کوچک منتشر می‌شدند.

دکتر کواکبیان: دلیل این که تأکید داشتیم باید منظومه فکری امام را در مورد رسانه و مطبوعات بررسی کنیم، این است که باید بپذیریم امام خمینی یک مکتب سیاسی است. این مکتب دارای شاخص‌هایی است. اگر به‌راستی قرار است از این جلسه به این نتیجه برسیم که خواهان رسانه‌ای متعهد، همان‌گونه که امام می‌خواستند هستیم یعنی رسانه‌ای که به سطح فکری جامعه کمک کند و سبب ترقی و پیشرفت اندیشه‌های مردم شود، باید این منظومه را با هم ببینیم و بررسی کنیم. خواهش من از معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد یا هر نهاد دیگری این است که برای رسانه متعهد با دیدگاه و مکتب سیاسی امام شاخص‌سازی کنند. اگر بخواهیم مجموعه مکتب سیاسی امام خمینی را در چند شاخص خیلی خلاصه و فشرده بیان کنیم، باید بگوییم که ایشان به هم‌بستگی میان دین و سیاست باور داشتند و در این زمینه نظر مخصوص خود را داشتند و می‌گفتند حکومت حتماً باید در خدمت دین باشد و نباید این‌گونه باشد که دین در خدمت حکومت باشد. با مفهوم‌سازی‌ای که امام خمینی در مورد استقلال و وابسته‌نبودن از نظر نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به قدرت‌های خارجی و ولایت فقیه و اسلامیت نظام و عدالت و جنگ میان فقر و غنا برای ما انجام داده بودند، هنر اهالی رسانه و هنرمندان را در این می‌دانستند که به جنگ میان فقر و

غنا دامن بزنند. بحث آزادی با تمام ابعاد آن درخصوص تشکل‌ها و احزاب و اجتماعات سیاسی و مطبوعات و دفاع از محرومان و مستضعفان مطرح بود. ایشان تکیه کلامی داشتند و آن این بود که همواره به مطبوعات توصیه می‌کردند برای این مسائل زبان گویایی باشند. امام خمینی به جوانان و زنان و دانشگاهیان و طلاب و روحانیت و نیروهای مسلح توجه ویژه و به هر یک از این اقشار التفات خاصی داشتند.

بحث دیگر در مورد اخلاق و معنویات است که امام خمینی به آن اشاره داشتند و آقایان خدای و رحمانیان هم به آن پرداختند. برای من جالب است که می‌بینم هیچ نکته ریزی نیست که از دید امام خمینی دور مانده باشد. امام خمینی در صحیفه نور می‌گوید: باید توجه کنید روزنامه تیتراش طوری نباشد که با محتوای آن همخوانی نداشته باشد، درست مانند کاسبی که ظاهر متاعش را به خوبی می‌آزاید، اما کالایش در نهایت فاسد است. این کار حرام است. اگر تیترا با محتوا نخواند، غشی است که شما با قلم‌های خود موجب آن شده‌اید. شک نکنید روز محاسبه‌ای در کار است و ما را برای همه چیز بازخواست می‌کنند. آن روز قلم‌ها و چشم‌ها و دست‌ها همگی شهادت می‌دهند. دقت کنید امام به چه نکات ریزی در مورد اخلاق و معنویات اشاره کرده است.

در بحث مردم‌سالاری که آقای خدای هم به آن اشاره کردند، می‌توانم دست کم ده‌ها کد ارائه دهم دال بر این که هنگامی که امام می‌گفتند میزان رأی ملت است، شعور فکری مدنظرشان بود و این تنها یک شعار سیاسی نبود. مشارکت موردنظر امام خمینی در بحث مردم‌سالاری یک مشارکت حداکثری است. متأسفانه برخی در حوزه رسانه به این نکته توجه ندارند و به این دیدگاه دامن می‌زنند که نیازی به شرکت حداکثری مردم در انتخابات نیست. در مقطع کنونی اگر به‌راستی می‌خواهیم بحث منویات و دیدگاه‌های امام خمینی را درباره تربیت جامعه و آزادی‌ها و نظام به کار بگیریم، باید به مشارکت حداکثری دامن بزنیم.

دکتر خدای: با سپاس از شما که به نکات بسیار ارزشمندی اشاره کردید. ما از دوستان زیادی مانند آقایان دعایی و گنجی هم در این نشست

دعوت کرده بودیم، اما نتوانستند خود را با ساعت این وینار هماهنگ کنند. با این همه، قصد داریم این بحث را ادامه دهیم و آن را به همین یک نشست محدود نکنیم. با توجه به این که در فضای انتخابات هستیم، وظیفه تمام ماست که سیره عملی حضرت امام و مقام معظم رهبری را در فضای جاری کشور به اجرا درآوریم تا در مسیر هم‌افزایی و همکاری همه مردم در نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی پیش برویم و سبب اقتدار ایران عزیزمان شویم. اگر آقای دکتر نوروزپور آماده هستند، بحث خود را آغاز کنند. آقای دکتر خدمت شما سلام عرض می‌کنم و برایتان آرزوی تندرستی دارم.

دکتر محمدرضا نوروزپور (مدیرعامل ایرنا): صحبت کردن در مورد حضرت امام و دیدگاه‌ها و مشی ایشان در مورد رسانه آسان است. در مورد ایشان و دیدگاه‌هایشان می‌توان ساعت‌ها صحبت کرد، اما اگر بخواهیم روی سخنان ایشان تمرکز کنیم و دقیق شویم، اصلاً کار آسانی نیست. امام دارای شخصیتی چندساحتی و چندبعدی است که در تمام زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، رسانه‌ای، فرهنگی و علمی صاحب نظر است. از تیزهوشی ایشان همین را می‌گویم که بدون‌های وهوی و سروصدا و بدون این که ادعا کنند کارشناس رسانه و عملیات روانی هستند، به انتخاب خودشان فرانسه را انتخاب کردند و از همین جا می‌توان فهمید که ایشان به خوبی دریافته بودند که از طریق امکانات آزادی رسانه‌ای و زمینه‌ای که در پاریس فراهم است، می‌توان صدای انقلاب را به گوش مردم دنیا رساند.

ایشان فقیه و فیلسوف بود و طبیعتاً از چنین شخصی انتظار نمی‌رود چنین درک ژرف و عمیقی از کارکرد رسانه‌ها داشته باشد. اما امام در دوره‌ای که به پاریس رفتند و از آنجا نهضت را هدایت کردند، ارتباط بسیار ویژه و گسترده‌ای با رسانه‌ها داشتند و خود را آزادانه در اختیار رسانه‌ها می‌گذاشتند و مدام با آن‌ها گفت‌وگو می‌کردند و از این راه صدای انقلاب را به جهانیان می‌رساندند. در هر دوره‌ای از دوره‌های تکامل رسانه‌ای شاهدیم که رسانه‌ها با جهشی روبه‌رو بوده‌اند، برای نمونه در دوران کنونی و از دوره‌ای که آقای

روحانی رئیس‌جمهور شد با پدیدهٔ پیام‌رسانه‌ای تلفن همراه مانند تلگرام و واتس‌آپ روبه‌رو شده‌ایم که کشور را تحت تأثیر خود قرار داده است. پیش از آن، شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر و فیس‌بوک به‌راه افتاده بود و جهان ارتباطات و رسانه را تحت تأثیر قرار می‌داد. در دوره‌ای که امام به پاریس رفتند پس از استنسیل و پلی‌کپی و اعلامیه‌هایی که از این راه توزیع می‌شد، یکی از مهم‌ترین رسانه‌های امام نوار کاست بود. به‌یاد دارم در محل زندگی ما در شهر ری پدرم ضبط چمدانی داشت که نوارهای گردی را که از پاریس می‌آمد پخش می‌کرد، چراکه در آن محل تنها ما بودیم که از این ضبط‌ها داشتیم. به‌یاد دارم مادرم غذا درست می‌کرد و فعالان سیاسی شهر ری و محل ما جمع می‌شدند و این نوارها را گوش می‌کردند. هریک از این افراد با خود یک ضبط معمولی می‌آوردند و همه را ضبط می‌کردند. البته تمام این کارها با رعایت کامل مسائل امنیتی انجام می‌شد. استفاده از نوار کاست در آن زمان خودش یک رسانه بود و توانست صدا و کلام امام را به‌همراه توزیع اعلامیه‌ها در داخل کشور پخش کند و در خارج از کشور هم صدای انقلاب امام از راه رادیو و تلویزیون‌ها و رسانه‌های بین‌المللی به گوش دنیا می‌رسید. دیدگاه امام در مورد کارکرد مطبوعات بسیار جامع و کامل است. ایشان در تمام ابعاد و زمینه‌های مربوط به رسانه صاحب‌نظر بوده و دیدگاه‌های خاص خود را دارند. ما باید تمام این‌ها را با هم در نظر بگیریم. برای نمونه، همان‌گونه که انتقاد را حق مسلم رسانه‌ها می‌دانستند و بر حق آزادی بیان و انتقاد سازنده تأکید داشتند و می‌گفتند رسانه‌ها نباید فرو بسته باشند و بایستی انتقاد سازنده داشته باشند، مشروط بر این که حدود قوانین اسلام و شرع را رعایت کنند. اما امام به این نکته نیز اشاره می‌کردند که رسانه‌ها حق تضعیف نهادهای انقلاب از جمله دولت را ندارند. اگر می‌گفتند انتقاد شود، از سوی دیگر تأکید می‌کردند که قوهٔ مجریه را تضعیف نکنید و در مورد دیگر قوا هم به همین صورت بود. اما امروز شاهد این هستیم که مطبوعات تنها قوهٔ مجریه را نقد می‌کنند، در حالی که دیدگاه امام این بود که رسانه‌ها باید همه‌جانبه‌نگر باشند.

امام بر این باور بودند که رسانه‌ها باید از تحریف دوری کنند، گفته‌ای که به‌تازگی مقام معظم رهبری نیز بر آن تأکید کردند. ایشان درخصوص استمرار پیام و مشی و روش حضرت امام در زمینه تحریف حساسیت دارند و عنوان کردند که نباید در رسانه‌ها درباره واقعت تحریفی صورت گیرد. امروز شاهد این هستیم که برخی از رسانه‌ها در دام تحریف افتاده‌اند. البته یقین دارم که این کار ناخواسته و از روی دلسوزی است، اما به‌هرروی با برخی جریان‌های خارج از چارچوب نظام همراه می‌شوند و با تضعیف دولت و نادیده‌گرفتن دستاوردهای دولت برای نظام و مردم به‌جای این که آن‌ها را به نظام و انقلاب امیدوار کنند، سبب ناامیدی‌شان می‌شوند. این همان چیزی است که امام هم تذکر می‌دادند که آزادی بیان نباید باعث تحریف واقعت‌ها شود. واقعیات امروز جامعه ما این است که دولت ما در بدترین وضعیت و شرایط اقتصادی ممکن به‌سر می‌برد و کار می‌کند. درست است که کمبودهایی وجود دارد، اما نباید کارکردهای آن را نادیده بگیریم. باید در نظر داشته باشیم که رسالت اصلی مطبوعات، تنها نقدکردن نیست و نقدکردن یکی از رسالت‌هاست. امام همواره در مورد آزادی می‌گفتند باید در چارچوب قانون اساسی باشد. امام درخصوص فساد مطبوعات و نفوذ در رادیو و تلویزیون بسیار حساس بودند. به‌یاد دارم در یکی از سخنرانی‌هایشان گفتند اگر در صداوسیما نفوذ شود و یک خرابی کوچک رخ دهد، تمام کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، چون آنجا را یک دانشگاه می‌دانستند. ایشان درباره صداوسیما و نفوذ در رسانه‌ها حساسیت ویژه‌ای داشتند و باور داشتند اگر رسانه سالم باشد، می‌تواند جامعه را تربیت کند. به‌عبارت‌دیگر، رسانه را مربی جامعه می‌پنداشتند و حتی بر این باور بودند که اگر رسانه تربیت شود، می‌تواند جامعه را نیز تربیت کند و مدام می‌گفتند قلم و رسانه‌ها باید در خدمت تربیت بشر و تعالی کشور و ملت باشد. این تعالی گاه از راه نقد و گاه از مسیر تبیین به‌دست می‌آید. ایشان حتی می‌گفتند رسانه این نیست که عکس من یا نخست‌وزیر را پخش کنید، بلکه برای نمونه به‌سراغ کشاورزی

بروید که توانسته در رشته‌کاری خود موفق باشد و محصول خوبی به‌بار آورد تا از این راه مردم تشویق شوند؛ یا از پزشکی بگوئید که توانسته پیشرفتی در کارش داشته باشد و سبب ارتقای جامعه شده است. به‌عبارت‌دیگر، باید از مردم بگوئید و به آن‌ها برسید. درست است که ایشان از این واژگان استفاده نمی‌کردند، اما این همان روزنامه‌نگاری توسعه است.

واقعیت این است که حضرت امام به نقش رسانه‌ها در توسعه و پیشرفت کشور اهمیت زیادی می‌دادند و می‌گفتند رسانه‌ها باید در مسیر پیشرفت کشور حرکت کنند. ازسوی‌دیگر، رسانه را در خدمت مستضعفان می‌دانستند و بر این باور بودند بر هرکسی که می‌تواند قلم بزند و در راه انقلاب و اهداف آن بنویسد، واجب کفایی است این کار را انجام دهد. در پایان، بار دیگر از تمام دوستان قدردانی و سپاسگزاری می‌کنم.

متقیان (مدیرعامل ایستا): حال که آقای دعایی نیامدند، از قول ایشان خاطره‌ای از امام را نقل می‌کنم. همان‌گونه که دوستان می‌دانند، پیش از انقلاب آقای دعایی رادیویی با نام روحانیت مبارز داشتند. ایشان می‌گفتند به ما امکاناتی دادند تا بتوانیم رادیو داشته باشیم. من هم خدمت آقا مصطفی رسیدم و گفتم چنین امکانی فراهم شده است و می‌توانیم برویم و برنامه را اجرا کنیم و آن رادیو را بگیریم و از نیم ساعت وقتی که به ما داده‌اند استفاه کنیم. بالطبع، بعدها آقا باخبر می‌شوند. اگر اعتراض کردند، برنامه را قطع می‌کنیم و اگر تأیید کردند، کار را ادامه می‌دهیم. آقای دعایی ادامه دادند که من سه جلسه برنامه را پیش بردم تا این‌که امام مرا خواستند و گفتند شما به رادیو می‌روید؟ گفتم بله. گفتند به مردم چه گفتید؟ من هم دفترچه‌ای را که تمام مطالبم را در آن نوشته بودم خدمت ایشان دادم. پس از دو روز مرا خواستند. متوجه شدم دفتر و مطالب مرا با دقت تمام خوانده‌اند. به من گفتند آقای دعایی، اول این‌که هیچ‌گاه به مردم دروغ نگوئید و دوم بدزبانی و فحاشی نکنید. آقای دعایی گفتند با خودم فکر کردم چه شده است که حضرت به من این‌گونه می‌گویند. ایشان روی مطلبی دست گذاشتند که من

در مورد زمین و زمین خواری ملاکان حکومت شاهنشاهی گفته بودم و در آنجا گفته بودم رهبر این نهضت حتی یک متر زمین هم ندارد. حضرت در آنجا به من گفتند من در شهر خمین زمینی دارم که ارثیه پدرم است و این زمین به نام خاندان من است. پس من زمین دارم و این گفته شما درست نیست. در مورد فحاشی هم باز دفتر را ورق زدند و به جایی رسیدند که من در مورد اشرف سخن گفته بودم و مطالب بدی را بیان کرده بودم. ایشان فرمودند حتی به دشمن هم فحاشی نکنید. حضرت امام به دو نکته اشاره کردند: نخست دروغ نگویند و دوم بدزبانی نکنید. اگر ما این دو نکته را از امام بیاموزیم و سرلوحه کار خبری و رسانه‌ای خود قرار دهیم، هیچ مشکلی نخواهیم داشت، چراکه در این صورت دیگر برای مصلحت یا نهادینه کردن موضوعی دروغ نمی‌گوییم و بدزبانی و فحاشی نیز نمی‌کنیم. هر دوی این موارد رسانه را از عدالت خارج می‌کند. این نکته بسیار مهم است. قرآن به ما می‌گوید: «بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» انسان درباره نفس خود بصیرت دارد. من که قلم به دست می‌گیرم و می‌نویسم، از این نکته آگاهم. پس نکته مهم درباره رسانه و اندیشه امام در مورد رسانه این است که دروغ نگویند و فحاشی نکنید.

ایشان همواره این جمله را تکرار می‌کردند که انسان در محضر خداست، اما در جایی گفته‌اند قلم در محضر خداست. پس به نوشته‌های خود دقت کنید، چراکه قیامتی هم وجود دارد. اگر هر قلم به‌دستی این نکته را مدنظر داشته باشد که باید در خصوص هر آنچه می‌نویسد، روزی پاسخ‌گو باشد و فردای قیامتی نیز هست، شاید بسیاری از مطالب را ننویسد. اگر امروز به سود کسی چیزی نوشتیم و هدیه و امکانات و مقام و عزتی دریافت کردیم، فردا روزی است که عدالت برقرار خواهد بود. بنابراین، امام به قلمی که در دستان شماست توجه می‌دهد و می‌گوید این قلم در محضر خداست و فردای قیامت برای هر واژه‌ای که نوشته‌اید بازخواست می‌شوید، پس باید در نوشتن رضای خدا را در نظر داشته باشید.

در جای دیگری حضرت امام می‌گویند رسانه‌ها در تربیت و آموزش نقش

مهمی دارند. به عبارت دیگر، نقش معلمی را به رسانه‌ها می‌دهند. در جای دیگری می‌گویند معلمی شغل انبیاست. من از این دو نکته استفاده می‌کنم و می‌گویم رسانه و خبر و خبرنگاری هم شغل انبیاست. خداوند به رسول خود و جبرئیل که پیام‌آور اوست، لقب امین داده است. امین بودن، ذات فرستاده است. امین و صادق کسی است که امانت‌دار است و آن‌گونه که امام سجاد (ع) می‌گویند: امانت‌دار کسی است که اگر شمشیری که با آن پدرش را به شهادت رسانده‌اند به دستش دهند به آن امانت خیانت ن‌می‌کند. پس من به عنوان خبرنگار و خبرنگویس و رسانه باید به یاد داشته باشم خبری که به دستم می‌رسد، امانت است و باید امانت‌دار باشم، حتی اگر علیه اندیشه و باور و فکر من باشد. پس، امین بودن شرط دیگر کار خبری است.

نکته دیگری که حضرت امام روی آن تأکید دارند، انتقاد است. تأکید امام بر انتقاد سالم و مفید و به دور از هرگونه انتقام‌جویی است. کار مسئولان را بررسی و نقد سالم کنید و به آن‌ها سامان دهید. اگر انتقاد ما این‌گونه باشد که دوست و هم‌عقیده ما هر کاری می‌کند درست است و کسی که دوست و هم‌باور ما نیست تمام کارهایش نادرست است. چنین چیزی با شیوه امام و منطق اسلام هماهنگ نیست.

همان‌گونه که آموزگار با دانشجو و دانش‌آموز با زبانی سخن می‌گوید که متوجه شود و بیاموزد، رسانه هم باید با زبان مخاطب سخن بگوید. امام می‌گویند مسائل را آن‌گونه که رخ داده است به مردم و با زبان خودشان بفهمانید تا مردم با زبان خودشان رویدادها را بشنوند و توجیه شوند. آقای کواکبیان به مطلبی اشاره کردند که من هم می‌خواهم آن را تکرار کنم. هنگامی که حضرت امام به عنوان فقیهی جامع‌الشرایط و مجتهد روی موضوع تیترو و هماهنگ‌نبودن خبر و تیترو دست می‌گذارد و تأکید می‌کند، بایستی بدانیم این نکته مسئله بسیار مهمی است. ما با تیترو مردم را به خبر فرامی‌خوانیم، درحالی که شخص هر اندازه می‌خواند چیزی از تیترو در نمی‌یابد. شاید این موضوع در نوشتن خبر امتیاز باشد، اما اشتباهی بزرگ

و فعل حرام است. سخنم را کوتاه می‌کنم. آنچه من از امام آموخته‌ام این است که دروغ نگوئیم و بدزبانی نکنیم، امانت‌دار و صادق و راستگو و امین باشیم و با مردم با زبان خودشان سخن بگوئیم. انتقاد کنیم، اما به دنبال گرفتن انتقام نباشیم و مباحثمان را جهت‌دار و به سود دوستانمان ننویسیم، بلکه واقعیت‌ها را بیان کنیم و اگر خدایی ناکرده با شخصی زاویه داریم او را سرکوب نکنیم. با سپاس فراوان.

مقدم (مدیرمسئول و سردبیر پایگاه خبری الف): از دید من، چیزی که درباره حضرت امام به صورت فشرده می‌توان گفت این است که هرچند فاصله رشد تکنولوژی آن زمان و امروز بسیار زیاد است و در این حوزه رخدادهای تازه‌ای به وقوع پیوسته است که نمی‌توانیم همه آن‌ها را تطبیق دهیم، اما ازسوی دیگر روح کلی آن تغییری نکرده است و آن روح کلی این است که ما بتوانیم به گونه‌ای در راستای آرمان‌ها و ایده‌های انقلاب از ابزارهایی که در اختیار داریم بهره ببریم. از دید من، حضرت امام در زمان خودشان از امکاناتی که در اختیار داشتند نهایت استفاده را برای مبارزاتشان و انتقال پیام به مردم بردند. یکی از آن‌ها رسانه منبر است. این رسانه جریانی است که در دست روحانیان است و امام کوشش کردند از این رسانه نهایت بهره را ببرند. همچنین امکانات آن دوران در زمینه نوشتن و انتشار اعلامیه و انتقال آن به داخل کشور با سختی‌های زیادی همراه بود، به‌ویژه هنگامی که حضرت امام در تبعید بودند. رسانه دیگر همانا پدیده‌ای به نام نوار کاست بود. بیش از این‌ها ابزار دیگری در دسترس نبود که مردم و جریان انقلاب بتوانند از طریق آن ارتباط برقرار کرده و پیام‌های امام را دریافت کنند.

ما باید مراقب باشیم که دیدگاه‌های امام را دچار تحریف نکنیم. این مسئله را از این بابت بیان می‌کنم که ایشان هر دو جنبه کارکرد رسانه‌ها را مورد تأکید قرار می‌دادند؛ جنبه‌های مربوط به آگاهی‌بخشی و نقد درست و این که رسانه‌ها باید زبان مردم باشند و حتماً به شبهات رسانه‌های خارجی پاسخ دهند. یکی از مسائلی که امام بر روی آن تأکید فراوان داشتند، جلوگیری از

انحراف فکری بود. امام این بخش‌ها را به‌صورت ایجابی بیان می‌کند، اما در عین حال می‌دانستند که این ابزار است که در اختیار نیروهای مخالف نیز قرار دارد. بنابراین، در خصوص جریانی که در داخل کشور از سلاح و ابزار رسانه علیه منافع ملی و مردم یا نظام نوپای جمهوری اسلامی استفاده می‌کرد، نقد داشتند و در مورد آن‌ها جملات صریحی می‌گفتند. در بخش‌هایی جملاتی با این مضامین دارند که ما اجازه نمی‌دهیم شما با قلم و با استفاده از رسانه دست به توطئه بزنید. البته این واقعیتی است که در سال‌های اول پیروزی انقلاب تمام جریان‌های سیاسی از گروه‌های چپ تا التقاطی و دیگران همگی رسانه داشتند و فعالیت می‌کردند و جالب اینجاست که برخلاف جریان ملت هم کار می‌کردند و کم‌کم داشتند بر روی مردم تأثیر می‌گذاشتند و می‌خواستند انقلاب را منحرف کنند. طبیعی است که رهبری انقلاب درباره‌ی این عناصر ساکت نماند. البته در ابتدا مداراهایی انجام شد، اما به‌هرروی، همان‌گونه که خودشان عنوان کردند، ایشان هم تا حدی می‌توانستند تاب بیاورند و این جریان‌ها را تحمل کنند.

امام تمام این ویژگی‌ها را با هم دارد. هنگامی که به مجموعه‌ی گفتارهای ایشان نگاه می‌کنیم می‌بینیم که ترکیبی از این‌هاست، یعنی هم ما را متوجه کارکردهای اصلی رسانه می‌کند و می‌گوید رسانه دانشگاه است و باید از آن برای هدایت و اصلاح جامعه استفاده کرد؛ و هم این که هشدار می‌دهد اگر منحرف شوند چه تأثیراتی بر افکار عمومی می‌گذارند. جالب اینجاست که حضرت امام جمله‌ای دارند که می‌گوید هیچ چیزی بیشتر از رسانه منشأ انحراف و انحطاط و فشار بر مردم نیست.

ما باید مراقبت کنیم تا از آموزه‌های امام دور نشویم. با پیشرفت کنونی احساس می‌کنیم ارزش‌های دیگری جایگزین ارزش‌های پیشین می‌شود و متأسفانه این کارکردها در حال ضعیف‌شدن است. برای نمونه، در حوزه فضای مجازی و حتی فضای واقعی به‌سمت داشتن تیراژ بالا و لایک و دنبال‌کننده بیشتر، با هر قیمتی، حرکت می‌کنیم. هیچ‌یک از این‌ها در آموزه‌های امام

جایی ندارد. این مسائل جزو ارزش‌ها نیست، اما در حال تغییر و دگرگونی آن‌هاست. من این را می‌پذیرم که باید رسانه‌ای داشته باشیم و تلاش کنیم هر اندازه می‌توانیم از راه‌های درست مخاطبان خود را افزایش دهیم، چون رسانه بدون مخاطب که اصلاً رسانه نیست. رسانه‌ای که خودش منتشر کند و خودش هم بشنود ارزش‌های لازم برای رسانه را در اختیار ندارد. اما بحث من بر سر این است که من نباید به هر قیمتی به دنبال این باشم که شمار بینندگان و دنبال‌کنندگان خود را افزایش دهم و حتی از طریق آن منافع مادی به دست آورم. به عبارت دیگر، برخی از ارزش‌ها را فدای منافع مالی کنم.

یکی از موضوع‌هایی که بسیار مهم است اما متأسفانه به آن عمل نشد و حتی در زمانی که خودشان هم در قید حیات بودند تنها در مقطع کوتاهی به آن پرداخته شد، این بود که می‌گفتند چرا تا این اندازه تصویر من پیرمرد را پخش می‌کنید. بروید از مردم و کارگران و کشاورزان فیلم بگیرید و آن‌ها را پخش کنید. یا این که چرا من باید در آغاز اخبار باشم و مسائلی مانند آن. از دید من، این یکی از نقاط بسیار باارزش مربوط به رسانه است که ما نیز از آن فاصله گرفته‌ایم. این مسئله در رسانه‌های رسمی و صداوسیما بیشتر دیده می‌شود. در این رسانه‌ها ارزش‌های خبری مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

موضوع دیگر این است که رسانه‌های داخلی باید به پدیده‌ها و تصمیمات ملی نگاه ملی داشته باشند. این امر باید همیشه به‌عنوان یک دستورالعمل و وظیفه ملی قابل بررسی باشد تا در هر مقطعی بتوانیم به‌خوبی تشخیص دهیم که منافع ملی ما در آن زمان چیست و مراقب باشیم مسیری جز آن را نرویم. این مسائل هم می‌تواند مربوط به موضوعات هسته‌ای و سیاسی و بین‌المللی باشد و هم مربوط به مسائل داخل کشور. رسانه‌های ما باید به این مسئله توجه کنند. همه باید به میدان بیایند و کمک کنند تا بتوانیم جریان واحد کلیت نظام و منافع مردم را که به اجرا و پیشبرد آن بستگی دارد، پیش ببریم. با سپاس از فرصتی که به من دادید.

جمع‌بندی

در این اجلاس در مورد سیره حضرت امام و کارکرد رسانه و دیدگاه ایشان درخصوص آن سخن گفتیم. تأکید امام بر این بود که رسانه برای ترویج اخلاق و فرهنگ اسلامی است. ایشان بر غنی کردن محتوای رسانه‌ها برای ترویج اسلام و انقلاب اسلامی تأکید داشتند. امام در بیانات خود از کارکرد آموزشی رسانه‌ها سخن گفته‌اند و این که رسانه یک دانشگاه است و می‌تواند فرصت افزایش علم را فراهم کند. تأکید امام بر اطلاع‌رسانی مبتنی بر واقعیت شاید یکی از شاخص‌ترین نکاتی باشد که ایشان همواره به آن توجه داشتند. درخصوص آسیب‌شناسی انحراف، ایشان بسیار تأکید داشتند که مبدا اجازه دهیم انحراف شکل بگیرد. تأکید ایشان بر صیانت از اسلام و این نهضت بود. امام در مورد انتقاد تأکید داشتند که انتقاد نباید بر بستر انتقام شکل بگیرد. تأکید مهم دیگر ایشان در مورد این بود که رسانه‌ها نباید عاملی برای ترویج بی‌بندوباری غربی باشند. وظیفه دیگر رسانه از دید امام امانت‌داری است. فضای جالب و تازه‌ای که امروز در جریان رسانه‌های معاند به وجود آمده است که در سطح بین‌المللی به اسلام‌هراسی و در سطح منطقه به ایران‌هراسی و در داخل کشور به هراس از نظام جمهوری اسلامی و انقلاب‌هراسی دامن زده است، هدفش این است که این نهضت پرتمر و پراثر را که امروز صدای آن به تمام دنیا رسیده است و الگوی موفق است که امروز در مردم‌سالاری دینی می‌بینیم، تضعیف کند. بحث امروز در فضای جاری، تنها آغازی بود و از این نظر خوب و گویا بود.